اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

سه‌شنبه
• ۳ مرداد ۱۴۰۲
• ۷ محرم ۱۴۴۵
• ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳

• سال سی‌وپنجم شماره پیاپی ۳۶۸۷ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۳۶۹ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



تضمین نرخ ۲۵ قلم کالا در برنامه هفتم

رئیس مجلس شورای اسلامی بااشاره به اینکه در صورت مناسب بودن شرایط اقتصادی کشور حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۲ قلم در بخش‌های لوازم‌خانگی و کالای اساسی، باید تضمین نرخ شود، گفت: دولت و مجلس در این رابطه مصمم هستند و در سیاست‌های برنامه هفتم توسعه موردتوجه قرار می‌گیرد. در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی، گزارش کمیسیون کشاورزی، آب، منابع‌طبیعی و محیط‌زیست درباره بررسی نحوه سیاست‌گذاری دستگاه‌های متولی در حوزه مدیریت بازار کالاهای استراتژیک گندم و برنج در دستور کار قرار گرفت و نمایندگان و وزیر جهاد کشاورزی در این‌باره اظهارنظر کردند.

۲



عرضه بورسی برق صنایع؛ حمایت یا محدودیت

چرخه معیوب سیاست‌گذاری انرژی

۴-۶-۱۰-۱۳-۱۶

عکس: آیدا فریدی

سرمقاله



هر سال صورت‌مسئله را پاک می‌کنیم ۲

یادداشت‌های امروز



حمایت از تولید با شعار محقق نمی‌شود ۴



در مسیر توسعه پایدار ۶



۴ اشکال اخذ کارمزد از کارتخوان‌ها ۸



مصرف بهینه برق فرهنگ‌سازی شود ۱۰

گفت‌وگو



رشد ۳۱ درصدی نقدینگی دستاورد نیست ۱۲

گزارش‌های روز

افزایش اعتبار کالابرگ براساس میزان تورم ۸

زخم کمبود خطوط ریلی بر تن اقتصاد ۹

حذف مشوق مالیاتی هدفمند به زیان تولید است ۱۴

مناقصه عمومی خرید روغن و گریس

صبانور
شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور در نظردارد تامین بخشی از نیاز روغن و گریس مورد نیاز برای کارخانه‌های خود، واقع در استان‌های همدان و کردستان را به شرکت واجد شرایط واگذار نماید. لذا تمامی شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۲۷۶۴۵۳۰۸ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان – مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه با ورود به سامانه تامین کنندگان صبانور بصورت دربسته مهرو موم شده، از تاریخ درج آگهی تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی‌رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق‌طلب غربی) پلاک ۴۹ - طبقه سوم (دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقصه گزار اختیار کامل در زمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچگونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)

آگهی مزایده شماره ۰۰-۰۴۵۹SI

شرکت فولاد سیرجان ایرانیان

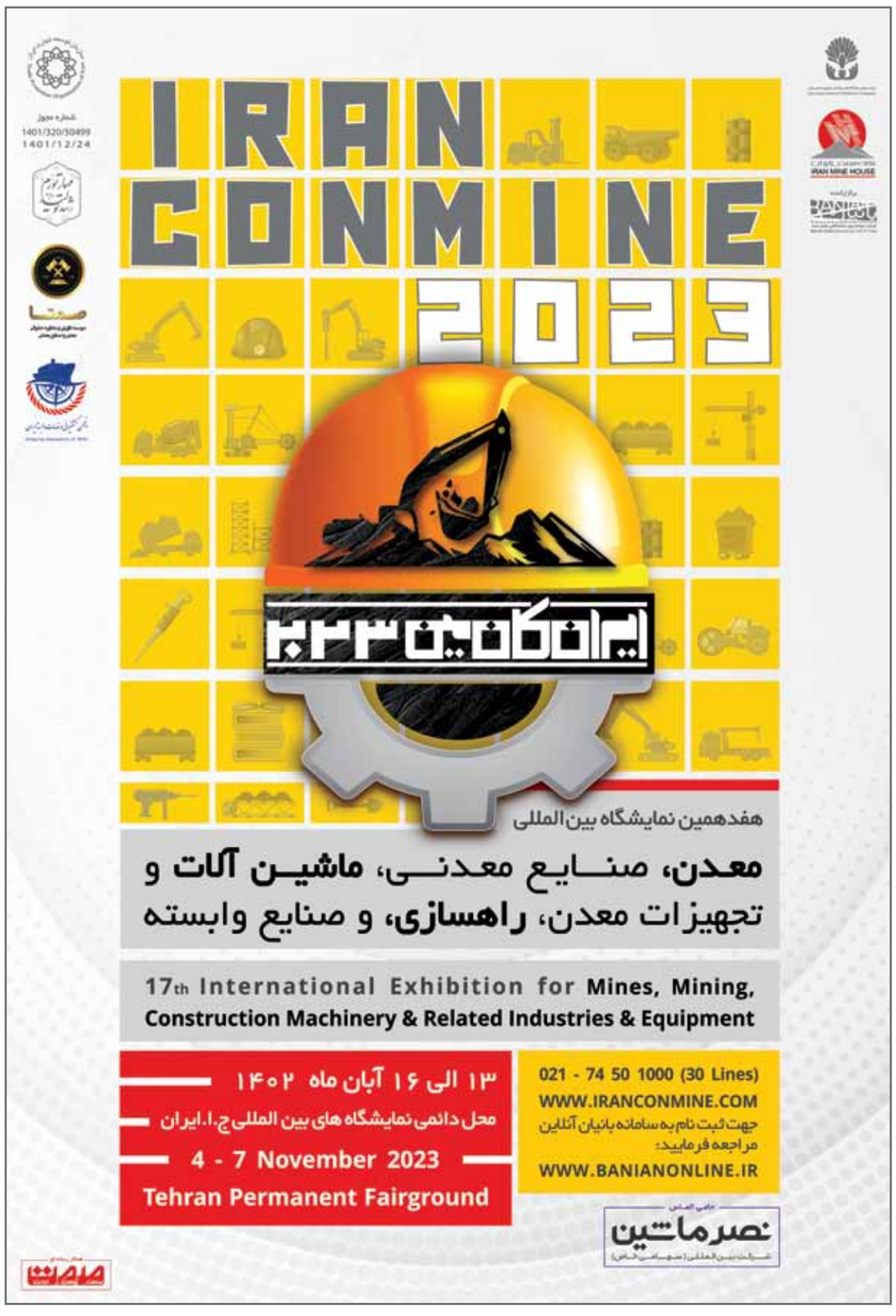
شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در نظر دارد ۱۰۰ هزار تن گندله سنگ‌آهن موجود در مجتمع گندله‌سازی سایت سیرجان از طریق دریافت پیشنهاد با محصول آهن اسفنجی تهاتر نماید. لذا از تمامی داوطلبان دعوت به عمل می‌آید به منظور ارسال پیشنهادات و مذاکرات بعدی نظرات اولیه خود را حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۱۴ را به آدرس ایمیل sales@sisco.midhco.com ارسال و یا با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند.

- همکاری با تمامی شرکت‌های تولیدی و بازرگانی صورت می‌پذیرد.
- نظرات اولیه بایستی شامل آنالیز آهن اسفنجی، تولید کننده و اطلاعات کامل متقاضی باشد.

آدرس دفتر کرمان: خیابان هزار و یک شب، انتهای کوچه ۱۷، سمت راست، ساختمان سیسکو، طبقه هفتم، واحد فروش

تلفن‌های تماس: ۰۳۴۳۱۲۴۵۷۱۶ و ۰۳۴۳۱۲۴۵۷۱۹

امور بازرگانی ـ بخش فروش





سرمقاله

هر سال صورت‌مسئله را پاک می‌کنیم



آرمان خالقی، عضو هیات‌مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت

نیاز صنایع به انرژی برق با هدف حفظ تولید از الزاماتی است که نمی‌توان نادیده گرفت و در چند سال گذشته نیز کمبود برق و اولویت تامین برق خانگی، بخش تولید را با مشکلات جدی مواجه کرده و از سوی دیگر، کمبود حامل‌های انرژی به مشکل تکراری صنایع در چند سال اخیر بدل شده است و تولید به فراخور زمان و میزان مصرف، مشمول اجبار در کاهش مصرف سهمیه‌بندی انرژی برق و گاز می‌شود.

این در حالی است که خسارت‌های فنی ناشی از قطعی برق، گاز و خواب تولید قابل‌کتمان نیست و گاهی واحدهای صنعتی‌شده، برای جبران این آسیب‌ها ناچار به تامین مالی بالاتر از توان و جذب سرمایه جدید می‌شوند.

از طرف دیگر، به‌دنبال اعتراض فعالان صنعتی برای قطع ناگهانی برق، دولت در چند سال گذشته با ارائه جدول زمان‌بندی قطع گاز و برق سعی در کاهش خسارت وارده به خط تولید داشته که به‌نظر می‌رسد تنها راهکار در مقابل تامین انرژی به‌شمار می‌رود.

به این ترتیب، مشکل کمبود انرژی و سوال درباره راهکارهای عملیاتی تامین برق و گاز همچنان پابرجاست و در عمل، تنها هر سال با پاک کردن صورت‌مسئله، رفع زیرساختی مشکل به سال‌های بعد موکول می‌شود.

هر سال فعالان صنعتی از مشکلات اقتصادی ناشی از قطع برق و گاز گلایه‌ها دارند و دولت هم در نهایت مصرف‌کنندگان را ترغیب به صرفه‌جویی در مصرف می‌کند.

این دور باطل سال‌هاست که ادامه دارد و سال بعد، باز همان مشکلات و همان راهکارها تکرار می‌شوند. هر سال با آغاز سرما واحدهای صنعتی موظف به استفاده از سوخت جایگزین می‌شوند؛ فرآیندی که علاوه بر تحمیل هزینه برای تغییر تجهیزات و قطعات سوخت‌رسانی خط تولید، مشکل آلودگی هوا را نیز دوچندان می‌کند. همین داستان برای تامین برق در تابستان به‌شکلی دیگر تکرار می‌شود و در نهایت، باز دور تسلسل قطع برق و گاز با برنامه زمان‌بندی‌شده ادامه دارد.

چند سال پیش، موضوع الزام پرداخت خسارت ناشی از قطع گاز و برق به واحدهای صنعتی از محل بیمه و از سوی شرکت‌های خدمات‌رسان حامل‌های انرژی مطرح شد.

در اصل این پیشنهاد در جریان تدوین قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار ارائه شد تا بیمه ملزم به جبران خسارت واحدهای صنعتی شود، هرچند تا امروز این پیشنهاد عملیاتی نشده است، اما مشکل کمبود انرژی و قطعی برق و گاز همچنان وجود دارد.

از سوی دیگر، همواره باتوجه به اولویت تامین انرژی بخش خانگی، سهمیه‌بندی برق و گاز صنایع در اولویت برنامه قطعی‌ها قرار می‌گیرد که به این ترتیب، تولید، قربانی نخست کمبود انرژی می‌شود.

از دیگر سو، آسیب‌های ناشی از قطعی یک‌باره حامل‌های انرژی تنها یک روی سکه زیان‌های وارده به صنعت است. این روند علاوه بر آسیب زدن به ماشین‌آلات و تجهیزات، منجر به فاسد شدن مواد اولیه و محصولات در خط تولید می‌شود.

آسیب‌های قطع حامل‌های انرژی در صنعت نساجی، پلاستیک، مواد غذایی و... جدی و سنگین است. به‌عنوان‌مثال، در صنایعی که از کوره استفاده می‌کنند، کوره داغ است و مواد اولیه در آن ذوب می‌شوند و هنگامی که برق یا گاز قطع می‌شود، با سرد شدن کوره، این مواد مذاب در داخل کوره منجمد می‌شود. جدا کردن این مواد اولیه منجمدشده بسیار دردسرساز است؛ به‌گونه‌ای که یا کوره باید مستهلک اعلام شود یا با ابزاری آرام‌آرام این مواد مذاب منجمدشده خرد و از کوره جدا شوند. این معضل برای دستگاه‌هایی که مواد پلاستیکی در داخل آنها قرار می‌گیرد هم، وجود دارد. برخی قطعات ماشین‌آلات، به‌ویژه هنگام قطعی ناگهانی برق، دچار آسیب جدی می‌شوند؛ برای مثال قطعات الکترونیک می‌سوزند. در نتیجه، صنعتگر هم متحمل خسارت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌شود و هم بخشی از محصولاتش فاسد شده و از بین می‌رود. به‌عنوان مثال، شیری که در داخل خط تولید است، پس از خاموشی باید کامل دور ریخته شود یا پارچه‌ای که در حال بافته شدن یا رنگ‌آمیزی است، تبدیل به ضایعات می‌شود و باید دور انداخته شود.

روی دیگر آسیب‌های وارده به تولید در جریان قطع انرژی حتی در صورت برنامه‌ریزی و اعلام قبلی نیز کاهش تولید نسبت به برنامه‌ریزی خط تولید است. به‌عبارت‌دیگر، توقف تولید، منجر به کاهش تیراژ متناسب با ظرفیت برنامه‌ریزی‌شده می‌شود و دوباره واحد صنعتی را با چالش‌های مالی روبه‌رو خواهد کرد.

کارگر بیکار می‌ماند و واحد تولیدی که تعهد دارد سر زمان مقرر، کالایی را تولید کند و به خط تولید محصول نهایی برساند، از تولید عقب می‌افتد و جریمه می‌شود. سیستم بانکی هم، کاری به روال تولید ندارد و سود تسهیلات پرداخت‌شده را در زمان مقرر طلب می‌کند.

مشکلات ناشی از قطع گاز در فصل سرما نیز کمتر از مشکلات قطع برق نیست. کم‌فشاری و قطع گاز در سرشاخه‌های خطوط انتقال گاز با برودت هوا، مانند مناطق شمال‌غرب یا شمال‌شرق و توقف تولید از جمله این مشکلات است.

کسی هم پاسخگوی تعطیلی این واحدهای صنعتی و خسارت‌هایی که به آنها وارد می‌شود، نیست. بنابراین، شرکت توانیر، گاز و شرکت‌های متولی این امر، باید درباره تضمین تامین حامل‌های انرژی واحدهای تولیدی اقدامی جدید انجام دهند.

تعیین نقشه‌راه برای فرهنگ‌سازی تنظیم جمعیت

رئیس‌جمهوری با تاکید بر ضرورت تعیین نقشه‌راه متناسب برای دستگاه‌های متولی در مسئله تنظیم جمعیت گفت: تقویت رویکردهای تشویقی و فرهنگ‌سازی از اولویت‌های جوانی جمعیت است.

به‌گزارش ایرنا، ابراهیم رئیسی در پنجمین جلسه ستاد ملی جمعیت بااشاره به اهمیت موضوع تنظیم جمعیت و ضرورت رعایت اسناد بالادستی و قوانین مصوب در موضوع جوانی جمعیت، بازنگری در عملکرد دستگاه‌های مسئول در پیگیری مصوبات ستاد ملی جمعیت را ضروری خواند.

رئیس‌جمهوری در این جلسه همچنین بر جبران عقب‌ماندگی‌های متناسب با دغدغه موجود درباره این مسئله بسیار مهم و تقویت اقدامات فرهنگ‌ساز با رویکرد تشویقی تاکید کرد. آیت‌الله‌رئیسی از اولویت‌های مسئله جوانی جمعیت را تقویت رویکردهای تشویقی و به‌ویژه فرهنگ‌سازی برای اقشار مختلف جامعه دانست و گفت: مجموعه اقدامات دستگاه‌ها متولی در این زمینه باید به‌گونه‌ای باشد که جامعه احساس کند، خانواده‌های دارای فرزند بیشتر، کیفیت زندگی بالاتری خواهند داشت.رئیس‌جمهوری برنامه‌سازی در رسانه ملی در موضوع جوانی جمعیت را از مهم‌ترین اقدامات فرهنگ‌ساز خواند و افزود: در تمامی تولیدات فرهنگی باید بر تشویق فرزندآوری تمرکز شود، به‌گونه‌ای که به‌مرور مسئله جمعیت به‌عنوان یک گفتمان قالب موردتوجه قرار گیرد.آیت‌الله رئیسی بااشاره به ضرورت تعیین نقشه‌راه متناسب برای دستگاه‌های متولی در مسئله تنظیم جمعیت، بر استمرار سیاست‌ها و تصمیمات به‌روزشونده برای رسیدن به نتایج مناسب در این حوزه تاکید کرد.رئیس‌جمهوری با تاکید بر تقویت رویکردهای بازدارنده در موضوع سقط جنین، به دبیر ستاد ملی جمعیت دستور داد؛ با تشکیل کارگروهی متشکل از مسئولان وزارت بهداشت، معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری و قوه قضاییه، ابعاد مختلف موضوع به‌دقت بررسی و نسبت به رفع آنها اقدام شود. «ضرورت جلوگیری از واردات داروهای غیرقانونی و برخورد با باندهای مجرمانه و جرائم سازمان‌یافته»، «تقویت دبیرخانه ستاد ملی جمعیت با رویکرد چابک‌سازی آن» و «تدوین نقشه‌راه زمان‌بندی‌شده برای وظایف و اقدامات همه دستگاه‌ها در زمینه افزایش جمعیت» از دیگر تاکیدات رئیس‌جمهوری در این جلسه بود.

در پنجمین جلسه ستاد ملی جمعیت همچنین ۸ مصوبه از جمله در زمینه تسهیل و رفع موانع فرزندآوری به تصویب اعضا رسید.

تضمین نرخ ۲۵ قلم کالا در برنامه هفتم



رئیس مجلس شورای اسلامی بااشاره به اینکه در صورت مناسب بودن شرایط اقتصادی کشور حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۲ قلم در بخش‌های لوازم‌خانگی و کالای اساسی، باید تضمین نرخ شود، گفت: دولت و مجلس در این رابطه مصمم هستند و در سیاست‌های برنامه هفتم توسعه موردتوجه قرار می‌گیرد.

به‌گزارش صمت، در جلسه علنی روز گذشته مجلس شورای اسلامی، گزارش کمیسیون کشاورزی، آب، منابع‌طبیعی و محیط‌زیست درباره بررسی نحوه سیاست‌گذاری دستگاه‌های متولی در حوزه مدیریت بازار کالاهای استراتژیک گندم و برنج در دستور کار قرار گرفت و نمایندگان و وزیر جهاد کشاورزی در این‌باره اظهارنظر کردند. محمدباقر قالیباف در جمع‌بندی گزارش‌ها و سخنان ارائه‌شده با بیان اینکه کالاهای اساسی و کشاورزی، امروز دغدغه اساسی و جدی مردم است، خطاب به اعضای کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه اظهار کرد: چند قلم اساسی در حوزه مواد غذایی و چند قلم در حوزه جهیزیه وجود دارد که مربوط به قانون جوانی جمعیت و خانواده است.

وی ادامه داد: در برنامه هفتم توسعه باید تدابیری اندیشیده شود که قیمت‌گذاری کالاها بیشتر از حقوق دریافتی نباشد، چراکه این موضوع به معیشت مردم و کالای اساسی مردم مربوط است.

رئیس مجلس شورای اسلامی بااشاره به اینکه پیش‌بینی می‌شود، امسال حدود ۱۲ میلیون تن گندم تولید شود، گفت: حدود ۸ میلیون تن مصرف و حداکثر ۸میلیون تن خرید گندم انجام شده است و دلیل مازاد تولید، قیمت‌گذاری دقیق و این مسئله است که نسبت به خرید واردات گندم، اولویت را توجه به کشاورز قرار داده‌ایم.

وی ادامه داد: طبق پیش‌بینی‌های انجام‌شده، حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه برای واگذاری در ردیف گندم وجود دارد و ۵۰ درصد از دیون گندم هنوز پرداخت نشده است و کشاورزان باید با استفاده از کشت سال گذشته، خرید نهاده را برای ابتدای مهر انجام دهند.

رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: برداشت گندم در نیمه جنوبی کشور از چند ماه قبل آغاز شده است و کشاورزان در بخش شمالی هم در حال برداشت هستند و اگر پرداخت ۵ درصد دیون انجام نشود، سبب کسری ۳۰ همت خواهد شد و فاصله زمانی برای آن هم وجود دارد که باید سازمان برنامه و بودجه نسبت به این موضوع تدبیر لازم را انجام دهد.قالیباف بیان کرد: پیش از این هم تذکر داده شده بود که پیش‌بینی اعلام‌شده در لایحه بودجه درباره گندم با کسری مواجه خواهد شد.

رئیس قوه مقننه بااشاره به ایراداتی که در حوزه برنج وجود دارد، توضیح داد: حدود ۱.۷ میلیون تن واردات اضافی برنج انجام شده و بنابر اعلام مسئولان استان مازندران بخشی از برنج سال گذشته هنوز در انبارها باقی مانده است. بر همین اساس، نباید واردات برنج انجام شود و معاون اول رئیس‌جمهوری در این‌باره به چند وزارتخانه در زمینه کاهش واردات برنج دستور داده است و در این‌باره مصوبه نظارتی امروز را پیگیری خواهیم کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی بااشاره به نابسامانی بازار مرغ نیز خاطرنشان کرد: سال گذشته، نرخ مرغ ۶۳ هزار تومان بود و حتی تولیدکنندگان با نرخ ۴۷هزار تومان تقاضای خرید بیشتر از سوی مردم را داشتند، اما امسال که نرخ مرغ به کیلویی ۱۰۰هزار تومان رسید است، از این‌رو باید مدیریت بیشتری انجام گیرد.

کره‌جنوبی به وعده پرداخت مطالبات ایران عمل کند



به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه، گفت‌وگوهای ایران با کشورهای مختلف از جمله کره‌جنوبی ادامه دارد و به‌تازگی هم، مقامات سئول وعده‌های مثبتی داده‌اند و امید است که شاهد عملیاتی شدن آنها باشیم.

به‌گزارش ایرنا، ناصر کنعانی با تشریح آخرین خبرها در زمینه مطالبات مالی ایران گفت: این مطالبات جزو حقوق انکارناپذیر ملت ایران و میزان و ارقام آن توسط مقامات ذی‌ربط کشورمان و برخی کشورهای دیگر اعلام شده است. وی تصریح کرد: در سایه تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه ایران، مبادله تجاری آزاد ایران با کشورهای مختلف دچار مشکل شد و برخی از این کشورها تحت‌فشار سیاسی امریکا از پرداخت مطالبات مالی ایران خودداری کردند یا به‌دلیل بسته شدن کانال‌های مالی، برخی کشورها از جمله عراق باوجود اراده برای پرداخت نتوانستند آنها را بپردازند. سخنگوی وزارت امور خارجه گفت: با طرف عراقی روابط خوبی داریم، دولت امریکا به‌تازگی گفته که مجوز انتقال بخشی از مطالبات را به طرف عراقی داده است و ما هم همچنان پیگیری وصول این مطالبات از عراق را انجام می‌دهیم. دولت در این زمینه جدیت لازم را دارد و مذاکرات و گفت‌وگوهای ایران با کشورهای مختلف برای احقاق حقوق ملت ایران ادامه دارد.

کنعانی بااشاره به استقبال ایران از مذاکرات صلح میان ارمنستان و آذربایجان گفت: ایران نیز آماده است که از ظرفیت خود برای صلح پایدار در منطقه قفقاز استفاده کند.

اجرای نظام جدید ارزیابی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها



تدوین آیین‌نامه جدید ارزیابی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان به اتمام رسید و با ابلاغ به واحدهای تابعه اجرایی خواهد شد.

به‌گزارش صمت، روح‌الله دهقانی فیروزآبادی در نشست خبری «معرفی نظام جدید ارزیابی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها» گفت: این آیین‌نامه براساس تجربه و مطالعه ۶ ماهه ارزیابی دانش‌بنیان‌ها تدوین شده و از فردا اجرایی می‌شود.

وی با بیان اینکه سازکارهای اقتصاد دانش‌بنیان کشور براساس این ارزیابی جدید تدوین و اجرایی خواهد شد، گفت: قانون حمایت از موسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۰ سال به‌خوبی اجرا شد و با ایجاد زمینه‌های لزوم تغییر آیین‌نامه، در ۶ ماه گذشته ارزیابی‌ها انجام گرفته و آیین‌نامه جدید تدوین شده است.

معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهوری با اشاره به تدوین فهرست جدید از محصولات و خدمات در ارزیابی یادشده، گفت: در این فرآیند شاخص تاثیرگذاری تولیدات در رشد اقتصادی، توسعه بازار و ثروت‌آفرینی، در کنار شاخص تربیت نیروی انسانی متخصص واقعی از جمله موارد موثر در ارزیابی ارزش‌آفرینی شرکت‌های مدنظر قرار می‌گیرد.

دهقانی‌فیروزآبادی بااشاره به شرایط شرکت‌های مشمول حمایت، گفت: طبق مطالعات صورت‌گرفته، مالیات ۸۰ درصد کل شرکت‌های دانش‌بنیان کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان است. به‌همین‌دلیل در آیین‌نامه جدید تلاش شده است شرکت‌های نوپای با کمتر زیر ۵ سال، درآمد سالانه کمتر از ۵ میلیارد تومان و تعداد نیروی انسانی زیر ۱۰ نفر، مشمول حمایت شوند.

دهقانی در پاسخ به پرسش صمت درباره جایگاه تولیدات شرکت‌های استارت‌آپی در نظام جدید ارزیابی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها گفت: در آیین‌نامه جدید، استارت‌آپ‌ها همان شرکت‌های نوپا هستند؛ در واقع، وقتی شرکتی بتواند محصولی فناورانه یا جزئی از یک محصول را با روش‌های فناورانه تولید کند، در فهرست دانش‌بنیان‌ها قرار گرفته و به‌عنوان شرکت فناور شناخته می‌شود. همچنین، اگر شرکتی توانسته باشد نمونه اولیه محصولی را تولید کند، به‌عنوان شرکت نوپا شناخته می‌شود و موردحمایت قرار می‌گیرد. حتی شرکت‌های فعال در حوزه تحقیق‌وتوسعه نیز طبق تبصره‌هایی مشمول حمایت می‌شوند. در واقع، شرکت فعال در تولید محصولی که نیاز به تمرکز زمانی داشته باشد، موردحمایت قرار می‌گیرد. البته اجرای این حمایت، نیازمند ارائه اسناد برای اثبات این فرآیند است.

وی در ادامه درباره اهمیت ورود کالاهای حساس به‌لحاظ ملی و امنیتی به فهرست کالا و خدمات دانش‌بنیان‌ها گفت: در تنظیم فهرست جدید کالا و خدمات دانش‌بنیان، جز ۵۰۰ فناوری موجود در فهرست یادشده، بخشی از کالاها هم براساس نیازها و اولویت‌های ملی اعلامی از سوی دستگاه‌ها، اضافه خواهد شد. برای مثال، کالاهای دارای ارزبری بالا و تاثیرگذار بر امنیت ملی و غذایی کشور، حتی در صورت برخورداری از تراز فناوری پایین، باز هم در این فهرست قرار خواهند گرفت. دهقانی‌فیروزآبادی بااشاره به شیوه ارزیابی شرکت‌ها در این نظام جدید، گفت: تاکنون برای اجرای نظام ارزیابی با مشکلاتی مواجه بودیم. از جمله اینکه، ارزیابی با برون‌سپاری به شرکت‌هایی واگذار می‌شد که کارگزاران یا تجربه کافی برای ارزیابی نداشتند یا در شهرهای دیگر امکان دسترسی به آنها نبود؛ از این‌رو در روش جدید، برای ارزیابی شرکت‌ها از مجموعه بزرگ پارک‌های علم و فناوری که تجربه فناوری دارند، استفاده خواهد شد. در این مسیر از توان و دانش پارک‌هایی مانند پارک فناوری پردیس و شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان کمک گرفته می‌شود.

استقبال ایران از ساز کار ۳+۳ برای صلح در قفقاز

وزیر خارجه کشورمان با بیان اینکه ارتباط و گسترش تعامل با ارمنستان برای ما مهم است، گفت: قفقاز جنوبی در سیاست همسایگی ایران از اهمیت خاصی برخوردار است.

به‌گزارش ایسنا، حسین امیرعبداللهیان در نشست مطبوعاتی مشترک با آرارات میرزویان، وزیر امور خارجه ارمنستان گفت: ما از پیشرفت گفت‌وگوهای صلح بین ارمنستان و آذربایجان استقبال می‌کنیم.

این دیپلمات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه متاسفانه برخی کنشگران خارجی به‌دنبال ایجاد صف‌بندی در منطقه قفقاز هستند، گفت: ما از سازکار موسوم به ۳+۳ بین کشورهای منطقه استقبال می‌کنیم و از برگزاری این نشست که در آن آذربایجان و ارمنستان نیز حضور داشته باشند، استقبال می‌کنیم و به تلاش‌های خود در این زمینه ادامه می‌دهیم.

فرمت همکاری‌ها در ترکیب ۳+۳ (یا عرصه شش‌جانبه) به‌منظور حل‌وفصل مشکلات در منطقه قفقاز جنوبی با مشارکت کشورهای (جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) و (روسیه، ایران و ترکیه) ایجاد شده است.

امیر عبداللهیان در ادامه اظهارات خود در نشست مطبوعاتی مشترک با وزیر امور خارجه ارمنستان با تاکید بر حمایت ایران از مذاکرات صلح در منطقه قفقاز جنوبی و آمادگی ایران برای کمک به تحقق صلح پایدار در آن منطقه تصریح کرد: منطقه قفقاز نباید به میدان منازعه و کشمکش بین قدرت‌ها تبدیل شود.

عکس روز



حضور بهروز فروتن، بنیان‌گذار محصولات غذایی بهروز در موسسه صمت

عکس: آیدافریدی

ویژه تر از خبر

افزایش مشارکت مردمی در طرح کالابرگ الکترونیک

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از مشارکت ۱۰۵ هزار خانوار تهرانی از طرح کالابرگ خبر داد و گفت: در سطح استان و شهرستان‌ها، زیرساخت‌های خوبی برای اجرای طرح ایجاد شده است و فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرد مجهز به دستگاه هستند. به‌گزارش ایسنا، با اجرای مرحله جدید طرح ملی کالابرگ الکترونیک از ۳۱ تیر کلیه دهک‌های اول تا سوم که یارانه ۴۰۰ هزار تومانی می‌گیرند، در صورت خرید ۵۰ درصد از اعتبار کالابرگ یعنی ۲۰۰ هزار تومان، مشمول افزایش اعتبار یارانه بدون سقف می‌شوند و مبلغ ۸۰ هزار تومان اعتبار مازاد به‌ازای هر نفر به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود. البته آن‌طور که معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفته؛ از ماه‌های آینده قرار است دهک‌های دیگر هم مشمول این طرح شوند و این طرح به‌تدریج درباره دهک‌های ۴ تا ۹ نیز عملیاتی خواهد شد. وی با بیان اینکه سال گذشته با حذف ارز ترجیحی، مبلغ یارانه برای ۳ دهک اول ۹ برابر شد و به ۴۰۰ هزار تومان رسید، افزود: تفاوت مرحله جدید طرح کالابرگ با مرحله قبلی این است که در مرحله قبل، یک سبد کالای ۱۱ قلم با تعداد و حجم مشخص وجود داشت که مبنای نرخ کالاهای آن، نرخ سال ۱۴۰۱ بود و اکنون این سبد کالایی مشمول هر میزان تورمی که شود، دولت آن را پوشش می‌دهد. در حالی که تا ۳۰ خرداد امسال، بیش از ۷۰ هزار خانوار تهرانی در طرح کالابرگ الکترونیک مشارکت کرده، ۱۲۲ هزار تراکنش خرید به ثبت رسیده و بیش از ۸ هزار فروشگاه در استان تهران برای اتصال به سامانه کالابرگ تجهیز شده بودند، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان تهران از افزایش مشارکت تهرانی‌ها در این طرح خبر داده است. حامد ویس کرمی با تشریح جزئیات جدید اجرای طرح در استان تهران می‌گوید: طرح ملی کالابرگ در استان تهران با یک روند رو به رشد در حال اجرا و استقبال مردم در حال افزایش است. وی از مشارکت بیش از ۱۰۵ هزار خانوار در طرح خبر داد و گفت: در سطح استان و شهرستان‌ها زیرساخت‌های خوبی ایجاد شده است و فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خرد برای اجرای این طرح مجهز به دستگاه هستند. شرکت فروشگاه‌ها در اجرای این طرح اختیاری است و می‌توانند از طریق اپلیکیشن «شما» اقدام کنند. پیش از این، تعداد فروشگاه‌های فعال در طرح ملی کالابرگ ۷۵ هزار فروشگاه بود که به ۹۰ هزار فروشگاه افزایش یافته است و نقاط دوردست و شهرهای کوچک نیز در حال پیوستن به سامانه هستند.

بعد از گذشت ۱۱ ماه از مهلت تعیین تکلیف واگذاری سایپا و ایران‌خودرو

واگذاری‌ها به کجا رسید؟

یکی از بارزترین مواردی که ضرر مردم از دولتی بودن اقتصاد در آن نیاز به اثبات ندارد، صنعت خودرو است؛ نارضایتی از محصولات و وضعیت نابسامان بازار خودرو که حتی واکنش بالاترین سطح سیاسی کشور را هم در پی داشته، بیش از هر عامل دیگری، حاصل انحصارطلبی دولت در این صنعت است. در این میان، اگرچه دولت سهم اندکی از شرکت‌های خودروسازی را در اختیار دارد، با این وجود در همه امور آن دخالت می‌کند؛ در این زمینه می‌توان به اظهارات عزت‌الله اکبری تالار پشتی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که می‌گوید: «دولت در ایران‌خودرو، ۶ درصد سهام دارد، اما در عمل ۶۰۰ درصد دخالت می‌کند که قابل‌قبول نیست.» طبق فرمان رئیس‌جمهوری قرار بر این بود که تا شهریور ۱۴۰۱ باید واگذاری ایران خودرو و سایپا تعیین تکلیف شود، اما با گذشت حدود ۱۱ ماه از این موعد زمانی، حتی یک گام هم در این راستا برداشته نشده است.



عکس: صمت

دلیل زیانده‌شدن خودروسازان دولتی



علی نبوی، رئیس پیشین سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) ابتدای سال جاری درباره آخرین وضعیت واگذاری سهام دولت در خودروسازان به مهر گفته بود تا زمانی که مشکل خودسهامداری حل نشود نمی‌توان واگذاری سهام دولت را عملیاتی کرد؛ از این‌رو بحث واگذاری سهام دولت در خودروسازی‌ها فاز دوم واگذاری یعنی بعد از رفع مشکل خود سهامداری یا همان سهام تودلی دو شرکت است. وی سهام دولت در در شرکت ایران خودرو را ۵.۷ درصد و در سایپا حدود ۱۷ درصد اعلام کرده بود. رئیس پیشین سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) همچنین تاکید کرده بود که به دلیل شرایط صنعت خودرو کشور این شرکت‌ها زیانده شده‌اند که قسمت کوچکی از این زیاندهی ناشی از عدم بهره‌وری در داخل مجموعه‌هاست و قسمت عمده نیز مربوط به مشکلات کلان صنعت خودرو و نحوه قیمت‌گذاری دستوری و تاکید بر آن است. وی همچنین خاطرنشان کرده بود که سهامداران و سرمایه‌گذاران به‌دلیل زیانده بودن این دو شرکت علاقه‌ای ندارند وارد این حوزه شوند.

واگذاری خودروسازی‌ها کار راحتی نیست



مهدی خطیبی، مدیرعامل سابق ایران‌خودرو نیز در اوایل اسفند سال گذشته درباره واگذاری سهام خودروسازان، گفت: درباره واگذاری سهام تودلی‌ها باید از کانون کارشناسان درخواست کارشناس برای ارزش‌گذاری کرده و نسبت به قیمت‌گذاری سهام اقدام کنیم که ۱۰۰ درصد این کار را انجام داده‌ایم و آگهی نیز منتشر شد. نتایج هم به اطلاع سازمان گسترش و نوسازی رساندیم و ازاین‌پس مابقی در اختیار ما نیست.

وی افزود: حتی برای واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه هم که تکلیف شده بود، در هیات‌مدیره مصوب کردیم و انجام دادیم. اینکه چرا خریدار نیامده ارتباطی با ما ندارد. فقط می‌دانم که برای واگذاری سهام خودروسازی‌ها، دولت و وزارت صنعت، معدن و تجارت مصمم هستند و به‌طور حتم پیگیر رفع موانع و موضوعاتی که وجود دارد هستند. به‌طور قطع اگر کار راحتی بود تا به امروز حتما انجام می‌شد.

در اختیار دولت نیست



از طرفی حسین قربان‌زاده، رئیس پیشین سازمان خصوصی‌سازی هم واگذاری سهام تودلی ایران‌خودرو و سایپا را بی‌ارتباط با دولت دانسته و گفته بود واگذاری سهام تودلی خودروسازان به دولت مربوط نمی‌شود. سهام تودلی خودروسازان دست دولت نیست و در اختیار شرکت قرار دارد و شرکت باید این سهام تودلی را واگذار کند.

وی تصریح کرد: محصولات خودرو باید طبق تعهد وزارت صنعت، معدن و تجارت تا پایان سال از شمول قیمت‌گذاری دستوری خارج شود در غیر این صورت، امکان صدور مجوز فروش سایت‌ها و سهام شرکت‌های زیرمجموعه وجود ندارد. درصورتی‌که تا پایان سال (۱۴۰۱)، سهام تودلی ایران‌خودرو و سایپا واگذار نشود، حق سهام تودلی این دو شرکت از ابتدای سال ۱۴۰۲ در مجامع محاسبه نمی‌شود.

۱۱ ماه بدون هیچ اقدامی گذشت

داستان واگذاری سهام خودروسازی‌هایی که از سال ۱۴۰۱ به‌طور جدی آغاز شده بود حالا که ۴ ماه از سال ۱۴۰۲ هم گذشته هنوز در بی‌خبری سیر می‌کند و مشخص نیست کدام ایستگاه ایستاده و چه اقداماتی برای اجرایی شدن آن انجام شده است. طبق فرمان رئیس‌جمهوری تا شهریور ۱۴۰۱ باید واگذاری ایران خودرو و سایپا تعیین‌تکلیف می‌شد، اما با گذشت حدود ۱۱ ماه از این موعد زمانی، حتی یک گام هم در این راستا برداشته نشده است.

متولیان امر معتقدند بحث واگذاری خودروسازان به‌دلیل داشتن ابعاد مختلف به ویژه سهام تودلی شرکت‌ها به همین راحتی‌ها نیست و باید در گام نخست همین سهام تودلی یا سهامداری چرخه‌ای شرکت‌ها تعیین‌تکلیف شود. سهام تودلی یعنی سهامی که شرکت‌های زیرمجموعه خودروسازان به صورت مستقیم و غیرمستقیم از شرکت‌های مادر را خریده‌اند.

به گزارش مهر، براساس اطلاعات و آمارهای منتشر شده در این زمینه عدد سهام دولت در شرکت ایران‌خودرو ۵.۷ درصد و در سایپا حدود ۱۷ درصد است و اگرچه این اعداد به نظر کوچک می‌رسند، اما گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس بیانگر آن است که غیر از این دو عدد، ۱۲.۲۱ درصد از سهام ایران‌خودرو و ۱۵.۶ درصد از سهام سایپا در اختیار شرکت‌های عمومی وابسته و تحت کنترل دولت است. همچنین ۲۵.۲۴ درصد از سهام ایران‌خودرو و ۳۹.۶۶ درصد از سهام سایپا تحت نظام سهام تودلی است.

بنابراین هر قدر هم دولت تاکید کند صرفا ۵.۷ درصد و ۱۷ درصد از سهام شرکت‌های خودروسازی را در اختیار دارد، اما با توجه به وضعیت سهام تودلی این شرکت‌ها می‌توان گفت که اگر همین سهام کوچک دولت هم واگذار شود، باز هم نقش و سهم دولت پررنگ خواهد بود و عملا خودروسازان به صورت دولتی اداره خواهند شد. از سوی دیگر پیش شرط واگذاری سهام دولت در این شرکت‌ها، تعیین تکلیف مشکل سهام تودلی به عنوان مرحله نخست اعلام شده است.

ردپای قیمت‌گذاری دستوری

طبق تاکید متولیان بحث قیمت‌گذاری دستوری از دیگر موانع پیش‌روی واگذاری خودروسازان است و تا زمانی که موضوع قیمت‌گذاری دستوری خودروسازان حل نشود نمی‌توان درباره واگذاری گامی برداشت زیرا این مسئله با واگذاری در تضاد است.

بنابراین تا به این جای کار دو مانع اصلی واگذاری خودروسازان یعنی سهام تودلی و قیمت‌گذاری دستوری مورد تاکید مسئولان قرار گرفته، با این حال تاکنون تدبیر جدیدی از سوی دولتمردان برای حل این معضلات و پیش رفتن به سمت واگذاری خودروسازان اندیشیده نشده است. براساس آنچه در این مدت درباره واگذاری سهام دو خودروساز بزرگ شنیده شده به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت صنعت خودرو کشور، دولت نیز تمایلی به خروج از این صنعت ندارد و با اتکا به سهام ظاهری ۵.۷ درصدی و ۱۷ درصدی در ایران خودرو و سایپا، خود را از اتهام‌های مربوط به مدیریت دولتی خودروسازان دور نگه داشته است و با بهانه پیچیده بودن سهام تودلی خودروسازان، گامی در راستای شفاف‌سازی این وضعیت هم بر نمی‌دارد.

در واقع واگذاری خودروسازان در یک چرخه معیوب و نامعلومی قرار گرفته و مشخص نیست سازمان خصوصی‌سازی که واگذاری این دو شرکت را در دستور کار سال جاری خود قرار داده، برای حل این معضل دقیقا چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت. متاسفانه برنامه‌های مربوط به واگذاری خودروسازی‌ها با عدم شفافیت و عدم‌انتشار اطلاعات درست در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و بر این اساس طبق گفته‌های مسئولان به وضوح مشخص است که هنوز در این زمینه اقدام جدی و قابل‌توجهی انجام نشده است. البته چون واگذاری خودروسازی‌ها با توجه به رویکردی که دولت در قبال آنها دارد و وضعیت اقتصادی و سایر پارامترهای تاثیرگذار بر این فرآیند، کار راحتی نیست و تا حدی شاید قابل‌قبول باشد، اما اینکه هیچ اقدامی حتی گامی کوچک نیز برداشته نشده و در این زمینه شاهد اطلاع‌رسانی دقیق نیز از سوی مسئولان و نهادهای مربوطه نیستیم، جای سوال دارد.

سخن پایانی

در یکی دو سال گذشته مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت همواره از مشکل‌ساز بودن سهام تودلی دولت در شرکت‌های زیرمجموعه ایران‌خودرو و سایپا سخن گفته و واگذاری سهام تودلی و زیرمجموعه‌ها را مقدم بر خصوصی‌سازی و فروش سهام مستقیم دولت می‌دانند. نکته مهمی که در این زمینه همواره نیز از سوی کارشناسان و فعالان صنعت خودرو مورد تاکید قرار می‌گیرد این است که واگذاری سهام تودلی در ایران‌خودرو و سایپا، موجب کاهش نفوذ نهادهای قدرت در این شرکت‌ها می‌شود و رانت ایجاد شده برای بسیاری از ذی‌نفعان را از بین خواهد برد. بر همین اساس، بسیاری از فعالان صنعت خودرو معتقدند، همان تفکر و قدرتی که فرآیند خصوصی‌سازی در ایران‌خودرو و سایپا را به عاملی برای اعمال قدرت بخش‌های مختلف حاکمیت اعم از دولت و مجلس تبدیل کرده است، اراده‌ای برای رها کردن این صنعت ندارد و مانع واگذاری شرکت‌های خودروساز به بخش خصوصی می‌شوند. موضوع دیگری که مطرح است، این است که عرضه این سهام تاکنون متقاضی جدی نداشته که بخش عمده آن به زیاندهی صنعت خودرو و این شائبه که باز هم دولت در روند فعالیت آنها ورود خواهد کرد، برمی‌گردد.

به اعتقاد کارشناسان، تولید و فروش در صنعت خودرو کشور به نحوی است که دو خودروساز بزرگ زیانده شده‌اند که قسمت کوچکی از این زیاندهی ناشی از عدم‌بهره‌وری در داخل این مجموعه‌هاست و قسمت عمده آن نیز مربوط به مشکلات کلان صنعت خودرو و نحوه قیمت‌گذاری دستوری و تاکید بر آن است. به این دلیل سهامداران و سرمایه‌گذاران علاقه‌ای به ورود به این بخش ندارند و معتقدند وقتی تولید و فروش خودرو زیانده است، دلیلی ندارد وارد این حوزه شوند.

در ۴ ماهه نخست سال جاری رقم خورد؛

فولاد خوزستان بزرگ‌ترین تامین کننده نیاز کشور به شمش فولادی

در ۴ ماهه نخست سال جاری، شرکت فولاد خوزستان با فاصله زیاد نسبت به سایر فولادسازان کشور، بزرگ‌ترین تامین‌کننده نیاز بازار داخلی به شمش فولادی بوده است و حجم معاملات شمش فولادی این شرکت در رینگ داخلی بورس کالا با رشد ۵۲ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به حدود ۴۸۰ هزار تن رسیده است.

در ۴ ماهه نخست امسال، در مجموع ۲،۲۲۵،۷۶۰ تن شمش فولادی در رینگ داخلی بورس کالا معامله شده است که سهم فولاد خوزستان از کل معاملات شمش ۲۱.۵ درصد بوده است.

همچنین از ابتدای فروردین تا انتهای تیرماه سال جاری، درآمد فولاد خوزستان از محل فروش شمش فولادی در رینگ داخلی بورس کالا با رشد ۱۱۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۱۰ هزار و ۱۱۷ میلیارد تومان رسیده است.

گفتنی است، در این دوره کل ارزش معاملات شمش فولادی در بورس کالا ۴۵ هزار و ۴۳۹ میلیارد تومان بوده که فولاد خوزستان ۲۲.۳ درصدِ ارزش معاملات شمش را به خود اختصاص داده است.

فولاد خوزستان با وجود محدودیت‌های برق در دو ماه خرداد و تیر سال جاری، به خوبی توانسته نیازهای کشور به شمش فولادی را پوشش دهد و مثل همیشه، در تامین نیازهای نوردکاران داخلی، پیشرو بوده است.



SFICO
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی
(پیمانکار اجرایی)

۱. نوع فراخوان: فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی
۲. کارفرما: شرکت تولید و توسعه مواد معدنی نادر خاکی ایرانیان
۳. موضوع مناقصه: تامین مصالح و احداث ساختمانهای غیر صنعتی، تاسیسات جنبی، حصارکشی و محوطه‌سازی مجتمع فرو آلیاژ شیروان در شهرک صنعتی شیروان
۴. نوع پیمان: براساس فهارس بهای منتشره سازمان برنامه و بودجه سال ۱۴۰۲ همراه با تعدیل
۵. محل اجرای پروژه: استان خراسان شمالی، شهرستان شیروان، شهرک صنعتی شیروان
۶. برآورد مدت زمان اجرای پروژه: ۱۸ ماه
۷. رشته و پایه پیمانکار: دارای گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری، رتبه (گرید) حداقل ۳ در رشته ساختمان و ابنیه از سازمان برنامه و بودجه کشور
۸. نحوه دریافت اسناد مناقصه: از کلیه اشخاص حقوقی دارای صلاحیت دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد به یکی از روش‌های زیر اقدام نمایند:
- مراجعه نماینده شرکت با معرفی‌نامه ممهور به مهر شرکت به دبیرخانه کمیسیون معاملات به نشانی مندرج در بند ۱۲
- مراجعه به سایت شرکت سرمایه گذاری توسعه معادن و فلزات به آدرس www.mmdic.ir و دریافت اسناد الکترونیکی
۹- تاریخ دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۴
۱۰- مهلت تحویل اسناد: حداکثر تا پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۵/۲۲ به آدرس قید شده در ردیف ۱۲ می‌باشد.
۱۱- سایر موارد:
۱۱-۱- پاکت پیشنهاد قیمت متقاضیانی که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی مندرج در اسناد ارزیابی را کسب نمایند، گشوده خواهد شد.
۱۱-۲- شرکت در فرآیند مناقصه، هیچ گونه حقی را برای متقاضیان در خصوص بازگشایی پاکات پیشنهاد قیمت ایجاد نمی کند.
۱۱-۳- ارائه گواهی صلاحیت (پیمانکاری و ایمنی) از دستگاه‌های ذی‌ربط الزامی است.
۱۱-۴- نقص مدارک و عدم تکمیل اسناد در روند ارزیابی و مناقصه موثر بوده و می‌تواند به عدم صلاحیت متقاضی منجر گردد. کارفرما در قبال عدم صلاحیت متقاضی به دلیل نقص و یا کسری مدرک مسوولیتی نخواهد داشت.
۱۱-۵- به منظور استفاده از توانمندی پیمانکاران بومی استان خراسان شمالی، در مرحله ارزیابی کیفی برای پیمانکاران بومی امتیاز در نظر گرفته شده است.
۱۲- نشانی دفتر مرکزی کارفرما: تهران، بلوار نلسون ماندلا، بالاتر از چهارراه اسفندیار کوچه ایرج غربی، پلاک ٤ طبقه سوم واحد ۵ کدپستی ۱۹۱۷۷۵۳۳۸۳ تلفکس ۰۲۱-۲۶۲۹۰۰۹۲
۱۳- دستگاه نظارت: شرکت مهندسین مشاور کاوشگران

یادداشت

حمایت از تولید با شعار محقق نمی‌شود



امیدرضایی
کارشناس حوزه صنعت

بانک و صنعت به هم وابسته هستند و به‌نوعی به ساختار صنعتی که به سیستم بانکی وابستگی ندارد، باید شک کرد.

همه صنعتگران ما وابسته به حمایت‌های بانکی در قالب‌های گوناگون هستند. البته از سمت بانک، حمایت‌ها به آن شکلی که انتظار می‌رود از صنعت و صنعتگران نمی‌شود که این مسئله خود مشکل‌ساز است. این وابستگی برای هر صنعتگری وجود دارد و می‌توان گفت بخشی از وظیفه تامین سوخت موتور محرک تامین نقدینگی، توسعه و حرکت صنعتی، برعهده سیستم بانکی است. نمی‌توان از یک واحد صنعتی انتظار داشت صرفا از محل درآمد خود به توسعه قابل‌توجهی دست یابد.

صنعتگر در بهترین شرایط، از محل فروش ۸ تا ۱۰ درصد سود دارد که با این میزان سود، طبیعتا نمی‌تواند سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی انجام دهد، ماشین‌آلات خریداری کند، تجهیزات خود را بروزرسانی یا محصول جدیدی به بازار عرضه کند؛ پس باید به سمت بانک برود.

نقش بانک‌ها در بخش صنعت همین است و هر صنعت پویا و پیشرفته‌ای در دنیا عمدتا از منابع بانکی ارتزاق می‌کند. این یک قرارداد برد-برد است که در آن، هم منافع بانک و هم منافع سرمایه‌گذار و صنعتگر دیده می‌شود. متاسفانه در ایران در این بخش نمی‌توانیم انتظار یک قرارداد برد-برد را داشته باشیم و این قرارداد به‌نوعی منعقد می‌شود که گیرنده وام که بخش صنعت است، بیشتر متضرر می‌شود، چون بانک اصل‌وفرع پول را با تضامین ارزنده که باید، می‌گیرد و هر لحظه که بخواهد این تضامین را به پول نقد تبدیل می‌کند.

ارزش‌گذاری این تضامین (ملک، زمین، ماشین‌آلات و...) هم ازسوی خود بانک انجام می‌شود؛ یعنی صنعتگر بابت آن تضمین هم اظهارنظری نمی‌کند و بانک است که ارزش آنها را تعیین می‌کند و همیشه هم این ارزش‌گذاری‌ها، کمتر از ارزش واقعی تضامین بوده است.

در کل حمایت‌های بانکی از صنعتگران در ایران، در مقایسه با آنچه در کشورهای دیگر شاهد آن هستیم، حمایت‌های شایسته و بایسته‌ای نیست. البته به‌تازگی با فشارهایی که دولت آورده تا حدی شرایط تعدیل شده، اما باز هم با استانداردهای بین‌المللی فاصله بسیار زیادی داریم. علاوه بر اینها درصد سودی که برای وام‌ها دریافت می‌شود، قابل‌توجه است و می‌توان گفت کمر صنعتگر را می‌شکند و اگر صنعتگر به دریافت این وام‌ها نیاز پیدا نکند؛ به‌عبارتی راهی بیابد که تامین نقدینگی کند، قطعا سراغ بانک نمی‌رود. در کشور ما سراغ بانک رفتن آخرین گزینه است، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته نخستین گزینه است. چرا؟ چون هم امن‌تر و برگشت سرمایه راحت‌تر است و هم سودی که طلب می‌کنند، معقول‌تر است. در کشور ما در مسیر پرپیچ‌وخم حمایت بانکی، صنعتگر تا ناچار نباشد سراغ بانک نمی‌رود؛ یعنی شعار حمایت از تولید با آنچه انتظار می‌رود را در عمل در بانک‌ها نمی‌بینیم که جای تاسف دارد.

البته بانک هم توجیهات و دلایل خود را دارد: از جمله اینکه صنعت مولد و سودآور نیست، نوسانات در صنعت بالاست و نرخ ارز ثابت نمی‌ماند که بانک‌ها را به‌عنوان آورنده سرمایه متضرر می‌کند. بانک هم وقتی پول نقد تزریق می‌کند، ریسک‌های زیادی را می‌پذیرد و نمی‌توان گفت تمام ریسک این قراردادها برعهده بانک باشد. این موضوع را باید از هر دو جهت دید؛ هم از سمت صنعتگر و هم بانک. مواردی که مطرح شد مشکلات وام‌های ریالی بود. مشکلات در زمان دریافت وام‌های ارزی چندبرابر می‌شود.

در این بخش در زمان برگشت سرمایه باتوجه به اصل‌وفرع پول و نوسانات نرخ ارز، صنعتگر چندین برابر متضرر می‌شود. به‌عنوان مثال صنعتگر وام ارزان‌قیمت از بانک گرفته که در سررسید باتوجه به اینکه نوسانات نرخ ارز در کشور معقول نیست، توان بازپرداخت آن را نداشته است.

در واقع، وام‌های ارزی آن‌طور که بایدوشاید کمک‌کننده نبوده‌اند. به‌عنوان نمونه در صنعت خودرو، بازپرداخت دیون یا بخشی از مبالغ سررسید شده صنعتگر، در قالب معرفی به بانک برای پرداخت تسهیلات است که بخشی از این پول، بلوکه‌شده و بخشی هم به‌عنوان سود برداشت می‌شود؛ بنابراین پول زیادی دست صنعتگر را نمی‌گیرد. صنعتگر هم باید جوابگوی خط تولید و پرسنل خود باشد تا چراغ واحد تولیدی روشن بماند.

باتوجه به مواردی که گفته شد با استانداردهای معقول حمایت بانکی فاصله زیادی داریم. البته کشورهای دیگر ساختار و شرایط بحرانی ما را ندارند و فرمول راحت‌تری برای رابطه بین صنعت و بانک چیده‌اند. بانکداری ما نیز باید با تمرکز بر وضعیت بحرانی اقتصاد فرمول‌نویسی کند. بخش زیادی از قوانین برای شرایط عادی وضع شده‌اند که در حال حاضر در وضعیت بحرانی هم باید با همان قوانین حرکت کنیم که شدنی نیست؛ بنابراین این قوانین باید تغییر کنند. نرخ ارز مدام تغییر می‌کند؛ پس این شرایط خاص است و قوانین و سیستم حمایتی خاص را می‌طلبد. اگر این سیستم تغییر کند، بانک می‌تواند به‌عنوان بازوی کمکی در کنار صنعتگر باشد. با دستورالعمل‌هایی که برای شرایط عادی تعریف شده، صنعتگر نمی‌تواند شرایط بحرانی امروز را پشت سر بگذارد.

مشکلات سیستم بانکی ما ساختاری است و یک تغییر نگاه و بازنگری جامع در سیستم بانکی و روابط متقابل بخش تولید و صنعت و بانک لازم است تا حمایت از تولید به‌معنای واقعی محقق شود.

کارشناسان در بررسی مزایا و معایب عرضه برق صنایع در بورس مطرح کردند

عرضه بورسی برق صنایع؛ حمایت یا محدودیت

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir



عکس: صمت

به‌منظور حمایت از صنایع و سرمایه‌گذاران در حوزه نیروگاه‌ها، طی هفته جاری دستورالعمل توسعه مبادلات برق در بورس انرژی با امضای وزیر نیرو با استناد به بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و بند «ط» تبصره ۱۵ قانون بودجه ۱۴۰۱ تدوین و ابلاغ شد. این دستورالعمل، مزایا و امکاناتی را برای صنایع ایجاد خواهد کرد که از جمله آنها می‌توان به ارتقای امنیت و قابلیت اطمینان تامین برق با بهره‌گیری از سازکار بورس اشاره کرد. مطابق دستورالعمل ارائه‌شده، شرکت توانیر مکلف به تضمین تحویل برق خریداری‌شده به خریداران برق از بورس است؛ به این معنا که صنایع به میزان برق خریداری‌شده از بورس انرژی، در اولویت تامین برق قرار خواهند گرفت. در آخرین دستورالعمل عرضه برق در بورس بر مزیت رقابتی و نقش حمایتی این روند تاکید شده و براساس آن به‌نظر می‌رسد چنانچه این طرح به‌درستی اجرا شود و ابعاد گوناگون آن هنگام اجرا موردتوجه قرار بگیرد، برای صنعت و تولید کشور مفید باشد و بخشی از مشکلات واحدهای تولیدی برای تامین برق موردنیازشان را برطرف کند.

صمت در این گزارش مزایای عرضه برق در بورس انرژی را از فعالان حوزه صنعت و بورس جویا شده که در ادامه می‌آید. با ما همراه باشید.

ابعاد گوناگون عرضه برق در بورس مشخص نیست

سیامک مقتدری، فعال حوزه صنعت درباره مزیت‌های عرضه برق در بورس به صمت گفت: عرضه برق در بورس به‌عنوان یک رویکرد جدید باید مدتی در سطح وسیع اجرا شود تا کم‌وکیف آن مشخص شود و براساس مشکلات و مواردی که در مواجهه با این رویکرد نمایان خواهد شد بتوانیم درباره مزایا و معایب آن به‌طور خاص صحبت کنیم. در حال حاضر ابعاد این موضوع به‌طور کامل و شفاف برای صنعتگرانی که می‌توانند از این طریق برق موردنیاز واحد صنعتی خود را تامین کنند، مشخص نیست. علاوه بر این، روند به رقابت کشیده شدن یا نشدن آن در زمان عرضه نیز مشخص نیست.

مقتدری ادامه داد: براساس آخرین خبرهایی که در این زمینه منتشر شده، واحدهای صنعتی که مصرف برق آنها بیش از یک مگاوات است، ملزم به خرید برق موردنیاز خود از بورس انرژی هستند.

در این زمینه پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود. آیا برق عرضه‌شده در بورس به رقابت کشیده می‌شود؟ نسبت برق عرضه‌شده در بورس و تقاضا برای آن به چه صورت است؟ اگر عرضه برق به بورس کمتر از تقاضا باشد، تکلیف واحدهایی که ملزم به خرید برق از بورس هستند چه خواهد شد؟ و... در بورس کالا، فرآیند کار به این صورت است که برای خرید کالای موردنیاز باید در یک فضای رقابتی حضور یابید و احتمال دارد زمانی که عرضه کمتر از تقاضاست، برنده نشوید. البته روش دیگری هم قبلا ازسوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دنبال می‌شد که سهمیه‌بندی بود؛ یعنی براساس میزان عرضه به‌نسبت سهمیه‌بندی انجام می‌شد. البته زمان‌هایی هم عرضه و تقاضا متناسب است و کالای عرضه‌شده در بورس با نرخ پایه به فروش می‌رسد. اینها شکل‌های گوناگونی از عرضه یک کالا در بورس است.

این کارشناس حوزه صنعت در ادامه با اشاره به تفاوت عرضه برق در بورس با سایر کالاها اظهار کرد: وقتی صنعتگر ملزم به خرید برق از بورس است، دیگر نمی‌تواند آن را از بازار تهیه کند، در حالی که اگر صنعتگر در خرید مواد اولیه از بورس موفق نشود می‌تواند آن را از بازار خریداری کند یا در مواردی که مواد اولیه ذخیره‌شده دارد تا عرضه بعدی مواد اولیه در بورس منتظر می‌ماند، اما درباره برق این‌گونه نیست و در این زمینه محدودیت داریم. پرسشی که در ادامه درباره این تفاوت کالایی داریم این است که اگر صنعتگر موفق به خرید برق از طریق بورس نشود، تکلیف ادامه فعالیت در واحد تولیدی او چه می‌شود؟

ابهام در دستورالعمل عرضه برق در بورس

مقتدری با اشاره به اینکه ابهامات زیادی درباره عرضه برق در بورس وجود دارد، افزود: موضوع دیگری که درباره عرضه برق در بورس باید موردتوجه قرار گیرد، این است که برق جزو کالاهایی است که دولت بابت آن یارانه پرداخت می‌کند و این موضوع نیز در روند عرضه آن در بورس تاثیرگذار خواهد بود.

وی گفت: صنعتگر باتوجه به مواردی که ازسوی نهاد مربوطه تعیین می‌شود، درباره اینکه برق مصرفی خود را از بورس تامین کند یا شبکه، براساس هزینه‌فایده‌ای که برای او خواهد داشت، تصمیم‌گیری خواهد کرد. به‌عنوان نمونه اگر قرار است با پرداخت مبلغی دیگر دچار قطعی برق نشود، امکان دارد از عرضه برق در بورس استقبال کرده و برق موردنیاز خود را از این طریق تامین کند.

این فعال حوزه صنعت ادامه داد: برخی از مواد مطرح‌شده در دستورالعمل عرضه برق در بورس همچنان سوال‌برانگیز است. به‌عنوان نمونه براساس این دستورالعمل صنعتگران می‌توانند برق موردنیاز خود را از طریق بورس پیش‌خرید کنند. به‌عنوان نمونه آنها می‌توانند برق مرداد که احتمال قطعی برق در این ماه بیشتر است را پیش‌خرید کنند. در این صورت، برق واحد صنعتی در روزهای پیک مصرف برق در کشور که احتمال قطعی برق نیز وجود دارد، تامین خواهد بود. البته در این زمینه نیز نکات مبهمی وجود دارد.

به‌عنوان مثال در زمان قطعی برق سراسری، شبکه برق داخل شهرک‌های صنعتی و طبیعتا برق واحدهای صنعتی که در این شهرک‌ها فعالیت می‌کنند، قطع خواهد شد. در این صورت چگونه تامین برق برای واحدی که برق موردنیاز این دوره زمانی را از بورس پیش‌خرید کرده، امکان‌پذیر می‌شود؟ باتوجه به این موضوع، این بخش از مزیت‌های عرضه برق در بورس شاید فقط شامل حال واحدهایی تولیدی شود که پست برق مستقل دارند.



این کارشناس حوزه صنعت درباره میزان موفقیت طرح عرضه برق در بورس به‌ویژه در بحث کمک به صنایع خاطرنشان کرد: واقعیت این است که سال‌هاست هر طرحی که در راستای کمک به تولید و صنعت کشور اجرایی شده، بیشتر جنبه ایجاد محدودیت داشته تا حمایت؛ به‌عبارتی در ظاهر برنامه‌ها و طرح‌های زیادی در راستای حمایت از تولید اجرایی شده، اما در نهایت نه‌تنها به نفع تولید نبوده که در برخی موارد خود به مانع و محدودیتی در مسیر حرکت تولید تبدیل شده‌اند.

دیوار همیشه کوتاه تولید

مقتدری با تاکید بر اینکه هر جا تنگنایی برای دولت ایجاد می‌شود، برای عبور از آن اول از همه به تولید فشار می‌آورد، گفت: واقعیت این است که در بخش‌های گوناگون از تامین برق و گاز گرفته تا مواد اولیه، ارز، بیمه و بانک‌ها عرصه بر تولیدکننده سخت شده است. البته تولیدکنند همواره خوشبین است و در غیر این صورت نمی‌تواند ادامه فعالیت دهد. البته این خوشبینی درباره حمایت‌های دولتی نیست. دولت به محض اینکه با کمبود برق و گاز در کشور مواجه می‌شود، اول برق و گاز صنایع را قطع می‌کند. در نتیجه همین بازخوردها و عملکردهاست که تولیدکننده امیدی به طرح‌های حمایتی دولت ندارد. البته تجربه نیز این را به اثبات رسانده که دولت نه‌تنها مسیر حرکت تولید را هموار نمی‌کند، بلکه گاه مستقیم و غیرمستقیم با اجرای طرح‌های به‌اصطلاح حمایتی مانع حرکت چرخ تولید و صنعت کشور نیز می‌شود.

این کارشناس حوزه صنعت در پایان تاکید کرد: اگر عرضه برق در بورس چیزی جدا از شعارهای حمایتی باشد و به‌معنای واقعی مشکلات صنعتگران برای تامین برق موردنیازشان به‌ویژه در ماه‌های اوج مصرف که دفعات قطعی برق و زیان‌های ناشی از آن بیشتر است را برطرف کند و از سوی دیگر با هدف ارتقای صنعت برق کشور اجرایی شود، می‌توان امیدوار بود در این دو بخش شاهد تحولات مثبتی باشیم.

> دولت نه‌تنها مسیر حرکت تولید را هموار نمی‌کند، بلکه گاه مستقیم و غیرمستقیم با اجرای طرح‌های به‌اصطلاح حمایتی، مانع حرکت چرخ تولید و صنعت کشور می‌شود

ابعاد گوناگون عرضه برق در بورس مشخص نیست

مصطفی صفاری، کارشناس حوزه بورس نیز درباره کم‌وکیف عرضه برق در بورس انرژی به صمت اظهار کرد: براساس آخرین خبرها درباره عرضه برق در بورس، حدود یک‌سوم برق مصرفی کشور از این طریق معامله خواهد شد و واحدهای تولیدی و صنعتی با مصرف برق بالای یک مگاوات، می‌توانند برق را به‌صورت سلف با نرخی کمتر از نرخ تکلیفی، براساس سهمیه تعیین‌شده به‌طور مستقیم از نیروگاه خریداری کنند. در سال‌های قبل هم بخشی از برق تولیدی در کشور از طریق بورس عرضه می‌شد و به‌دست مصرف‌کنندگان عمده برق می‌رسید.

این کارشناس حوزه بورس ادامه داد: براساس مفاد اصل ۴۴ باید تولید و توزیع برق توسط بخش خصوصی انجام شود و انتقال برق به مصرف‌کنندگان در اختیار دولت باشد؛ از این‌رو بخش زیادی از نیروگاه‌های برق کشور خصوصی هستند؛ یعنی توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. در سازکار عرضه در بورس نرخ واقعی برق کشف می‌شود.

موضوعی که درباره عرضه برق در بورس باید موردتوجه قرار گیرد این است که برق یک کالای ذخیره‌ناپذیر است و به محض تولید باید مصرف شود.

در این میان زمان‌هایی داریم که پیک تولید برق است و طبیعی است که نرخ برق در زمان پیک تولید آن بالاتر است، چراکه باید کارخانه‌هایی که خود اقدام به تولید برق می‌کنند حتی آنهایی که بهره‌وری پایینی دارند در ساعات پیک تولید برق به‌عنوان عرضه‌کننده برق در مدار قرار بگیرند؛ به همین دلیل کشف نرخ ساعتی برق با سیستمی که قبلا در وزارت نیرو پیگیری می‌شد، در حال حاضر به بورس انرژی واگذار شده تا براساس آن، صنایع گوناگون برای تامین برق موردنیاز خود برنامه‌ریزی کنند.

صفاری افزود: به‌اعتقاد من عرضه برق در بورس یک تحول در نحوه ارزش‌گذاری برق است. وی درباره پیشینه عرضه برق در بورس نیز اظهار کرد: از حدود سال ۱۳۹۱ شاهد عرضه برق در بورس انرژی بوده‌ایم؛ البته محدود به شرکت‌های تولیدکننده برق بود، اما در حال‌حاضر گسترده‌تر شده و شامل شرکت‌های توزیع‌کننده برق نیز می‌شود. در دوره‌ای وزارت نیرو تکلیف کرده بود نیروگاه‌ها دست‌کم ۲۰ درصد تولیدات‌شان را در بورس عرضه کنند.

راهکاری تجربه‌شده و کارآ

این کارشناس حوزه بورس درباره میزان استقبال صنعتگران از طرح تامین برق موردنیازشان از طریق بورس خاطرنشان کرد: برخی از صنایع قراردادهای بلندمدت دارند و برخی دیگر قراردادهای کوتاه‌مدت که با این کشف نرخ مجبورند برق موردنیاز خود را از این طریق تامین کنند، چون انتقال برق که در اختیار دولت است نیز موضوع مهمی است که باید موردتوجه قرار گیرد.



صفاری در پایان درباره مزیت‌های عرضه برق در بورس گفت: در تمام کشورهای جهان رویکرد عرضه برق در بورس، رویکرد مفیدی است که همواره دنبال می‌شود و آثار مثبتی نیز دارد. عرضه برق در بورس، رویکرد مناسبی است که به‌تازگی به‌طور جدی در دستور کار نهادهای مربوطه قرار گرفته و براساس آنچه تاکنون شاهد آن هستیم و تجارب کشورهای دیگر، قطعا راهکاری کارآ خواهد بود که تاثیرات مثبتی خواهد داشت.

> موضوعی که درباره عرضه برق در بورس باید موردتوجه قرار گیرد این است که برق یک کالای ذخیره‌ناپذیر است و به محض تولید باید مصرف شود

سخن پایانی

فروش برق در بورس با نرخ واقعی و در دسترس بودن آن باعث می‌شود شرکت‌های بزرگ صنعتی و تولیدی حاشیه سود کمتری داشته باشند، اما تولید آنها ادامه یابد. اگر این اتفاق رخ دهد در سال آینده کمبود برق نخواهیم داشت و شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی هم به حوزه نیروگاه وارد خواهند شد.

اگر این طرح به‌خوبی اجرا شود، به نفع اقتصاد کشور است و می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف کند. به‌اعتقاد برخی از کارشناسان، عرضه برق در بورس انرژی این امکان را برای صنایع فراهم می‌کند تا بتوانند برق پایدار هرچند با نرخ بالاتر داشته باشند و تولید خود را ادامه دهند که این اتفاق مزیت بزرگی برای این صنایع محسوب می‌شود؛ از سویی نیروگاه‌های تولید برق هم انگیزه بیشتری برای ادامه فعالیت خواهند داشت.

این انتظار وجود داشت که دولت با یک برنامه‌ریزی دقیق نسبت به قطعی برق صنایع به‌طور دوره‌ای و نوبتی اقدام کند تا تولیدات آنها با مشکل مواجه نشود و شرکت‌ها بتوانند برنامه‌ریزی برای تولید داشته باشند. براساس آنچه اعلام شده شرکت‌ها می‌توانند به‌طور شبانه فعالیت کنند که این اتفاق تاثیر مثبتی در روند بازار خواهد داشت.

تابلوی برق در بورس روشن است

وقتی راهکارهایی مانند تشویق صنایع به تولید برق و احداث نیروگاه، قطع برق خانگی و صنعتی تغییر ساعت کاری ادارات و چرخشی کردن فعالیت صنایع... پاسخگوی حل مشکل کمبود برق به‌ویژه برای صنایع نشد، موضوع عرضه برق در بورس به‌صورت جدی‌تری موردتوجه قرار گرفت. اخیرا به‌منظور حمایت از صنایع و سرمایه‌گذاران در حوزه نیروگاه‌ها، دستورالعمل توسعه مبادلات برق در بورس انرژی با امضای وزیر نیرو با استناد به بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و بند «ط» تبصره ۱۵ قانون بودجه ۱۴۰۱ تدوین و ابلاغ شد.البته بورس انرژی از سال ۱۳۹۱ راه‌اندازی شد اما تا پیش‌ازاین تنها مشترکانی با مصرف بیش از ۵ مگاوات اجازه خرید برق از بورس را پیدا می‌کردند اما بر اساس دستورالعمل جدید وزیر نیرو، مشترکان بالای یک مگاوات هم می‌توانند برق موردنیاز خود را از بورس خریداری کنند.

این شیوه مزایا و امکاناتی را برای صنایع ایجاد خواهد کرد که از آن جمله می‌توان به ارتقای امنیت و قابلیت اطمینان تأمین برق با بهره‌گیری از سازکار بورس در انتقال سریع و کارآی اطلاعات عرضه و تقاضا به‌منظور رفع سریع و کارآی کمبودهای بالفعل و بالقوه، کاهش ریسک‌ها و هزینه‌های معاملاتی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برق اشاره کرد.

مطابق این دستورالعمل، شرکت توانیر مکلف به تضمین تحویل برق خریداری شده به همه خریداران برق است. به این معنا که صنایع به میزان برق خریداری شده از بورس انرژی، در اولویت تامین برق قرار خواهند گرفت.

به‌این‌ترتیب امکان خرید برق با نرخ توافقی برای صنایع فراهم خواهد شد و این امر بدین معنی است که صنایع می‌توانند از نرخ‌های پایین‌تر توافقی با نیروگاه‌ها در قالب قراردادهای دوجانبه با امکان انعطاف در نحوه پرداخت یا نرخ‌های رقابتی در بازار بورس انرژی برق برخوردار شوند و بدین ترتیب هزینه تامین برق را کاهش دهند و به این ترتیب،



عکس: آیدا فریدی

فروش برق با نرخ واقعی



امیر توپچی‌پور، کارشناس بازار سرمایه در مورد موضوع عرضه برق در بورس گفت: اغلب شرکت‌های نیروگاهی تحت تصدی دولت یا دولتی هستند. بنابراین باید تصمیمات به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذاری برای احداث نیروگاه برای بخش خصوصی مقرون‌به‌صرفه شود.

وی به ایسنا گفت: وقتی بحث بورس کالا مطرح می‌شود، عرضه و تقاضا است که نرخ را تعیین می‌کند و قیمت‌گذاری دستوری باید از این حوزه حذف شود که اتفاق مثبتی است.

توپچی ادامه داد: فروش برق با نرخ واقعی و در دسترس بودن آن باعث می‌شود شرکت‌هایی نظیر فولاد یا سیمان حاشیه سود کمتری داشته باشند، اما تولید ادامه داشته باشد، مشکل کمبود برق کمتر شود و شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی هم به حوزه احداث نیروگاه و تولید برق وارد شوند.

وی این اقدام را به نفع اقتصاد کشور دانست و گفت: اگر این اقدام به‌خوبی صورت گیرد بسیاری از مشکلات تولید برطرف می‌شود.

نظام عرضه و تقاضا

رئیس کمیسیون انرژی اتاق ایران گفت: بر اساس آمار موجود حدود ۳۵ الی ۴۰ درصد برق کشور در صنایع مصرف می‌شود. از طرفی ۴۰ درصد نیروگاه‌ها دولتی و ۶۰ درصد دیگر خصوصی هستند.

به گزارش بازار، حمیدرضا صالحی گفت: در چنین شرایطی باید فضای بازی در بورس انرژی به سمت رقابتی شدن عرضه و تقاضا حرکت کند. اگر اقتصاد برق در صنعت را آزاد کنیم، منابع زیادی وارد نیروگاه‌سازی شده و واحدهای نیمه‌تمام به اتمام می‌رسد و مقدار بهره‌وری هم افزایش خواهد یافت. در این حالت در مدت ۲ الی ۳ سال خاموشی‌ها در کشور پایان می‌یابد. اما اگر این رویکرد اشتباه دولت در قیمت‌گذاری دستوری ادامه پیدا کند، خاموشی‌ها در سال‌های بعد هم ادامه پیدا خواهد کرد.

▣ حل مشکل به‌سرعت برق

وی درباره توجیهاتی که تا امروز برای عدم اجرا این طرح ارائه داشته است گفت: دولت مسائل مختلفی ازجمله بحث نرخ‌گذاری‌ها را دستاویز قرار داده بود و بااینکه درحال‌حاضر نرخ برق را به‌صورت واقعی دریافت می‌کنند و برخی کارخانجات مهم مانند فولاد نیز قیمت‌های‌شان جهانی است. متاسفانه وزارت نیرو در زمینه ساخت نیروگاه سرمایه‌گذاری نکرده است و تکلیف اقتصاد برق روشن نیست. این بی‌توجهی‌ها باعث کمبود برق تابستان شده است اما با عرضه برق در بورس، مشکل برق طی ۲الی۳ سال آینده برطرف خواهد شد. علاوه بر این کشور درحال‌حاضر نیروگاه‌هایی دارد که منتظر اندک پولی برای تکمیل هستند و از این طریق هزینه‌های اجرایی‌شان تامین می‌شود.

▣ هزینه ترانزیت برای دولت

حمیدرضا صالحی، رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی، درباره نقش واقعی دولت در صنعت برق گفت: دولت ۴۵درصد نیروگاه‌های کشور را در اختیار دارد و می‌تواند برق خانگی را تامین کند و در بورس انرژی می‌توانیم یک تابلو هم برای دولتی‌ها داشته باشیم که برق خود را بفروشند. اما باید اجازه دهد بخش صنعت که مشکلی برای پرداخت پول برق ندارد، از این ظرفیت استفاده کند و قطعی برق خود را به‌صورت دائمی حل کند. دولت باید پای خود را از برق صنعت بیرون بکشد و با اعتماد به بخش خصوصی درآمد بیشتر و دردسر کمتری داشته باشد. هزینه ترانزیت برق برای دولت عدد بزرگی است که از فعالیت‌های اقتصادی فعلی‌اش در حوزه برق بیشتر است. برق صنعتی زیرساختی است و نباید با آن شوخی کرد.

▣ فرآیند حذف قدرت

در بیشتر کشورها نگاه به تامین برق صنعت کاملا متفاوت با نگاهی است که ما داریم. جالب است که بدانید نرخ برق صنایع در بسیاری از کشورهای دنیا حتی ارزان‌تر از برق خانگی است. چرا که صنعت ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند و به‌نوعی موتور و پیشران کشورها محسوب می‌شود.



ما در ایران هرسال برق صنایع را قطع کرده و GDP خود را کاهش می‌دهیم. این تصمیم اشتباه آثار مخربی همچون از دست دادن قدرت رقابت‌پذیری و بازارهای صادراتی را در پی دارد.

دولت‌ها می‌خواهند که منابع حاصل از فروش برق وارد جیب آنها شده و بعد منابع از جیب آنها توزیع شود. آنها نگران حذف این فرآیند و به‌نوعی از دست دادن قدرت خود هستند. این در حالی است که اگر عرضه برق در بورس انرژی اتفاق افتد، از محل هزینه‌های ترانزیت عدد قابل توجهی به توانیر و بدنه وزارت نیرو خواهد رسید. نگرانی مسئولان وزارت نیرو درباره کاهش و حذف درآمدهای خود کاملا بیهوده است.

سخن پایانی

در نخستین روز هفته جاری هم سخنگوی صنعت برق گفت: معاملات برق نیروگاه‌های تجدیدپذیر بادی در تابلوی سبز بورس انرژی آغاز شد.

مصطفی رجبی مشهدی، مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق اظهار کرد: تابلوی سبز از ابتدای خرداد ۱۴۰۲ در بورس انرژی و با حضور نیروگاه‌های خورشیدی راه‌اندازی شده است و نیروگاه‌های خورشیدی و سازمان انرژی‌های تجدید پذیر و بهره‌وری برق ایران (ساتبا) دو ماه گذشته به عرضه برق در تابلوی مذکور پرداختند. وی گفت: تابلوی برق سبز در بورس انرژی باهدف ایجاد فضای عرضه و تقاضای مستقیم، مردمی سازی اقتصاد تجدیدپذیر و ایجاد بستر رقابتی تبادل برق تجدیدپذیر ایجاد شده است. سخنگوی صنعت برق بابیان اینکه نیروگاه‌های بادی نسبت به نیروگاه‌های خورشیدی ضریب تولید و تداوم تولید بالاتری دارند، گفت: این نوع از نیروگاه‌ها امکان عرضه برق بیشتری در بورس انرژی را نیز دارند و می‌توانند برای توسعه معاملات برق سبز در بورس انرژی کمک موثری باشند.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده

شرکت فولاد کاوان حامی ایرانیان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۲۲۵۱ و شناسه ۱۴۰۰۷۹۸۹۷۷۶

بدینوسیله هیات‌مدیره **شرکت فولاد کاوان حامی ایرانیان** (سهامی خاص) از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت به عمل می‌آورد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت **۱۴:۰۰** روز **یکشنبه** مورخ **۱۴۰۲/۰۵/۱۵** در محل دفتر مرکزی شرکت به نشانی اصفهان، خیابان ارتش، کوچه اسماعیلی (۲۶)، ساختمان کیمیا برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

▣ دستور جلسه:

۱. استماع گزارش توجیهی افزایش سرمایه و اظهارنظر بازرس قانونی شرکت در خصوص افزایش سرمایه
۲. تصمیم‌گیری درخصوص افزایش سرمایه پیشنهادی هیات‌مدیره
۳. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده باشد.

هیات‌مدیره شرکت فولاد کاوان حامی ایرانیان (سهامی خاص)

شرکت سنگ آهن گهرزمین (سهامی عام)

«آگهی مناقصه»

انتخاب مشاور برگزاری مناقصه پروژه IPCC معدن گهرزمین

شرکت سنگ آهن گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد برگزاری مناقصه پروژه خردایش درون معدن و حمل با نوار نقاله موسوم به سیستم In-Pit Crushing and Conveying (IPCC) خود را از طریق برگزاری مناقصه به مشاور ذیصلاح واگذار نماید. سیستم IPCC شامل سنگ‌شکن‌های نیمه متحرک (Semi Mobile Crusher)، نوارهای نقاله و پخش‌کننده یا Spreader است و وظیفه انتقال باطله‌های معدن به دامپ را برعهده دارد. بدینوسیله از کلیه شرکت‌های مهندسی و مشاوران واجد شرایط دعوت بعمل می‌آید در صورت تمایل با در نظر گرفتن موارد ذیل نسبت به تهیه اسناد اقدام نمایند:

▣ شروط لازم برای خریداری و تحویل اسناد به مناقصه گرد:

۱- نامه‌های اعلام آمادگی رسمی و معرفی نماینده جهت دریافت اسناد
۲- تصویر اساسنامه و آخرین روزنامه رسمی
۳- تصویر گواهینامه‌های مرتبط و معتبر:
• آماده‌سازی و بهره‌برداری معدن (رتبه ۱)
• زمین‌شناسی
• کانه‌آرایی و فرآوری معدن
• صنایع فلزات اساسی و ماشین‌سازی (حداقل رتبه ۲)
• داشتن سابقه مرتبط در حوزه ساخت تجهیزات متریال هندلینگ و خردایش
۴- خلاصه‌ای از رزومه شرکت و سوابق کاری
۵- فیش واریزی مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب ۱۸۵۴۸۰۰۰۹۱۷۲۲ به‌نام شرکت سنگ‌آهن گهرزمین نزد بانک‌سپه کلیه مدارک فوق، به واحد بازرگانی شرکت گهرزمین به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، پلاک ۱۲ طبقه سوم تحویل داده شده و پس از احراز صلاحیت مناقصه‌گر، اسناد مناقصه تحویل نماینده معرفی شده خواهد شد.

مناقصه‌گران موظفند اسناد مناقصه تکمیل شده را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار آگهی، مطابق با شرایط ذکر شده در اسناد، به دبیرخانه گهرزمین ارسال نمایند. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با **۹۲۱۳۰۱۴۸۳۱** تماس گرفته شود.

شرکت سنگ آهن گهرزمین

شرکت فولاد خوزستان (سهامی عام)

نوبت اول

فراخوان

موضوع: تامین کاربید کلسیم مورد نیاز شرکت از تولیدکنندگان داخلی

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد که کاربید کلسیم مورد نیاز خود را با مشخصات زیر از میان تولیدکنندگان داخلی واجد شرایط تامین نماید.

Cas2	60% - 65%	
C(free)	1.5%	MAX
CAO	22%	Max
AL203	2%	Max
IO2	2%	Max
سایز دانه‌بندی	3-6	MM

لذا از تمام تولیدکنندگان درخواست می‌گردد در صورت تمایل آمادگی خود را به آدرس‌های زیر اعلام نمایند:

ایمیل: re.shoolestani@ksc.ir
شماره تماس: ۰۶۱۳۲۱۳۶۱۹۴
آدرس دفتر: اهواز کیلومتر ده جاده اهواز بندر امام‌خمینی شرکت فولاد خوزستان ساختمان مخابرات مدیریت خرید مواد مصرفی و اقلام عمومی
کارشناس خرید: جناب رضا شولستانی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

فراخوان مناقصه یک‌مرحله‌ای عمومی ۴-۱۴۰۲ و ۵-۱۴۰۲

نوبت اول شماره ۱۵۲۳۲۶۵

اداره کل راه و شهرسازی استان قم در نظر دارد نسبت به مناقصه عمومی جهت اجرای پروژه‌ها به شرح ذیل اقدام نماید:

ردیف	موضوع	مبلغ برآورد (بریال)	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (بریال)	گواهی صلاحیت مورد نیاز
۱	تکمیل کلانتری شماره ۱۳	۱۰۲۲۷۲۶۳۸۵۹۰	ضمانتنامه بانکی یاواریز وجه - ۵۱۱۴۰۰۰۰۰۰	پایه ۵ ابنیه
۲	تکمیل مدرسه شهیدناصر شهریور	۱۱۱۸۰۲۰۸۵۰۴۴	ضمانتنامه بانکی یاواریز وجه - ۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰	پایه ۵ ابنیه

دریافت اسناد مناقصات فوق‌الذکر صرفاً از طریق سامانه ستاد ایران به نشانی SETADIRAN.IR از تاریخ **۱۴۰۲/۰۵/۰۳** لغایت **۱۴۰۲/۰۵/۱۰** قابل دسترس می‌باشد.

▣ مهلت و نشانی تسلیم پیشنهادها:

پیشنهادها باید حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ **۱۴۰۲/۰۵/۲۱** در سامانه SETADIRAN.IR ارائه گردد.

توجه: مناقصه‌گران می‌بایست پاکت الف (اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصه) را به صورت مهر و موم شده حداکثر تا تاریخ **۱۴۰۲/۰۵/۲۱** به دبیرخانه اداره کل راه و شهرسازی استان قم به آدرس ذیل، تحویل نمایند.

▣ محل و زمان افتتاح پیشنهاد مناقصه (الف،ب،ج):

کمیسیون مناقصه راس ساعت ۹صبح مورخ **۱۴۰۲/۰۵/۲۲** و در محل سالن جلسات اداره کل راه و شهرسازی قم تشکیل و پیشنهادانی که تا موعد مقرر وصول گردیده باز و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

همچنین متقاضیان محترم جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به اداره پیمان و رسیدگی و یا به سایت اینترنتی اداره کل راه و شهرسازی استان قم qom.mrud.ir و یا پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات به نشانی iets.mporgir مراجعه نمایند.

ارائه کد کاربری ثبت‌نام در پایگاه اطلاع‌رسانی مناقصات جهت درج اطلاعات برنده مناقصه الزامی می‌باشد.

اداره کل راه و شهرسازی قم به آدرس: قم، مابین عوارضی تهران - کاشان، جنب نمایندگی ایران‌خودرو
تلفن تماس: ۵-۰۲۵۳۶۶۶۰۰۰۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴

اداره کل راه و شهرسازی استان قم

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

نوبت اول م الف ۲۶۶

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۰۲۵۲ مورخه ۱۴۰۲/۰۲/۱۲ و رای اصلاحی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۰۸۸۵ مورخه ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی برازجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متعلق به **آقای رضا بهزادی فرزند فرهاد به شماره شناسنامه ۲۳۶۰۰۷۸۴۵۳ و شماره ملی ۲۳۶۰۰۷۸۴۵۳ صادره از خشت و کمارج** در دوازده سهم مشاع از سیزده سهم سهام ششدانگ به انضمام یکشانزدهم ثمن عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به **مساحت ۲۶۱۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۹۴۲ اصلی واقع در بخش سه حوزه ثبت ملک برازجان** اراضی روستای جمیله خریداری شده از **آقای فرهاد بهزادی** به ایشان واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

حمیدرضا باقرپور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان

یادداشت

در مسیر توسعه پایدار



مهدی لطفی‌اصل
کارشناس و فعال معدن

برای توسعه معادن به‌منظور تاثیرگذاری بهینه آن بر اقتصاد پایدار در مرحله اول ضروری است که زیرساخت‌های لازم در راستای انجام فعالیت معدنکاری سیستماتیک و در مقیاس بزرگ اجرایی شود. زیرساخت‌های موردنیاز برای بخش معادن عبارت است از: زیرساخت راه ارتباطی، برق‌رسانی، آبرسانی، مخابرات، تهیه و دسته‌بندی داده‌های اکتشافی و... از میان این زیرساخت‌ها، توسعه زیرساخت راه ارتباطی و تهیه داده‌های اکتشافی مستند و معتبر از اهمیت بالاتری برخوردار است، چراکه حمل‌ونقل مواد معدنی استخراج‌شده از معادن و تامین خوراک موردنیاز واحدهای صنعتی فرآیند نهایی معدنکاری به‌حساب می‌آید و تلاش در راستای کاهش هزینه‌های مرتبط با این بخش به‌منظور کاهش نرخ نهایی تمام‌شده جزو مولفه‌های اقتصاد پویا به‌شمار می‌رود.

همچنین از آنجایی که معادن معمولا در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور قرار گرفته‌اند، بنابراین در راستای دستیابی به اکتشاف و استخراج مواد معدنی با ارزش و توسعه فعالیت‌های معدنی ضرورت دارد تا به بخش ایجاد و توسعه زیرساخت راه ارتباطی معادن به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی توسعه بخش معدن نگریسته شود و اقدامات لازم در این‌باره که برابر قانون معادن برعهده دولت است، به مرحله اجرا درآید. با توسعه زیرساخت راه ارتباطی معادن در بیشتر موارد راه ارتباطی روستاهای محل وقوع معادن نیز وضعیت بسامانی پیدا کند و رفت و آمد برای مردم منطقه با سهولت بیشتری امکان‌پذیر خواهد شد. زیرساخت تهیه داده‌های اکتشافی مستند و منطبق با استانداردهای جهانی نیز در راستای توسعه فعالیت‌های معدنی موثر و همچنین کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و از بین بردن منبع فسادی به نام رانت اطلاعاتی از ضروریات توسعه پایدار بخش معدن است.

طی سال‌های گذشته، اقدامات موثری در زمینه ایجاد و توسعه زیرساخت‌های معدنی انجام گرفته است. از جمله، ایجاد و توسعه زیرساخت راه ارتباطی که براساس قوانین و مقررات برعهده دولت است و باید از محل اخذ حقوق دولتی درصدی را در زمینه توسعه زیرساخت‌های معدنی اختصاص دهد. در زمینه توسعه فعالیت‌های اکتشافی نیز براساس قانون معادن و آیین‌نامه اجرایی آن مقرر شده است که درصدی از محل اخذ حقوق دولتی به این امر اختصاص یابد. در بحث تهیه داده‌های اکتشافی متاسفانه اقدامات موثری انجام نشده؛ برای مثال، هدف اصلی طرح پهنه‌های اکتشافی کشور که در حدود ۱۰ سال پیش عملیاتی شده است، تهیه بانک اطلاعات اکتشافی با انجام عملیات اکتشافی سیستماتیک و منطبق با استانداردهای جهانی بود که در حال حاضر با مطالعه اقدامات انجام‌شده روشن است که هدف اصلی یعنی شناسایی مناطق دارای ظرفیت معدنی و تکمیل عملیات اکتشافی چهارگانه روی آنها، محقق نشده و مشخصا می‌توان گفت که طرح پهنه‌بندی اکتشافی در کشور در رسیدن به اهداف مدنظر ناموفق عمل کرده است. با مقایسه کشورهای موفق معدنی در زمینه حفاری اکتشافی انجام‌گرفته، طی یک دوره زمانی ۱۰ساله و انجام عملیات اکتشاف ژئوفیزیک هوابرد مشخص می‌شود که در این زمینه‌ها نیز عملکرد چندان موفقی نداشته و از بسیاری از کشورهای موفق معدنی در زمینه اکتشاف عقب افتاده‌ایم. بنابراین به‌نظر می‌رسد که اقدام فوری در راستای رفع عقب‌ماندگی در این زمینه، باید جزو ضروریات توسعه فعالیت‌های معدنی لحاظ شود و با تهیه برنامه‌های عملیاتی کوتاه‌مدت و میان‌مدت و با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و دولتی در این زمینه اقدامات موثری را حداقل طی یک دوره ۶ساله انجام داد. شایان ذکر است که همکاری کلیه ارگان‌های دولتی و نظامی در راستای دستیابی به یک برنامه موفق اکتشافی موردنیاز است.

به‌نظر می‌رسد که در حال حاضر، بخش خصوصی از ظرفیت لازم برای ایجاد زیرساخت‌های معدنی، به‌ویژه برای ایجاد و توسعه زیرساخت راه ارتباطی و تامین انرژی برخوردار است. باتوجه به تمرکز معادن در یک منطقه خاص جغرافیایی می‌توان از ظرفیت‌های مالی معدنکاران در راستای ایجاد و توسعه زیرساخت‌های راه ارتباطی مشترک و تامین انرژی به شکل یک مجموعه معدنی استفاده کرد. بدیهی است که در صورت عملیاتی شدن، دولت باید از ظرفیت‌های قانونی در راستای تشویق معدنکاران برای سرمایه‌گذاری در این زمینه استفاده کند، اما در زمینه زیرساخت تهیه داده‌های اکتشافی مجموعه‌های معدنی دولتی که براساس قانون مکلف به انجام عملیات اکتشاف هستند، باید بیش از گذشته در راستای ایفای تعهدات قانونی خود اهتمام ورزند و اطلاعات اکتشافی به‌دست‌آمده را به‌شکل شفاف و روشن در اختیار سرمایه‌گذاران معدنی قرار دهند و حذف رانت اطلاعاتی در این زمینه جزو ضروریات اساسی است.

کشور ما از نظر برخورداری از ذخایر و مواد معدنی جزو کشورهایی با ظرفیت بالا شناخته می‌شود، بنابراین سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این زمینه هستند؛ بنابراین لازم است بستر مناسب برای جذب سرمایه‌گذار خارجی در این بخش فراهم شود. از جمله این اقدامات، می‌توان به تولید و در دسترس قرار دادن اطلاعات زمین‌شناسی معتبر و ایجاد زیرساخت‌های اساسی در مناطق دارای ظرفیت اشاره کرد. یکی از مزایای قابل‌توجه استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاران خارجی، فرصت برخورداری از روش‌های نوین اکتشاف، به‌ویژه در زمینه کانسارهای معدنی پنهان است.

همان‌گونه که پیش از این هم اشاره شد، بخش خصوصی از ظرفیت لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌های معدنی به‌ویژه برای ایجاد و توسعه زیرساخت راه ارتباطی و تامین انرژی برخوردار است. باتوجه به تهیه و تنظیم یک برنامه مدون میان‌مدت، می‌توان از ظرفیت‌های بخش خصوصی در راستای توسعه زیرساخت‌های معدنی استفاده کرد تا علاوه بر تامین انرژی این بخش و کاهش هزینه‌های عملیاتی، نسبت به توسعه پایدار مناطق محل وقوع معادن نیز اقدامات اساسی را عملیاتی کرد.

در گزارش صمت از فرصت‌ها و چالش‌های عرضه برق در بورس

شمشیر دولبه برای صنایع معدنی

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

تامین برق صنایع یکی از چالش‌های مهم کشور، به‌ویژه در چند سال اخیر بوده و صنایع، به‌ویژه صنعت فولاد را از ضرر و زیان هنگفتی که بر اثر این کمبود متحمل می‌شوند، ناراضی و گله‌مند کرده است.

از سال ۹۱ جایی برای عرضه برق در بورس باز شد و برخی صنایع، با سقف مشخصی از مصرف، توانستند نیاز بخش تولید خود را از این بازار رقابتی تهیه کنند. به‌تازگی هم اعلام شده که علاوه بر گسترده شدن دامنه عرضه برق و کاهش کف مصرف بخش صنعتی تا یک مگاوات، امکان مبادله برق سبز نیز فراهم شده است.

ازآنجاکه برق یکی از موارد اساسی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات در اقتصاد هر کشور است، در گزارش زیر در پی یافتن پاسخ این پرسش هستیم که شرایط جدید، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای صنعتگران ایجاد خواهد کرد.

آنچه در ادامه می‌خوانید، نظرات آنوش رحام، کارشناس و فعال صنایع‌معدنی و کامران وکیل، کارشناس و فعال حوزه صادرات موادمعدنی دراین‌باره است.



عکس: صمت

اقتصاد مغفول برق



آنوش رحام ـ کارشناس و فعال حوزه معدن و صنایع‌معدنی:

متاسفانه به‌دلیل تمرکز بیش‌ازحد دولت بر تصدیگری، مانعی جدی بر سر راه رشد متوازن و سرمایه‌گذاری ایجاد شده است. به‌این‌ترتیب، اقتصاد برق در کشور ما به‌نوعی رشدنایافته و متوقف باقی ماند و در حال حاضر تعدادی نیروگاه نیمه‌تمام در کشور داریم که نیازمند سرمایه‌گذاری جدید و تامین مالی هستند. متاسفانه باید گفت چون دولت برنامه راهبردی منسجمی برای توسعه برق نداشته است، ناترازی جدی است و کمابیش چیزی بین ۱۱۰ تا ۱۱۵هزار میلیارد تومان کمبود منابع وجود دارد. از طرف دیگر هم، به‌دلیل شکل نگرفتن رابطه عرضه و تقاضا و سیاست قیمت‌گذاری دستوری، بخش خصوصی هم اقبال چندانی به سرمایه‌گذاری در این بخش نداشته است.

نگاهی به دیروز

در واقع در طول برنامه پنجم و ششم، باید حداقل ۴۰هزار مگاوات ظرفیت تولید برق اضافه می‌شد، اما در عوض ظرف ۱۲ سال سرمایه‌گذاری صنعت برق در کشور ما از ۶.۵ میلیارد دلار به ۶۰۰ میلیون دلار نزول کرده که کاهش بسیار چشمگیری است. در حالی که کشور برای هر یک درصد رشد اقتصادی به ۱.۲ درصد افزایش ظرفیت نیروگاهی نیاز دارد. بدون توجه به افزایش ظرفیت تولید نیروگاه‌ها، دولت سیزدهم نمی‌تواند رشد ۸ درصدی پیش‌بینی‌شده در برنامه هفتم را محقق کند. اگر به‌صورت خوش‌بینانه رشد اقتصادی ۲ تا ۴ درصدی را تا سال ۱۴۰۵ در نظر بگیریم، پس چیزی در حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم.

پس با شرایط موجود نیاز به برنامه‌ای منسجم است تا بخش خصوصی بتواند آن را همراهی کند. سال گذشته کشور در بخش تولید، با چیزی در حدود ۱۳ هزار مگاوات کمبود برق روبه‌رو بوده است. به‌عبارت‌بهتر، ظرفیت اسمی نیروگاه‌های ما در کل حدود ۹۱ هزار مگاوات است. ۵۱ درصد آن را بخش غیردولتی اداره می‌کند و ۴۱ درصد در اختیار بخش دولتی است و چیزی حدود ۸ درصد را صنایع بزرگ تامین می‌کنند که در سال گذشته به‌دلیل فرسودگی و دیگر عوامل هدر رفت انرژی، در مجموع حدود ۶۰ هزار مگاوات برق از این ظرفیت ۹۱ هزار مگاواتی استحصال شد و به‌این‌ترتیب، کمبودی در حدود ۳۰ هزار مگاوات به وجود آمد.

احتمالی نگران‌کننده

عرضه منطقی برق در بورس کالا می‌تواند مشکل را حل کند، البته به‌شرط اینکه دولت مبنای عرضه و تقاضا را براساس کشف نرخ بین تولیدکننده و فروشنده بگذارد و اجازه دهد که خریدوفروش در بورس انرژی به قیمتی تعادلی برسد.

متاسفانه تجربه‌ای که پیش‌ازاین در بورس‌های کالایی داشتیم، موید این است که در بسیاری از موارد، شاهد رقابت بسیار شدید و بالای کالاهای پایه هستیم. برای مثال، در یک عرضه کالایی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد نسبت به نرخ پایه، رقابت به‌وجود می‌آید و این شرایط در دیگر نقاط دنیا دیده نمی‌شود. بنابراین به‌طورقطع این نگرانی برای طرف تقاضا وجود دارد که اگر برق هم در بورس انرژی ارائه شود، چه تظمینی هست که قیمت آن مانند دیگر کالاهای پایه، وارد رقابت‌های سنگین نشود و درنتیجه نرخ تمام‌شده افزایش شدیدی پیدا نکند؟ اما این موضوع شمشیری دولبه است، زیرا به‌علت توقف واحدهای تولیدی و نبود و کمبود برق، صاحبان صنایع به‌ویژه فولادی‌ها (که بسیاری از آنها در حوزه ذوب یا تولید فولاد خام فعالیت می‌کنند و حجم عظیم تولید فولاد خام وجود دارد و هر توقفی که در فرآیند تولید به‌وجود می‌آید، به‌مراتب ضرر بیشتری را متوجه آنها می‌کند) ترجیح می‌دهند برق موردنیاز خود را با نرخ معقول خریداری کنند.

در حال حاضر نرخ برقی که به‌دست صنایع می‌رسد (آن‌طور که صنایع محاسبه و اعلام کرده‌اند) با قیمت‌های جهانی هماهنگ است و هم‌اکنون یارانه‌ای قابل‌توجه برای مصرف برق نداریم.

مدیریت بحران در دقیقه ۹۰

اگر دولت که ۴۵ درصد تولید نیروگاه‌های کشور را در اختیار دارد، اجازه دهد خریدوفروش در بورس انرژی با نرخ تعادلی برقرار شود، نیروگاه‌ها، به‌ویژه در بخش خصوصی می‌توانند روی توسعه حوزه خود سرمایه‌گذاری و کمبود ظرفیت برق را جبران کنند.

در حال حاضر و با وضعیت فعلی، چشم‌اندازی وجود ندارد که بخش خصوصی، که در حدود ۵۱ درصد ظرفیت اسمی نیروگاه‌های کشور را در اختیار دارد، اقبالی به سرمایه‌گذاری در این بخش نشان دهد، زیرا معتقدند که هزینه- فایده این سرمایه‌گذاری در حد و اندازه‌ای نیست که بخواهند توان خود را روی توسعه نیروگاه‌ها متمرکز کنند.به‌هرحال، دولت باید از این ظرفیت استفاده کند تا بتواند مشکل قطع برق را مدیریت کند و اجازه ندهد این موضوع به یک بحران جدی تبدیل شود.

سال گذشته (۱۴۰۱) وزارت صمت حدود ۶هزار پروانه بهره‌برداری صادر کرد که تنها برق ۲ هزار مورد تامین و فعالیت ۴ هزار متقاضی دیگر که در بخش‌های مختلف صنعتی آمادگی سرمایه‌گذاری داشتند، به‌دلیل تامین نشدن برق متوقف شده است. این مثال، موید آن است که باید برنامه‌ای جدی برای توسعه صنعت برق داشته باشیم.

چالش‌های محتمل

اگر نرخ مصرف برق با هزینه‌های تولید، مبادله، تامین مالی و زنجیره تامین و بخش‌هایی که در تولید اثر فراوانی دارند، متناسب و معقول نباشد و نرخ تمام‌شده هزینه ـ فایده سرمایه را پایین بیاورد، به‌طورقطع در ۲ بخش دچار مشکل می‌شویم؛ یکی در سطح عمومی قیمت‌ها است، زیرا نرخ تمام‌شده محصولات بالا خواهد رفت و دیگری در بخش صادرات است که به‌دلیل افزایش نرخ تمام‌شده، بسیاری از بازارهای صادراتی را از دست خواهیم داد. باتوجه به اینکه در حال حاضر دولت نیاز شدیدی به تامین ارز از محل صادرات غیرنفتی دارد، نرخ برق اثر بسیار مهمی بر دامنه صادرات محصولات غیرنفتی و پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها خواهد داشت.

البته بخشی از پتروشیمی‌ها برق موردنیازشان را خود تامین می‌کنند و در حال حاضر اطلاع دارم که بسیاری از واحدهای تولیدی در بخش فولاد و صنایع سنگین به‌دنبال راهکارهایی برای احداث نیروگاه‌هایی با ظرفیت‌های گوناگون هستند. اما واقعیت این است که در چند سال گذشته، هیچ‌گونه سیاست تشویقی برای صنایع معدنی و فولادی برای ایجاد نیروگاه‌هایی برای تامین انرژی پاک نداشتیم. به‌عنوان‌مثال، نیروگاه‌های بزرگ تولیدی مثل فولاد مبارکه و شرکت ملی مس و... در مقاطعی به‌دنبال مطالعه روی طرح‌های ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی و بادی یا دیگر انرژی‌های پاک بودند و روی این موضوع برنامه‌ریزی‌هایی داشتند، اما به‌نتیجه نرسید.

تولید فدای مونتاژ

متاسفانه با سیاست‌هایی که وزارت صمت تا امروز در پیش گرفته، گاهی منافع بخش بزرگی را برای تامین منفعت بخش کوچکی از تولید متوقف کرده است. به‌عنوان‌مثال، در بخش تامین انرژی بسیاری از واحدهای متوسط و کوچک اقدام به خرید دستگاه و تجهیزات موردنیاز برای تامین برق در سایزهای متوسط و کوچک کردند تا بتوانند برق واحدهای تولیدی خود را تاحدودی تامین کنند، اما متاسفانه بسیاری از این واحدها وقتی برای ترخیص تجهیزات خود مراجعه کرده‌اند، با این استدلال که برخی از تجهیزات دستگاه‌های تولید برق، ساخت داخل دارد، با سنگ‌اندازی دفاتر تخصصی وزارت صمت روبه‌رو شدند. این در حالی است که همه می‌دانند اگر این تجهیزات نمونه ساخت داخل داشت و کالای تجاری رقابتی در کشور بود، امروز با مشکل تامین برق در کشور روبه‌رو نبودیم. امروز که برخی از واحدهای تولیدی تلاش کردند بحران موجود را مدیریت کنند و جلوی توقف خطوط تولید و سرد شدن تجهیزات را بگیرند (زیرا هزینه‌های بسیار سنگینی صرف گرم کردن مجدد کوره ذوب، نورد و صنایع تکمیلی فولاد ایجاد می‌شود)، با سیاست‌های ناهماهنگ وزارت صمت، دچار مشکل شده‌اند و به این ترتیب، معضل دیگری برای واحدهایی که اقدام به خرید و تامین تجهیزات تولید برق کرده‌اند، ایجاد شده است.

نکته جالب‌توجه این است که وقتی برای تامین تجهیزات داخلی اقدام می‌کنند، مدت‌زمان بسیار طولانی باید در انتظار بمانند. از طرف دیگر، بخش زیادی از این تجهیزات هم از نظر کمی و کیفی در قالب پیاده‌سازی یا CKD است و در خارج از کشور تولید می‌شود و واحدهایی که مدعی ساخت هستند، فقط قطعات را مونتاژ می‌کنند.

مشکل برق سبز

این نکته هم لازم به ذکر است که در سال‌های گذشته ده‌ها متقاضی برای ورود تجهیزات خورشیدی به کشور اعلام آمادگی کرده‌اند، اما متاسفانه اقدامات‌شان به انحای مختلف نیمه‌تمام مانده یا نتوانسته‌اند، مجوزهای لازم را دریافت کنند یا ثبت سفارش لازم انجام نشد یا در اولویت تامین ارز قرار نگرفتند.

باتوجه به جاذبه کشور در بخش تامین انرژی پاک و شاخص میانگین تابش در کشور، به‌طورقطع برای نیروگاه‌های خورشیدی (و حتی بادی) از مزیت بسیار مناسبی برخوردار هستیم که متاسفانه از آن استفاده نمی‌کنیم و مغفول مانده و برخی بروکراسی‌های موجود هم این موضوع را پیچیده‌تر کرده است.

در یک مورد که من از نزدیک شاهد بودم، شخصی که قصد ورود نیروگاه تامین انرژی خورشیدی به کشور را داشت، بعد از مواجه شدن با کوهی از مشکلات، در نهایت تصمیم گرفت که سرمایه خود را به عراق یا افغانستان منتقل کند.

همه می‌دانیم اگر واقعا ساخت داخل تکاپوی تامین نیاز برق کشور را داشت، در حال حاضر با این مشکلات روبه‌رو نبودیم. وقتی تامین برق در کشور اولویت جدی است، دیگر یک‌بام و دوهوای وزارت صمت پذیرفته نیست و باید فضا را برای ورود هرچه سریع‌تر این تجهیزات باز کنند و موانع و مشکلات را از سر راه بردارند؛ به‌گونه‌ای که شرکت‌هایی که پروانه بهره‌برداری و تولید دارند و دفاتر مالیاتی‌شان گواه این مدعا است، بتوانند بدون مانع، تجهیزات موردنیاز خود را به واحد تولیدی وارد کنند و پس‌ازآن، مراحل ترخیص را انجام دهند، اما در حال حاضر بسیاری از کالاها در انبارها و گمرکات می‌ماند و درگیر دریافت مجوز برای ساخت داخل هستند.

> اگر برق در بورس انرژی ارائه شود، چه تضمینی وجود دارد که قیمت آن مانند دیگر کالاهای پایه، وارد رقابت‌های سنگین نشود و درنتیجه نرخ تمام‌شده افزایش شدیدی پیدا نکند؟

> بسیاری از صادرات کشور، چیزی جز صادرات انرژی نیست و اگر نرخ حامل‌های انرژی در زمینه سنگ‌های ساختمانی، کاشی و سرامیک، مقاطع فلزی و... واقعی شود، سود صادرات این کالاها به صفر می‌رسد

اختلافی قدیمی



کامران وکیل ـ کارشناس و فعال حوزه صادرات موادمعدنی:

سال‌ها است که قیمت‌گذاری دستوری در نرخ برق محل بحث و مجادله بوده است و اختلاف‌نظر زیادی بین سندیکای فعالان این صنعت و دولت وجود دارد.

از یک‌سو، دولت با دیدگاهی که بعضی آن را پوپولیستی می‌دانند، همواره به سیاست پرداخت سوبسید انرژی ادامه می‌دهد و از سوی دیگر، هیچ جذابیتی برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق وجود ندارد. این موضوع جز ضرر، خیری برای کشور نداشته، اما در مقابل، منهای اتلاف سرمایه ملی، ده‌ها و شاید صدها زیان دیگر به کشور وارد کرده و همواره مورداعتراض قرار گرفته است.

بااین‌وجود، نمی‌دانم به چه دلیلی دولت‌ها اصلاح این روند غلط را به تعویق انداخته و هریک آن را به دولت بعدی واگذار کرده‌اند. نتیجه این وقت‌کشی، کشور ما را به‌جایی رسانده که امروزه به‌اندازه چین، بنزین مصرف می‌کند و به‌اندازه کل قاره اروپا گاز می‌سوزاند و وضعیت اقتصادی‌مان هم به این اندازه وخیم است.

الزامات بورس

عرضه برق در بورس مستلزم این است که نرخ آن تابع عرضه و تقاضا باشد و به‌عبارت‌دیگر، باید قیمت‌گذاری واقعی شود. به‌این‌ترتیب، دست آنهایی که بهره‌وری بیشتری دارند، بازتر خواهد بود و می‌توانند برق موردنیاز خود را با نرخ بالاتری بخرند و آن دسته از صنایعی که قدرت کافی ندارند و کالایی که تولید می‌کنند، چندان ارزش‌افزوده‌ای ایجاد نمی‌کند تا بتوانند با شرکت‌های قدرتمند رقابت کنند، به‌طبع دسترسی محدودتری به انرژی خواهند داشت.

این اتفاق به‌عقیده من بسیار مثبت است و کشور به‌سمت تولید کالا یا خدماتی می‌رود که ارزش‌افزوده بالاتر داشته باشد و شرایط مشابهی با دیگر کشورهای دنیا پیدا می‌کند.

سیب به نرخ خشکی

این مشکل تنها در زمینه برق دیده نمی‌شود و در کل، همه بخش‌های انرژی و زیرساختی را تحت‌تاثیر قرار داده است. به‌عنوان‌مثال، امروزه شاهد هستیم که دریاچه ارومیه رو به خشکی می‌رود، زیرا در سال‌های گذشته هزاران چاه در اطراف آن حفر شده است تا در منطقه سیب بکارند؛ سیبی که براساس اخبار منتشرشده، بخش زیادی از آن دور ریخته یا به نرخ بسیار ارزان به کشورهای همسایه فروخته می‌شود.

به‌عبارت‌دیگر، بسیاری از صادرات کشور، نه‌فقط در این حوزه، که در بیشتر حوزه‌ها، چیزی جز هدیه کردن انرژی ارزان نیست و اگر نرخ حامل‌های انرژی در زمینه سنگ‌های ساختمانی، کاشی و سرامیک، مقاطع فلزی و... واقعی شود، بخش زیادی از صادرات کشور متوقف خواهد شد.

شروعی مبارک

برق می‌تواند شروعی برای واقعی شدن قیمت‌ها باشد و به‌عقیده من، هرچه سریع‌تر درباره بقیه موارد هم اقدام شود، بهتر است و جلوی ضرر و زیان بیشتر گرفته خواهد شد و یکی از راهکارهای خروج اقتصاد ملی از وضعیت موجود است.

سخن پایانی

در بورس انرژی، برق صنایع به‌صورت قراردادهای خریدوفروش از طریق مزایده عرضه و تقاضا موردمعامله قرار می‌گیرد. این قراردادها شامل نرخ و مقدار برق موردنظر برای خریدار و فروشنده است. بورس انرژی به‌عنوان بازاری شفاف و قابل‌رقابت، فرصتی مناسب برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان برق صنایع ایجاد می‌کند تا مبادله‌ای بهینه و باکیفیت داشته باشند و براساس آنچه گفته شد، باتوجه به رشد روزافزون صنعت و توسعه صنایع جدید و بی‌توجهی دولت به سرمایه‌گذاری برای تامین برق، بورس انرژی، بازار جذابی برای سرمایه‌گذاران خواهد شد.

مقایسه تطبیقی بازار کالاهای اساسی



اینفوگرافی: سامان شرف‌الدین

کیمیا ملکی:

بـازار هر روز سـاز جدیدی را کوک می‌کنـد و قیمت‌ها را لحظه‌ای تغییر می‌دهد در نهایت مصرف‌کننده و تولیدکننده در چاهی از مشکلات می‌مانند که هر بار با افزایش نرخ تورم گودتر می‌شود. نگاهی گذرا به اختلاف نرخ برخی از کالاهای اساسـی در هفته اول مرداد ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کافی‌است تا به عمق مشکلات تامین معیشت پی‌برد.

▣ رصد قیمت‌ها در هفته اول مرداد ۱۴۰۲

رصـد هفتگی بازار کالاهای اساسـی در هفتـه اول مرداد حاکی از این اسـت که نرخ مرغ هـم همچنان هر کیلو بین ۹۵ تـا ۱۰۰ هزار تومان در نوسـان بوده اما احتمالا با توزیع گوشـت مرغ وارداتی قیمت‌ها شکسـته خواهد شد. این در حالی است که در هفته گذشته نرخ مرغ به ۱۱۰ هزار تومان نیز رسید. همچنین بازار شکر نیز همچنان با کمبود رو به رو است و این محصول در برخی فروشگاه‌های زنجیره‌ای نیست. هر کیلو قند بین ۳۹.۹۰۰ تا ۴۵ هزار تومان در نوسـان بود و هر کیلو شـکر ۳۵ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. در هفته اول مـرداد با کاهش نرخ برنج ایرانـی در بازار روبه‌رو هسـتیم به طوری که برنج هاشـمی با ۱۳.۶ درصد کاهش از هـر کیلو ۱۱۰ به ۹۵ هزار تومان رسـید. طارم عطری نیز با کاهش ۵.۶ درصـد از هر کیلو ۹۰ هزار تومان به ۸۵ هزار تومان رسیده است.

▣ رصد قیمت‌ها در هفته اول مرداد ۱۴۰۱

رصـد هفتگی بازار کالاهای اساسـی در هفتـه اول مرداد ۱۴۰۱ حاکی از این اسـت که نرخ مرغ به به ۵۴ هزار تومان رسید. همچنین ران و راسـته گوسفندی نیز با نرخ کیلویی ۱۶۵ هزار تومان به فروش می‌رسید. انواع حبوبات نیز شامل لوبیـا قرمز با نرخ ۴۰ هزار تومان، لوبیا چیتی با نرخ کیلویی ۶۵ هـزار تومـان، عدس با نـرخ ۵۵ هزار تومـان به فروش می‌رسید. همچنین برنج ایرانی نیز در محدوده قیمتی ۸۰ تا ۱۵۰هزار تومان هزار تومان قرار دارد.

نگاهـی کوتاه به افزایش قیمت‌هایی که در یک سـال رخ داده است و افزایش نرخ تورم نشان می‌دهد که شعار رفع فقر تا پایان سال ۱۴۰۰ از سـوی ابراهیم رئیسی نه تنها محقق نشـد بلکه سفره مردم متاثر از اصلاحات اقتصادی کوچک‌تر شـد. این در حالی اسـت که سـنگینی تورم مواد غذایی در سـال‌های اخیر بر دوش بسـیاری از خانوارها بیشتر شده و حتی به حذف برخی اقلام غذایی از سبد غذایی رسیده است.

مدیرعامل شرکت مس:

رشد تولید ۳۰۰ هزار تن کاتد به رغم کاهش بیش از ۱۶ هزار تنی مصرف قراضه مس در سال ۱۴۰۱

۹درصدی فروش با وجود کاهش ۱۱۰۰ دلاری قیمت جهانی مس



مدیرعامـل مس در مجمع عمومی عادی این شـرکت که با حضور اکثریت سـهامداران در تالار وزارت کشـور برگزار شـد از کسـب رتبه پنجم ذخایر جهانی مس تنها با اکتشـاف ۷ درصدمساحت کشور خبر دادو گفت: با توسعه اکتشافات رسیدن به رتبه دوم و سوم جهانی نیز برای ایران متصور است.

به گزارش مس پرس، دکتر علی رسـتمی مدیر عامل شـرکت ملی صنایع مس ایران در این مجمع که با دسـتور کار اسـتماع گـزارش عملکرد هیأت مدیره و گزارش حسـابرس و بازرس قانونی شرکت برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسـفند ماه ۱۴۰۱، تصمیم‌گیری در خصوص تقسـیم سود و ... برپا شد، افزود: ۱۳۰ هزار متر اکتشـاف در سـال ۱۴۰۰ انجام شـده بود که در سـال ۱۴۰۱ به بیش از ۲۰۰ هزار متر رسـید و در سـال ۱۴۰۲ به بیش از سـیصد هزار متر خواهد رسـید.وی همچنین از ثبـت بالاترین رکورد میزان عملیات اکتشاف سـطحی (زمین‌شناسی، ژئوشـیمی و ژئوفیزیک) در سال ۱۴۰۱ به وسعت یکصد و ده هزار هکتار (۱۱۰۰ کیلومتر مربع) و رکورد بالاترین میزان حفاری روزانه با ثبت متراژ ۱۱۴۸ متر حفاری اکتشافی خبر داد.

دکتر رسـتمی با اشاره به انجام اکتشـافات موفق با حفر عمیق‌ترین گمانه اکتشافی به عمق ۱۵۷۵ متر برای اولین بار در اکتشافات مس در سایت معدن مس سرچشـمه، ادامه داد: نخستین آزمایشگاه مرجع معدن و صنایع معدنی منطقه شمال غرب نیز با همکاری دانشگاه تبریز با سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۴۰۱افتتاح شد.

وی ذخائر مس ایران را ۱۹،۲ میلیارد تن برشمرد و گفت: این ذخایر در سال قبل۲/۱۷میلیارد تن بود که در سال ۱۴۰۱ شاهد رشد دو میلیارد تنی ذخایر کشف شده شرکت شد. این ذخایر با برداشت فعلی، تا بیش از ۲۰۰ سال آینده پاسخگوی تولیدات شرکت ملی صنایع مس ایران خواهد بود.

مدیرعامل شـرکت مس به ثبت رکورد بی‌سـابقه در تولید همه محصولات اشاره کرد و از تولید ۱،۲۳۴،۸۷۷ تن کنسانتره مس، ۳۰۰،۰۱۰ تن کاتد مس، ۹،۶۱۰ تن کنسـانتره مولیبدن، ۹۶۹ تن کنسانتره فلزات گرانبها، ۲۰۰،۳۳۲ متر حفاری اکتشـافی، برداشت ۵۴،۵۰۰ هزار تن سنگ سولفور و ۲۲۵،۷۹۴ میلیون تن اسـتخراج ماده معدنی برای نخستین بار در تاریخ شرکت مس در سال ۱۴۰۱ خبر داد.

دکتر رستمی تأکید کرد: تولید کاتد برای نخستین بار در تاریخ صنعت مس در حالی از کانال ۲۰۰ هزار تن وارد کانال تولید ۳۰۰ هزار تن شد که بیش از ۱۶۵۰۰ تن کاهش مصرف قراضه مس در سال ۱۴۰۱ داشتیم.

مدیرعامل شـرکت ملی صنایع مس ایران اظهار داشـت: در فروش نیز علی رغم کاهش ۱۱۰۰ دلاری LMEنسـبت به برنامه ۲۳ درصد و نسبت به سال قبل ۹ درصد افزایش داشـتیم و با مدیریت مناسـب فروش نگذاشـتیم دچار کاهش شویم.

وی گفت: با مدیریت هزینه‌های اداری و عمومی شرکت و کاهش هزینه‌ها، سود عملیاتی شرکت در سال گذشته، به ۵۰ هزار میلیارد تومان رسید.

مدیرعامل شـرکت ملی مس ادامه داد: در بودجه سـال جاری برای تأمین طرح‌های توسـعه‌ای ۵۲ همت از منابع داخلی شـرکت و ۶۱ همت از طریق فاینانس، وام و بازار سرمایه در نظر گرفته شده است.

دکتر رستمی اظهار داشت: سرمایه‌گذاری لازم برای اجرای طرح‌های توسعه تا سال ۱۴۰۶بالغ بر ۱۵ میلیارد یورو برآورد شده است.

وی منابع تأمین مالی پروژه‌های توسعه را از منابع داخلی شرکت ۵ میلیارد دلار، صندوق توسعه ملی دو میلیارد دلار، بازار پول و سرمایه دو میلیارد دلار و فایننس از چین به میزان ۶ میلیارد عنوان کرد.

مدیرعامل شرکت مس، هشـت پروژه تغلیظ، چهار پروژه ذوب و پالایشگاه و پنج پروژه جانبی را از اهم طرح‌های اصلی توسـعه شرکت ملی صنایع مس ایران دانست.

وی به هوشمندسـازی و تولید سـبز با راندمان بالا اشـاره کرد و ادامه داد: هوشمندسازی در یک بسته کامل به صورت یکپارچه هدف گذاری شده است تا تولید کاتد به روش سبز و با راندمان بالا همراه شود.

دکتر رسـتمی به پروژه های افتتاح شده در سـال ۱۴۰۱پرداخت و گفت: کارخانه هیپ لیچینگ مجتمع مس سـونگون با هدف تولید ۳۰۰۰ تن مس کاتدی در سـال راه اندازی شد که برای ۱۶۰ نفر به طور مستقیم و ۴۸۰ نفر به صورت غیرمستقیم اشتغالزایی به همراه داشته است.

وی از راه‌انـدازی خط انتقال آب حاجیلرچای بـه طول ۴۸ کیلومتر معدن مس سونگون و با هدف تامین آب خام مجتمع خبر داد.

دکتر رسـتمی به راه‌انـدازی پروژه احداث خط ریـل خاتون‌آباد پرداخت و هدف از آن را اتصال کارخانه ذوب خاتون‌آباد به شـبکه سراسری ریلی کشور دانست.

مدیرعامل شرکت مس با اشاره به بهره‌برداری از کارخانه تغلیظ فلوتاسیون سرباره سرچشمه در سال ۱۴۰۱، یکی از مهم‌ترین اهداف آن را تولید سالانه ۷۰ هزار تن کنسانتره مس با عیار ۲۴ درصد برشمرد.

وی در خصـوص انتقال خط دوم آب خلیـج فارس گفت:، احداث خط دوم انتقـال آب خلیج فـارس آغاز شـده و همچنین تولید ۱۰۰۰ مـگاوات برق تجدیدپذیر برنامه‌ریزی شـده که اولین پروژه به پیمانکار واگذار شده و پروژه شروع شده است.

دکتـر رسـتمی تصریح کرد: نهضت پیشـرفت و تحول صنعـت مس ایران در سـال گذشـته با هدف افزایش تولید، درآمد و اشـتغال‌زایی تعریف شد و امیدواریـم بتوانیم با حمایت دولت و سـهامداران محترم این برنامه را محقق کنیم و صادرات را به ۱۰ میلیارد دلار و سـود خالص را به بیش از ۵ میلیارد دلار افزایش دهیم.

وی تامین ماشـین‌آلات معدنی را مسـئله بسـیار مهمی دانست که جهت اجرای طرح‌های توسـعه‌ای برای دسترسـی به تولید یک میلیون تن کاتد در دستور کار شرکت قرار گرفته است.

وی همچنین تاسـیس شرکت تامین سرمایه کیمیا در سال گذشته را یکی دیگر از اقدامات برجسـته شـرکت ملی مس در سـال گذشته عنوان کرد که با نماد «تکیمیا» در روز چهارشـنبه ۱۱ تیر ماه سـال جاری بر روی تابلوی فرابورس درج شد.



یادداشت

۴ اشکال اخذ کارمزد از کارتخوان‌ها



حسین طاهرمحمدی
رئیس اتاق اصناف ایران

۴ اشـکال به بخشنامه بانک مرکزی برای اخذ کارمزد از کارتخوان‌های صنفی وارد اسـت. نخسـتین اشکال آن اسـت کـه مطابـق مـواد (۲) و (۳) قانـون بهبود مسـتمر محیط کسـب‌وکار مصوب ۱۶ بهمن ۱۳۹۰، دسـتگاه‌های اجرایی مکلفند هنـگام تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی، نظر تشکل‌های اقتصـادی ذی‌ربط را اسـتعلام کنند. حـال آنکه بانک مرکزی برای اخذ کارمـزد به‌طور یکجانبه و بدون اخذ نظر از اتاق اصناف ایران تصمیم گرفته و چنین اقدامی، آشکارا خلاف نص و روح قانون فوق است.

اشکال دوم به اخذ مالیات پنهان از اصناف برمی‌گردد. توضیح آنکه شاید در نگاه اول مبالغ کارمزد تراکنش‌های کارتخوان، فاقد اهمیت به نظر آید، اما مجموع مبلغی که در طول یک سـال از برخی از واحدهای صنفی باتوجه به نوع کسب‌وکار آنان دریافت می‌شود، قابل‌توجه است و چنیـن مبالغی بـه اغلب خرده‌فروشـی‌ها که بخش عمـده‌ای از واحدهای صنفی سراسـر کشـور را در بر می‌گیرند، تحمیل می‌شود. در وضعیت فعلی که اصناف کشـور با فشـار اقتصادی و کاهش درآمد دست‌وپنجه نـرم می‌کنند و در کنـار آن، ناگزیر بـه پرداخت انواع هزینه‌های قانونی از جمله مالیات، عوارض شـهرداری، تامین اجتماعی و... هسـتند، اخذ چنین کارمزدهایی، فشـار مضاعفی را به جامعه صنفی وارد می‌کند. اشکال سـوم آن است که فرمول مصوبه فوق غیرعادلانه است، چراکـه عمده فشـار بـر دوش آن دسـته از واحدهای صنفـی قرار خواهـد گرفت که تعـداد فروش‌های آنان زیاد، اما مبالغ فروش‌شـان اندک اسـت. اشکال چهارم آن اسـت که بانک‌هـا و شـرکت‌های PSP در مقابل هیچ‌گونـه خدمت یا امتیازی بـه واحدهای صنفی ارائه نمی‌دهند.

واحدهـای صنفی امـا دو آورده مهم بـرای بانک‌ها دارند: اولا حتی پیـش از وضع کارمزد بر تراکنش‌های کارت‌خوان، شـرکت‌های پشـتیبان به‌دلیل استفاده از پول‌های راکد کارتخوان‌ها حتی به مدت چند سـاعت سودهای سرشـاری کسـب می‌کردند؛ به همین دلیل بـود که در صورتی که یک واحـد صنفی تراکنش‌های چندانی از طریق کارت‌خوان خود انجام نمی‌داد، شرکت تامین‌کننـده، اقدام به جمع‌آوری دسـتگاه کارت‌خوان می‌کـرد. ثانیا با مصوبه بانک مرکـزی و اخذ کارمزد از تراکنش کارت‌خوان، شرکت‌های PSP اکنون علاوه بر اسـتفاده از رکود پول، از محل کارمزد نیز سود فراوانی می‌برند. در مقابل باید پرسـید بانک‌ها و شـرکت‌های PSP چـه امتیازات و آورده‌ای بـه واحدهای صنفی و کسب‌وکارها ارائه می‌کنند؟!

همچنیـن اخذ کارمـزد از تراکنش‌هـای کارت‌خوان و پرداخـت آن به شـرکت‌های تامین‌کننده، دو نتیجه احتمالـی در پـی خواهد داشـت: در حالـت اول، این امکان وجود دارد که اصنـاف مبالغ فوق را به نرخ کالا یا خدمات اضافـه کنند که در نهایت چنین وجوهی بر دوش آحاد جامعه قرار خواهد گرفت.

در حالـت دوم، اصنافـی کـه اقدام بـه افزایش نرخ نکننـد، ناگزیرند از جیبِ خود مبالغ کارمزد را پرداخت کنند که این رقم به‌طـور مثال، البته با در نظر گرفتن نوع کسـب‌وکار برای یک واحـد صنفی که روزانه ۱۰۰ تراکنش کمتر از ۶ میلیون ریال انجام می‌دهد، سـالانه حدود ۵ میلیون تومان خواهد بود.

مثـال بالا نشـان می‌دهد متضرر طـرح اخذ کارمزد جامعـه صنفـی و برنـده اصلـی آن، شـرکت‌های تامین‌کننده دسـتگاه‌های کارت‌خوان هستند. به‌علاوه، باتوجه بـه اینکه حجم انبوهی از این مبالغ نزد بانک‌ها همیشـه به‌صورت ثابت باقی می‌ماند، سود قابل‌توجهی عاید شـبکه بانکی می‌شـود. اگـر قرار باشـد کارمزد تراکنش‌های کارت‌خوان توسط جامعه صنفی به حساب شـرکت‌های PSP و بانک‌ها پرداخت شـود، چرا منافعِ چنین کارمزدهایـی به خود اصناف برنگـردد؟! از این جهت است که اتاق اصناف ایران معتقد به لزوم تشکیل بانک اصنـاف و رفع نیازهای مالـی و اقتصادی جامعه صنفی از محل منابعی که خود اصناف تامین‌کننده آن هستند، است.

گفتنی اسـت میزان کارمزد خدمـات بانکی ریالی و الکترونیک در ۵ اردیبهشـت ۱۴۰۲ توسط هیات عامل بانک مرکزی تعدیل و برخی موارد نیز مشـمول تعیین و تعریف کارمزد جدید شد.

بـه این ترتیب و به‌موجب ردیف ۲۸ جدول پیوسـت شـماره ۲ بخشنامه فوق‌الذکر، از ۴ تیر ۱۴۰۲ از دارنده دسـتگاه کارت‌خوان واحد صنفی بـه ازای هر تراکنش تا سـقف ۶ میلیون ریال از دسـتگاه کارت‌خوان هنگام خرید، مبلغ ۱۲۰۰ ریال اخذ می‌شود و این مقدار برای تراکنش‌هـای بالاتر از ۶ میلیون ریـال، ۲۰۰۰۰ ریال اسـت، اما به‌عقیده رئیس اتـاق اصناف ایران، وضع این مصوبه دارای چند اشکال اساسی است که مبنای آن را زیر سوال می‌برد.

به‌عقیده برخی کارشناسـان اخـذ مالیات از تراکنش کارت‌خوان‌ها تنها موجب می‌شـود بانک‌ها درآمدزایی داشته باشند و تاثیر دیگری نخواهد داشت.

به‌هرحال نظام بانکی به مشتریان خود خدماتی ارائه می‌دهد و دریافت کارمـزد به این دلیل توجیه منطقی دارد؛ به‌معنـای دیگـر کارمزدی که بانک از مشـتریان دریافت می‌کند ناشـی از دریافت وام یا خریداری اوراق قرضه اسـت که جزو درآمدهای بهره‌ای به‌شمار می‌رود اما بخشی از درآمد بانک‌ها کارمزدهایی است که عمدتا در این اشکال اخذ می‌شود.

اجرای مرحله جدید طرح کالابرگ الکترونیک کلید خورد

افزایش اعتبار براساس میزان تورم

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir



عکس: صمت

به‌عقیده برخی از کارشناسـان با هر بار جراحی اقتصادی دولت، کالایی از سفره مردم حذف می‌شود.

در یکـی از ایـن جراحی‌ها، ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شـد و به‌دنبـال آن اجرای طـرح کالابرگ الکترونیک به‌شـرط بازگشـت نرخ کالاهای ضـروری، به نرخ شـهریور ۱۴۰۰ و جبـران مابه‌التفاوت نرخ ناشـی از حـذف ارز ترجیحی در دسـتور کار قرار گرفت. حالا طرح کالابـرگ با اماواگرهای بسـیار به‌عنوان یک طرح ملی در ۳۱ استان کشور به اجرا در آمده است.

طرح کالابرگ الکترونیک طرحی است که دولت با هدف حمایت از معیشـت خانوار و حفظ سلامت افراد به اجرا در آورده و در صـورت مدیریـت صحیح پیش‌بینی می‌شـود بخـش اعظمی از تـورم موجود از طریق ایـن طرح کنترل شود.

در هر حال این روزها بر اثرات مثبت اجرای طرح کالابرگ تاکید می‌شـود و ظاهرا دیدگاه منفی نسـبت به این طرح وجود ندارد. صمت در این گزارش به بررسـی مزایا و معایب طرح کالابرگ پرداخته است.

طرح ملی کالابرگ الکترونیک

طرح کالابرگ الکترونیک سال گذشته به‌شکل آزمایشی در ۴ استان هرمزگان، قزوین، گیلان و مرکـزی کلید خورد و اکنون به‌عنوان یک طرح ملی در ۳۱ اسـتان کشور به اجرا در آمده است. اجرای طرح کالابرگ الکترونیک تکلیف قانونی اسـت و دولت بنـا ندارد یارانـه نقدی را حذف کنـد؛ بنابراین مردم و متقاضیـان مختارند که کالابرگ الکترونیکی یـا یارانه نقدی را انتخاب و خرید خود را به‌شکل اعتباری انجام دهند.

طـرح کالابرگ الکترونیک که از ۱۵ اسـفند سـال گذشته با نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سراسـر کشور اجرایی شده، اکنون در بین مردم شـناخته شـده و جای خود را در میان اقشـار متوسط و کم‌درآمد باز کرده است. بر همین اسـاس دولـت در راسـتای فراگیرتر شـدن این طرح مشوق‌های جدیدی پیش‌بینی کرده و باتوجه به اسـتقبال دهک‌های کم‌درآمد و متوسـط در حال تهیه بسـته جدید حمایتی در قالب طـرح کالابرگ الکترونیک اسـت. در طرح کالابـرگ الکترونیک اعتبـار کارت یارانه کلیـه خانوارهای یارانه‌بگیر شـارژ می‌شـود و آنان می‌تواننـد یک ماه قبـل از دریافت یارانه نقدی، اقـدام به خرید ۱۱ قلم کالای اساسـی مشـمول طرح ملی کالابرگ الکترونیک کنند. در صـورت اسـتفاده از ایـن مزیـت، به‌میزان اعتبار استفاده‌شده از یارانه ماه بعد خانوار کسر می‌شـود و بقیه به‌صورت نقدی، در زمان مقرر واریز یارانه به حسـاب سرپرسـت خانوار واریز خواهد شد.

۳۱ تیر مرحله جدید طرح کالابرگ الکترونیک آغاز و مشخص شد افرادی که در دهک‌های اول تا سـوم قـرار دارند و یارانه ۴۰۰ هـزار تومانی دریافت می‌کنند، در صورتی که از میزان اعتبار یارانه ۴۰۰ هزار تومانی، مبلغ ۲۰۰ هزار تومان خرید کنند، ۵۰ درصد افزایش اعتبار بر اساس میزان تورم کالاهای اساسـی دریافت می‌کنند.

البته این در صورتی اسـت کـه خریدهای آنان شـامل ۱۱ قلم کالای اساسـی نامبرده باشـد. البته نرخ این کالاها براسـاس نرخ سال ۱۴۰۱ اسـت و اکنون تورم ایجادشده توسط کالابرگ الکترونیک جبران می‌شود.

شـیر کم‌چرب بطری، پنیر، تخم‌مرغ، گوشت مرغ، روغن مایع، ماکارونی، برنج ایرانی، لبنیات، قند و شـکر، حبوبات و گوشت منجمد گوساله، ۱۱ قلم کالای اساسـی مشمول طرح کالابرگ الکترونیـک هسـتند. گفتنی اسـت براسـاس اعلانات امکان افزایش مبلغ و پوشش دهک‌های دیگر نیز در آینده وجود دارد.

دولت افزایش قیمت‌ها را پوشش می‌دهد و خانوارهای کم‌درآمد در این زمینه حمایت می‌شوند

نیازماهانه ۱۰ همت برای اجرای طرح کالابرگ

علیرضـا عسـگریان، معاون رفاه و امور اقتصـادی وزیر تعاون، کار و رفـاه اجتماعی درباره اجرای مرحلـه جدید طرح ملی کالابرگ به صمت گفـت: اجرای مرحله جدید طرح کالابرگ در آخرین روز تیر امسـال آغاز شد. بر این اسـاس خانوارهایی که در دهک‌های اول تا سوم قرار دارند و یارانه ۴۰۰ هزار تومانی دریافت می‌کنند، در صورت خریـد ۲۰۰ هـزار تومانی، یعنی ۵۰ درصد اعتبـار یارانه ۴۰۰ هزار تومانی، معادل ۵۰ درصد افزایش اعتبار براساس میزان تورم کالاهای اساسی دریافت می‌کنند.

وی ضمن تاکید بر اینکه این مرحله از طرح کالابرگ تنها شامل ۳ دهک اول می‌شـود، افزود: خانوارهای ۳ دهک اول که جمعیت‌شان ۲۹ میلیون نفر اسـت، می‌توانند از ۱۱ قلم کالای اساسی اعلام‌شده شامل شیر کم‌چرب بطری، پنیر، تخم‌مرغ، گوشت مرغ، روغن مایع، ماکارونی، برنج ایرانی، لبنیات، قند و شکر، حبوبات و گوشت منجمد گوساله خریداری کنند و مشمول این سیاست حمایتی برای جبران افزایش قیمت‌ها شوند.

▣ تغییرات مثبت است

عسـگریان با اشـاره به تغییرات پی‌درپی در طرح کالابرگ اظهار کـرد: اکنـون در حال تنظیم تغییراتی جدید در این طرح هسـتیم تا بتوانیم امتیازات بیشـتری را برای مشمولان لحاظ کنیم. در اصل تغییرات اعمال‌شـده نویدبخش شرایط بهتری است. البته اعمال هر نوع تغییراتی منوط به تامین منابع است. اکنون باتوجه به بررسی‌های صورت‌گرفته برای اجرای این طرح ماهانه به ۱۰ همت نیاز داریم.

▣ قیمت‌ها براساس شهریور ۱۴۰۱

معـاون رفاه و امور اقتصادی وزیر تعـاون، کار و رفاه اجتماعی در تشریح شرط اصلی مجلس برای اجرای طرح کالابرگ مبنی بر اینکه بایـد قیمت‌ها به قیمت شـهریور ۱۴۰۱ بازگردد، اظهـار کرد: نرخ کالاهای مشـمول طرح براسـاس نرخ سال ۱۴۰۱ است و در مرحله جدید این طرح، تورم ایجادشـده توسط کالابرگ الکترونیک جبران می‌شـود؛ یعنی میزان بهره‌مندی از افزایش اعتبار براسـاس میزان تورم کالاهای اساسی است.

وی با اشاره به گرانی چند قلم کالای اساسی و کاهش قدرت خرید اقشـار ضعیف و متوسط جامعه بیان کرد: یارانه برای جبران افزایش نرخ ۱۱ قلم کالای اساسی با حجم مشخص پرداخت می‌شود.

▣ تورم را جبران می‌کنیم

عسگریان درباره افزایش تورم و نرخ کالاها نیز گفت: بی‌شک تورم ایجادشده توسط کالابرگ الکترونیک جبران می‌شود. در واقع دولت افزایش قیمت‌ها را پوشـش می‌دهـد و خانوارهای کم‌درآمد در این زمینه حمایت می‌شـوند. باتوجه به تعیین موجودی سـبد غذایی از نظر حجم و نرخ براسـاس میزان تورم مبلغی بدون سقف برای مردم شـارژ می‌شـود. البته درباره گرانی کالاها نیز سازمان‌های نظارتی و تعزیـرات باید برای اجرای مطلوب و اثرگذار طرح کالابرگ الکترونیک ورود کنند.



وی دربـاره افزایـش تعـداد فروشـگاه‌های حاضـر در اجـرای طرح کالابـرگ بیان کـرد: تعداد فروشگاه‌ها ممکن است در صورت ضرورت افزایش یابد. فروشـگاه‌های داوطلب برای پیوسـتن به این طرح، در برنامه شما ثبت‌نام می‌کنند و در صورتی که شرایط لازم را داشته باشند آموزش‌های لازم به آنها داده می‌شود و تجهیز می‌شوند. در واقع آموزش، تجهیز و اتصال فروشـگاه‌ها به شرکت مجری طرح و بانک‌های عامل با هدف دسترسـی آسـان و سـریع مردم صورت می‌گیرد.

▣ دهک‌های بعدی نیز اضافه می‌شوند

معاون رفاه و امور اقتصادی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره افزودن خانوارهای دهک‌های بعدی به طرح ملی کالابرگ بیان کرد: ۳ دهک اول ۲۹ میلیون نفر از جمعیت کشور را شامل می‌شود و در ادامه با اسـتفاده از پایگاه اطلاعاتی رفاه ایرانیان دهک‌بندی به‌جای خانوار براسـاس تعداد نفرات صورت می‌گیرد. امیدواریم دهک‌های دیگر نیز در ماه‌های آینده به این طرح افزوده شوند.

در حرکت به سمت اجرای طرح کالابرگ الکترونیک باتوجه به مبلغ سنگینی که باید ماهانه از محل بودجه تامین شود، بی‌شک دچار کسری بودجه خواهیم شد

دولت تسلطی بر موج افزایش قیمت‌ها ندارد

آلبـرت بغزیان، کارشـناس اقتصـاد درباره اجرای طـرح کالابرگ الکترونیک برای ۳ دهـک اول به صمت گفت: اینکه دولت تنها روی ۳ دهک تاکید دارد، موضوع نگران‌کننده‌ای اسـت. دولت اکنون مبلغ اندکی را به‌عنوان اعتبار کالابرگ، آن‌هم محدود به کالاهای اساسـی به برخی از گروه‌ها می‌پردازد که این اصلا در شأن مردم ایران نیست.

وی در تشریح هدف دولت از اجرای طرح کالابرگ بیان کرد: دولت نسـبت به اثربخش‌بودن سیاست‌های حمایتی‌اش تردید دارد و درباره تخصیص کالاهای اساسـی دچار درماندگی شـده که حال به اجرای طرح کالابرگ روی آورده است.

▣ دولت نمی‌تواند بازار را مدیریت کند

بغزیان بـر ناامیدی دولت از کنترل بازار تاکیـد و اظهار کرد: طرح کالابرگ الکترونیک با هدف کنترل بازار و تورم روی کار آمد، اما این طـرح هیچ کمکی به این موضوع نمی‌کند. قیمت‌ها در اقتصاد روندی صعودی دارد؛ به‌طوری که قیمت برخی اقلام مصرفی مانند شیر بدون هیچ دلیل منطقی در مدت زمانی کوتاه ۲ برابر شده است. در واقع از آنجایی که دولت تسـلطی بر موج افزایش قیمت‌ها ندارد و از کنترل نرخ‌ها ناامید شده، نیازمند توزیع کالابرگ شده است.

▣ توزیع کالایی گام مثبتی است

این کارشـناس اقتصاد با اشاره به یکی از آثار مثبت طرح کالابرگ بیان کرد: این ایده خوبی است که دولت یارانه را به‌صورت کالا توزیع کند؛ به‌ویژه در حال حاضر که باتوجه به شـرایط بد تامین معیشـت اقلامی مانند مرغ و شکر و روغن در کنار اجاره‌بها، سهم بسیار بالایی در سبد مصرفی دهک‌های پایین دارد.

▣ باید صبر کرد!

بغزیان با اشاره به نیاز مالی ماهانه ۱۰ همتی برای اجرای این طرح اظهار کرد: باتوجه به مبلغ سـنگینی که بایـد ماهانه از محل بودجه تامین شـود، بی‌شـک دچار کسـری بودجه خواهیم شـد. همچنین ممکن است دولت به برخی از تولیدکنندگان بدهکار شود و تا مدت‌ها نتوانـد هزینـه آنهـا را تامین کند و شـاهد بدهی سـنگین دولت به تولیدکنندگان باشیم. در نتیجه باید منتظـر ماند و دید که این طرح در ماه‌های آینده چگونـه اجرا خواهد شـد؛ چراکه اکنـون نقـاط مبهم بسیاری در این طرح وجود دارد.



در اجرای طرح کالابرگ الکترونیک باتوجه به مبلغ سنگینی که باید ماهانه از محل بودجه تامین شود، بی‌شک دچار کسری بودجه خواهیم شد

سخن پایانی

در شرایط اقتصادی فعلی قشر ضعیف و متوسط جامعه به‌سختی معیشـت خود را تامین می‌کند و قیمت‌های بازار نیز روند صعودی خود را حفظ کرده‌اند.

در چنیـن وضعیتی، دولـت با هدف کنترل بـازار و مهار تورم از طرحـی باعنـوان کالابرگ الکترونیـک رونمایی کـرد؛ طرحی که بسـیاری را به یاد همان کوپن قدیـم می‌انداخت. البته کلمه کوپن برای بیشـتر مردم یادآور صف‌های طولانی برای رسیدن به شکر و روغن و سایر کالاهای اساسی اسـت، اما طرح کالابرگ الکترونیک تفاوت‌هایی بـا کوپن دهه ۶۰ دارد و پرداختی شـبیه کمک‌هزینه نقدی برای خرید کالاهای اساسی است.

طرح کالابرگ با تمام اماواگرهایی که وجود داشـت سـرانجام با امتیازات ویژه‌ای اجرایی شـد. البته به‌عقیده کارشناسان باتوجه به بودجه سنگینی که برای این طرح نیاز است ممکن است در نهایت این طرح به نتایج مثبتی نرسـد و شـاهد بدهی سـنگین دولت به تولیدکنندگان باشـیم. به هر حال اجرای طرح کالابرگ الکترونیک تکلیـف قانونی و مصوبه مجلس اسـت و دولت بارها اعلام کرده بنا نـدارد یارانه نقدی را حذف کند؛ بنابراین مردم و خانوارها مختارند کـه از بین کالابرگ الکترونیک یا یارانه نقدی یکی را انتخاب کنند و خرید خود را به شـکل اعتباری انجام دهند. کارشناسان معتقدند بـا اجرای موفق طرح کالابرگ بخش اعظمی از تورم موجود کنترل خواهد شد. در نتیجه هنوز نقاط مبهمی در این طرح وجود دارد که امیدواریم رفته‌رفته حل شود.

در بررسی ظرفیت‌های حمل‌ونقل ریلی در کشور نمایان شد

زخم کمبود خطوط ریلی بر تن اقتصاد

کارشناسان معتقدند رشد و توسعه حمل‌ونقل ریلی در صورت تامین بودجه و حمایت‌های دولتی میسر است و حتی می‌توان با ایجاد اصلاحات ساختاری و نرم‌افزاری، بر شتاب توسعه این شبکه افزود. حتی با ایجاد بسترهای لازم می‌توان از سرمایه‌های غیردولتی و مردمی برای توسعه این صنعت بهره برد. حمل‌ونقل ریلی می‌تواند باتوجه به امنیت بالا، رفاه بیشتر و هزینه کمتر پس از حمل‌ونقل زمینی و هوایی، در صدر ابزارهای حمل‌ونقلی قرار گیرد. در حالی که در سال‌های گذشته حمل‌ونقل ریلی نتوانسته است سهم قابل‌توجهی در صنعت حمل‌ونقل بین‌المللی یا ترانزیت کالا داشته باشد.

شاید از این پس، صنعت حمل‌ونقل کشور به اهمیت حمل‌ونقل ریلی با مزیت ریسک‌پذیری پایین، پی ببرد و بیشتر در راستای تعالی و پیشرفت صنعت حمل‌ونقل ریلی تلاش شود.

صمت در این گزارش ظرفیت‌های حمل‌ونقل ریلی در کشور را از نگاه کارشناسان بررسی کرده است.

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir



عکس: آیدا فریدی

فرصت بزرگ به‌واسطه موقعیت خاص

حمل‌ونقل و ترانزیت یکی از اشتغالزاترین فعالیت‌های اقتصادی است و هم‌اکنون میلیون‌ها نفر از این طریق درآمدزایی می‌کنند. استفاده نکردن از این فرصت بزرگ که به‌واسطه موقعیت خاص جغرافیایی برای ما مهیا شده، موجب از دست دادن فرصت‌های مناسب توسعه اقتصادی، عمق بخشیدن به روابط بین‌المللی و ایجاد صدها هزار شغل مناسب شده است.

یکی از گزینه‌های مهم برای رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی، کسب درآمد از ترانزیت کالا و مسافر است. باتوجه به موقعیت جغرافیایی کشور که در مسیر کریدورهای ترانزیتی شمال ـ جنوب واقع شده است، اگر زیرساخت‌ها، ظرفیت‌ها و قوانین خود را برای جذب این سرمایه عظیم مهیا نسازد، جریان کالا و مسافر از طریق دیگری راه خود را یافته است و فرصت‌ها از دست می‌رود.

کشور ما در حال حاضر و با امکانات موجود ظرفیت ۲۰ میلیون تن کالای ترانزیتی را دارد که متاسفانه حدود نیمی از این ظرفیت خالی است و سالانه کمتر از ۵۰ درصد آن یعنی حدود ۱۰ میلیون تن کالا از طریق کشور ما ترانزیت انجام می‌شود. کمبود خطوط ریلی در مسیرهای ترانزیتی یکی دیگر از مشکلات ترانزیت کالا است.

یکی از شاخص‌های حمل‌ونقل و ترانزیت کالا با قطار، جابه‌جایی حجم بسیار زیاد بار و مسافر در مدت‌زمان کوتاه و با صرف هزینه کم است که این از خصوصیات استفاده از قطار و خط راه‌آهن است. متاسفانه بی‌توجهی‌ها به توسعه شبکه ریلی کشور، موجب شده تا همواره کشور ما از کمبود خطوط ریلی رنج ببرد و سالانه متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیری در حمل‌ونقل جاده‌ای و سوخت شود که باید با برنامه‌ریزی و توجه مسئولان این معضل که گریبانگیر کشور شده است، برطرف شود.

تاریخچه حمل‌ونقل ریلی در ایران و جهان

جرج استیونسن را که یک مهندس انگلیسی بود، می‌توان مخترع راه‌آهن دانست. البته پیش از او افراد دیگری نیز تلاش‌هایی برای احداث راه‌آهن کرده بودند، اما جرج استیونسن ۱۵ سال روی اختراع راه‌آهن وقت گذاشت. زمانی جرقه این فکر در ذهنش زده شد که سعی داشت راه‌حلی برای بیرون آوردن محموله‌های زغال‌سنگ از درون معادن بیابد.

افتتاح نخستین راه‌آهن زیرزمینی دنیا را در سال ۱۸۶۳ میلادی در لندن ثبت کرده‌اند. همچنین، نخستین راه‌آهن متحرک دنیا نیز در شهر نیویورک و در سال ۱۸۶۸ میلادی شروع به کار کرده است.

حمل‌ونقل ریلی در ایران تاریخ پر فرازونشیبی را طی کرده است. مسیرهای متعددی توسط پیمانکاران خارجی ریل‌گذاری شده که بسیاری از آنها به‌دلیل نبود بودجه یا کارشکنی به پایان نرسیده و برخی نیز به دلایل سیاسی و مناقشات جنگ‌های جهانی، از چرخه خدمت‌رسانی خارج شده‌اند. از جمله این مسیرها می‌توان به راه‌آهن جلفا ـ تبریز، بوشهر ـ برازجان، میرجاوه ـ زاهدان، رشت ـ بندر انزلی و محمودآباد ـ آمل اشاره کرد.

پس از تصویب لایحه احداث راه‌آهن در سال ۱۳۰۵، سرانجام در ۲۳ مهر سال ۱۳۰۶ شمسی، پروژه احداث راه‌آهن سراسری ایران به‌دست رضاشاه کلنگ خورد. این مسیر یک خط‌آهن سراسری بود و از شمال‌شرقی به جنوب‌غربی ایران می‌رسید.

یک شرکت امریکایی هم به‌عنوان پیمانکار راه‌اندازی خطوط ریلی راه‌آهن ایران انتخاب شده بود. در سال ۱۳۱۷ و پس از ۱۱ سال، سرانجام راه‌آهن سراسری ایران که از بندر گز در جنوب دریای خزر آغاز و به بندر امام‌خمینی در سواحل خلیج‌فارس می‌رسید، افتتاح شد.

راه‌آهن سراسری ایران به‌عنوان طولانی‌ترین خط ریلی جهان در فهرست یونسکو ثبت شده و لقب راه‌آهن شمال ـ جنوب ایران را به خود اختصاص داده و پل ورسک نیز به‌عنوان نماد راه‌آهن سراسری ایران محسوب می‌شود که آن هم ثبت ملی و جهانی شده است.

نیاز شبکه ریلی به مشارکت بخش خصوصی



سعید قصابیان، کارشناس حوزه حمل‌ونقل در رابطه با ضرورت توسعه و رشد ظرفیت‌های ریلی کشور به **صمت** گفت: حمل‌ونقل ریلی سال‌هاست که با مشکلات بسیاری همراه بوده و وقت آن است که بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی به توسعه و رشد این صنعت کمک شود. قصابیان افزود: در حال حاضر به‌علت گستردگی این بخش و نیاز روزافزون بخش‌های مختلف اقتصاد به این صنعت، بخش خصوصی باید با سرمایه‌گذاری و بروزرسانی شبکه ریلی در این راستا گام بردارد.

این کارشناس حوزه حمل‌ونقل بااشاره به برقراری توازن در بازار و حفظ فعالان بخش خصوصی گفت: قانون‌گذاری‌ها در حوزه حمل‌ونقل باید توسط نهادی اعمال شود که بازیگر اصلی این بازار نیست. به این نحو که بدون لحاظ منفعت خاصی سیاست‌گذاری‌ها تدوین و اعمال شوند. این در حالی است که در شرایط فعلی، نهاد مستقلی که بتواند بین عناصر دولتی و غیردولتی تنظیم‌گری کند، وجود ندارد.

▣ بهره‌وری پایین حمل‌ونقل ریلی

قصابیان بااشاره به بزرگ‌ترین معضل در کاهش بهره‌وری حمل‌ونقل ریلی گفت: وظیفه و ماموریت ترسیم‌شده برای شرکت راه‌آهن باتوجه به مبحث خصوصی‌سازی، تسهیل حمل‌ونقل بار و مسافر است؛ به‌صورتی‌که راه‌آهن باید نقش داور و رگولاتور را برعهده بگیرد و حمل‌ونقل بار و مسافر را مدیریت کند. با این حال، باید گفت چه زمانی که راه‌آهن خودش متولی بود و چه اکنون که شرکت‌هایی دیگر به میدان آمده‌اند، بزرگ‌ترین معضل ما بهره‌وری پایین حمل‌ونقل ریلی است.

این کارشناس افزود: برای حل این مشکل، باید در زمینه‌های اقتصادی، حقوقی، فنی، ایمنی و زیست‌محیطی، قانون‌گذاری‌های مرتبط صورت بگیرد. از طرف دیگر، قانون‌گذار باید برحسب شرایط، نسبت به اصلاح، تدوین و اجرای قوانین جدید اقدام کند، چراکه بروزرسانی قوانین براساس شرایط روز از اهمیت زیادی برخوردار است. در این رابطه، دولت باید بر تعامل بازیگران بازار نظارت و از دخالت در امور داخلی شرکت‌های خصوصی خودداری کند.

وی در پایان گفت: اگر شرکت راه‌آهن از حوزه نقل و انتقال بار و مسافر کنار بکشد و در این بازار ذی‌نفع نباشد و میدان را برای رقابت بین بازیگران غیردولتی خالی کند، صلاحیت این را خواهد داشت که بر کرسی تنظیم‌گری بازار حمل‌ونقل ریلی بنشیند و ناظر و داور رقابت بین ذی‌نفعان غیردولتی باشد. از این‌رو دولت می‌تواند نماینده دیگری در نقش تنظیم‌گری داشته باشد. وی افزود: دولت به‌جای دخالت در بازار، می‌تواند در نقش تسهیل‌گری امور به رشد بخش‌های مختلف کمک کند.

ضرورت تغییر مدل بهره‌برداری از شبکه ریلی



محمدجواد شاهجویی، کارشناس حمل‌ونقل با تاکید بر استفاده از ظرفیت‌های حمل‌ونقل ریل به **صمت** گفت: در اقتصاد هر کشور شبکه ریلی از اهمیت زیادی برخوردار است، اما متاسفانه از این ظرفیت در کشور ما، آن‌طور که باید استفاده نشده است. غفلت از ظرفیت‌های ریلی به سالیان قبل مربوط می‌شود و شبکه ریلی غیربهینه و سنتی است. اکنون باتوجه به افزایش جمعیت و گستردگی موضوع حمل‌ونقل و همچنین موقعیت جغرافیایی کشور باید اصلاح سیاست‌های استفاده از شبکه ریلی در دستور کار قرار گیرد تا این بخش قادر به تامین نیاز بخش‌های مختلف باشد.

▣ ضرورت همکاری دولت با بخش خصوصی

شاهجویی خودکفایی در توسعه شبکه ریلی را قابل‌قبول دانست و خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی باتوجه به زیرساخت‌های موجود، مشکلی از بابت تولید ریل وجود ندارد. ایران جزو کشورهایی است که در تولید ریل مستقل است.

وی افزود: در ۳ دهه گذشته مسئولان به‌دنبال ساماندهی وضعیت حمل‌ونقل ریلی در کشور بودند تا با ساخت خطوط ریلی بیشتر شبکه حمل‌ونقل ریلی کشور را توسعه دهند، اما مشکل از جایی شروع شد که همیشه دولت مجری ساخت و توسعه شبکه ریلی در کشور بوده و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این بخش جایی نداشته است. اکنون که ضرورت توسعه این صنعت بیشتر از همیشه خودنمایی می‌کند، باید زمینه سرمایه‌گذاری و همکاری‌ها به‌طورگسترده‌ای فراهم شود.

▣ ضعف مدیریت در توسعه شبکه ریلی

شاهجویی اذعان کرد: کمابیش باید پذیرفت که تحریم‌ها تاثیر زیادی بر توسعه خطوط ریلی کشور ندارند. اکنون بیشتر منابع و دانش اجرایی برای توسعه و بهره‌برداری از حمل‌ونقل ریلی در کشور بومی‌سازی شده است و نیازی برای واردات زیرساخت و تجهیزات صنعتی احساس نمی‌شود، اما نکته چالش‌برانگیز در این حوزه به بحث ضعف مدیریت و نوع بهره‌برداری از شبکه ریلی برمی‌گردد که اجازه نمی‌دهد از ظرفیت‌های موجود استفاده مناسب‌تری کنیم.

وی در ادامه افزود: از سال‌های گذشته بارها اعلام‌شده که حمل‌ونقل ریلی یکی از اولویت‌های مهم و اساسی در کشور بوده، اما برای تحقق این مهم آن‌طور که باید هدف‌گذاری نشده است، به همین خاطر در مقایسه با کشورهای دیگر، میزان بهره‌برداری ما از شبکه ریلی در رده‌های پایین‌تری قرار دارد. حتی بهره‌برداری درستی از همین ظرفیت‌های موجود نیز نمی‌شود.

▣ استفاده از توان عملیاتی بخش‌های مختلف

شاهجویی به **صمت** توضیح داد: آن چیزی که برای توسعه شبکه ریلی اهمیت دارد، این است که همکاری بخش خصوصی و غیردولتی در این صنعت افزایش پیدا کند و از ظرفیت‌های دیگر استفاده شود. همچنین، اگر تصدی و مدیریت بخش‌های مختلف شبکه ریلی به بخش خصوصی واگذار شود، شبکه ریلی از حالت سنتی خارج و پویاتر می‌شود.

وی در پایان گفت: بهترین اقدامی که می‌تواند انجام گیرد، تغییر مدل بهره‌برداری از شبکه ریلی است که در نهایت به اصلاح ساختار حکمرانی این صنعت، ورود سرمایه‌گذاری‌های غیردولتی به آن و استفاده از توان فنی و عملیاتی بخش‌های غیردولتی در بهره‌برداری از شبکه ریلی می‌انجامد. به بیان دیگر، این اقدام مهم‌ترین راهکاری است که می‌تواند علاوه بر جلوگیری از افت بیش از پیش عملکرد شبکه ریلی کشور، منجر به رونق آن و اشتغالزایی در این حوزه شود.

سخن پایانی

توسعه شبکه جامع و کارآمد حمل‌ونقل ریلی از موثرترین عوامل زمینه‌ساز ارتقای سطح اقتصادی و رفاهی مناطق و در نتیجه بهبود مشکلات امنیتی آنها خواهد بود. همچنین، هنگامی که شبکه ریلی تامین‌کننده منافع سایر کشورهای منطقه و نیز در راستای همکاری‌های مشترک اقتصادی و سیاسی آنها باشد، خودبه‌خود به عاملی مهم در راستای امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی و سایر مسائل مرتبط با آن تبدیل خواهد شد.

کارشناسان بخش ریلی کشور اعتقاد دارند که در میان بخش‌های مختلف حمل‌ونقل، راه‌آهن به‌سبب مزایای خاص از جمله قابلیت حمل انبوه بار و مسافر، ایمنی بسیار بالا و مصرف اندک سوخت، نقش ویژه‌ای در ترابری هر کشور دارد، به‌طوری‌که حجم ترافیک در بسیاری از محورهای برون‌شهری و حومه‌ای در کشور بالا و شاخص مصرف انرژی در بخش حمل‌ونقل ریلی فوق‌انتظار است.

از ۸۰ سال پیش که سوت نخستین قطار در کشور ما شنیده شد، صنعت ریلی تفاوت‌های زیادی کرده است. در حال حاضر راه‌آهن از شهرهای زیادی می‌گذرد، هرچند شهرهای بسیاری نیز از این نعمت بی‌نصیب هستند. طبق نیاز کشور و براساس پیش‌بینی‌های برنامه‌های توسعه‌ای، باید طول خطوط ریلی کشور به ۲۵ هزار کیلومتر برسد، چراکه تمامی کشورهای دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که ایمنی راه‌آهن ۲۰ برابر بیشتر از حمل‌ونقل جاده‌ای است.

تمامی کشورهای دنیا با این نتیجه‌گیری، خطوط ریلی خود را توسعه داده‌اند، چراکه توسعه و رفاه ملی را به‌همراه دارد. ازهمین‌رو، حمل‌ونقل ریلی باید به‌صورت مضاعف توسعه داده شود. بر همین اساس، ضروری است، سهم حمل‌ونقل ریلی کشور ما در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه افزایش یابد، چراکه نرفتن به‌سمت حمل‌ونقل ریلی، باعث می‌شود که مصرف سوخت در سایر بخش‌های حمل‌ونقل ۱۰ هزار میلیارد تومان بر تولید ناخالص داخلی تاثیر منفی بگذارد.

هم‌اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که باید ظرفیت‌سازی گسترده برای پاسخگویی به حجم بالای تقاضاها صورت گیرد، این در حالی است که در شرایط فعلی سهم بخش ریلی نیازمند اختصاص منابع قابل‌توجهی از سوی دولت است تا بتواند بیشترین حجم جابه‌جایی بار و مسافر را از آن خود کند.

> حمل‌ونقل ریلی صنعتی است که اکنون با نوسانات بسیار همراه است؛ از این‌رو باید بدون هیچ‌گونه غرض‌ورزی به توسعه و رشد این صنعت کمک شود

> بی‌توجهی به توسعه شبکه ریلی، موجب شده اقتصاد از کمبود خطوط ریلی رنج ببرد و سالانه متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیری در حمل‌ونقل جاده‌ای و سوخت شود

یادداشت



تحقق ایمنی جاده‌ای، نیازمند نظام ساختارمند

مرتضی مردای‌پور
کارشناس راه و ترافیک

در نیم قرن اخیر، گسترش زندگی ماشینی و افزایش روزافزون ترافیک در جاده‌ها، در مقابل فواید اقتصادی و رفاهی گسترش ارتباطات و سرعت جابه‌جایی کالا و مسافر، به‌سرعت بر تعداد و شدت تصادفات رانندگی افزوده؛ از این‌رو بحث تصادفات و ضایعات مالی و جانی ناشی از آن، به یکی از چالش‌های جوامع بشری تبدیل شده، به‌گونه‌ای که طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، در سال‌های اخیر، تصادفات رانندگی به‌عنوان نهمین عامل مرگ‌ومیر در جهان شناخته شده است. متاسفانه ایران نیز از جمله کشورهایی است که بیشترین موارد مرگ‌ومیر و مصدومیت‌های ناشی از تصادفات را دارد که این وضعیت در مقایسه با دیگر کشورهای جهان بسیار نگران‌کننده است.

مطالعات و بررسی‌های اخیر بانک جهانی به‌طوررسمی وضعیت ایمنی ترافیک در ایران را بحرانی دانسته است. در تمام تصادفاتی که در راه‌ها و جاده‌ها به‌وقوع می‌پیوندد، ۳ مورد راه، وسیله‌نقلیه و عامل انسانی نقش عمده دارند. اما به‌نظر بسیاری از کارشناسان، رانندگان به‌عنوان عامل انسانی، مهم‌ترین ضلع این مثلث ایمنی هستند.

برای رسیدن به حمل‌ونقل ایمن، عوامل زیادی باید دست به‌دست هم بدهند. در حوزه راه، ایمن‌سازی جاده و ارتقای سیستم‌های نظارتی باید در دستور کار جدی قرار بگیرند.

خودرو ایمن نیز یکی دیگر از ملزومات کاهش تصادفات است و در ضلع سوم این مثلث ایمنی عامل انسانی قرار می‌گیرد. هر کدام از این ۳ مورد که ایمنی کمتری داشته باشد، باعث بروز حوادث جاده‌ای خواهد شد و گاهی اوقات هم ترکیبی از این موارد باعث وقوع حوادث جاده و ترافیکی می‌شود.

به علاوه اینکه، در بحث تامین ایمنی جاده‌ها، علاوه بر استاندارد بودن راه‌ها، محدودکننده‌ها و تابلوهای راهنمایی و رانندگی جاده‌ای هم نقش بسیار مهمی دارند.

از سوی دیگر، کیفیت پایین خودروهای داخلی، وضعیت آسفالت جاده‌ها و وضعیت نامساعد راه‌های مواصلاتی از جمله عوامل موثر در بالا بودن آمار تصادفات جاده‌ای است. از این‌رو ارتقای فرهنگ رانندگی، خودروسازی، راهسازی، کنترل و نظارت ترددهای جاده‌ای و امدادرسانی باید در کنار هم انجام گیرند تا فرهنگ ایمنی حمل‌ونقل محقق شود.

براساس آمار، کیفیت پایین خودروهای داخلی و وضعیت نامساعد راه‌های مواصلاتی از عوامل موثر در بالا بودن آمار جانباختگان در تصادفات جاده‌ای است. متاسفانه خودروهای تولید داخل نیز از کیفیت و استاندارد لازم برخوردار نیستند و بارها از تریبون‌های مختلف به این موضوع اشاره شده است.

بحث بعدی، وضعیت جاده‌های مواصلاتی است. جاده‌هایی که در گذشته در استان‌های کم‌برخوردار ساخته شده‌اند و به‌عنوان راه‌های فرعی مورد استفاده بودند، امروز در حال تبدیل شدن به راه اصلی هستند. دولت باید برای استانداردسازی راه‌ها، پیوسته تلاش ویژه‌ای داشته باشد.

اگر خسارتی را که سالانه بیمه‌ها بابت تصادفات جاده‌ای پرداخت می‌کنند، محاسبه کنیم، گاهی بیشتر از آن چیزی است که ما در طول چند سال برای ساخت جاده‌ها و راه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنیم.

یک‌سری از استانداردها نیز به‌صورت کلی است که باید در هر راه و مسیری که محور مواصلاتی وجود دارد، رعایت شود. در واقع، هر راهی براساس ویژگی‌های خاص خود، تعریف خاصی دارد.

علاوه بر آن، هر جاده‌ای متناسب با محلی که در آن ساخته می‌شود، باید یک‌سری ویژگی‌ها و استانداردهای مربوطه را داشته باشد. این ویژگی‌ها شامل روشنایی مناسب، وجود استراحتگاه‌ها، وجود پارکینگ‌های مناسب، آسفالت مرغوب، تجهیزات هوشمند نظارت و... هستند.

در نهایت، تامین مثلث ایمنی جاده‌ای، نیازمند توجه جدی دولت در شناسایی نقاط حادثه‌خیز و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات این مناطق است.

براساس آمار، بیشترین تلفات در تصادفات جاده‌ای مربوط به استان سیستان‌وبلوچستان است؛ بنابراین، توجه ویژه به وضعیت راه‌های مواصلاتی استان سیستان‌وبلوچستان و سایر استان‌های کم‌برخوردار و پرتردد از ضرورت‌هایی است که باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد.

براساس پژوهش‌های انجام‌گرفته، در صورت رفع مشکلات نقاط حادثه‌خیزی که در یک دوره سه‌ساله شناسایی می‌شوند، ۲۰ درصد تلفات جاده‌ای کاهش خواهد یافت.

در نگاهی کلان‌تر، برای عبور از شرایط فعلی، نیاز به یک نظام ساختارمند داریم؛ نظامی که عالی‌ترین سطح اجرایی کشور در رأس آن قرار بگیرد و همه سازمان‌های مسئول از جمله صنعت خودروسازی، سازمان راهداری، پلیس راهور، نهادهای قانون‌گذار و... خود را نسبت به آن پاسخگو بدانند. اما تا رسیدن به این ساختار چاره‌ای نداریم، جز اینکه از عامل انسانی بخواهیم با حوصله و تمرکز بیشتر، استراحت کافی و برنامه‌ریزی درست و اصولی، جور سهم نهادها و سازمان‌های دیگر در ایمنی را هم بکشد تا جان خود و خانواده‌اش را حفظ کند.

یادداشت

مصرف بهینه برق فرهنگ‌سازی شود



ولی‌الله اسدیان
کارشناس انرژی

برق یک صنعت جهانی است و ما مستقل از دنیا نیستیم. امروزه برخی موسسات پژوهشی با بررسی وضعیت کنونی و پیش‌بینی آینده، نقشه‌راهی را برای ۲۰ سال آینده برق دنیا ترسیم کرده و به بررسی ابعاد مختلف توسعه این صنعت پرداخته‌اند؛ بنابراین این مسئله، تنها تولید برق نیست و مسائلی مانند محیط‌زیست، اقتصاد، توزیع، انتقال و... هم باید در چشم‌اندازها موردتوجه قرار بگیرند.

در حال حاضر، نوسازی صنعت برق، به‌طورجدی نیاز به تزریق نقدینگی قابل‌توجهی به این صنعت حیاتی دارد، البته سیاست‌گذاری و مولدسازی اقتصادی شبکه برق می‌تواند به این مسئله کمک شایانی داشته باشد، چراکه ظرفیت‌های قابل‌توجهی در قوانین مختلف جاری کشور وجود دارد.

شبکه انتقال و توزیع در کشور ما ظرفیت لازم برای پذیرش افزایش ظرفیت تولید و رفع ناترازی را ندارد و کاستی‌های این حوزه، پشت ناترازی برق پنهان شده است و مدیریت در سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه در صنعت برق ضعف‌های اساسی دارد که آثار درازمدت نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت.

در حال حاضر، عملکرد بخش‌های تولیدی در حوزه برق به‌گونه‌ای است که تمام نیروها با وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی مشغول فعالیت هستند تا ناترازی پیش نیاید. امید است تا با عزم جدی دولت سیزدهم، موانع یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شوند. سال گذشته، بدون اینکه وقفه خاصی در تولید، انتقال و توزیع انرژی وجود داشته باشد، از پیک تابستان آن‌هم بدون هیچ مشکلی عبور کردیم و امید است تا پایان تابستان امسال نیز این اتفاق رخ دهد و ناترازی‌هایی که در بخش انرژی وجود دارد، برطرف شود و کار به قطعی برق و آب شرب نرسد.

تلاش‌های زیادی برای حل مشکل برق در کشور در حال انجام شدن بوده و باوجود تمام معضلاتی که وجود دارد، تا به حال روند رو به رشدی را طی کرده است. همچنین، در بحث احداث نیروگاه‌های جدید و انتقال برق مصرفی به نقاط مختلف کشور تا حد زیادی به خودکفایی رسیده‌ایم و در بخش انتقال برق با بومی‌سازی، بسیاری از هزینه‌ها کاهش پیدا کرده و سرعت عملیاتی پروژه‌ها روند قابل‌قبولی را پیموده است.

ضرورت دارد در کنار تلاش بخش‌های مختلف درباره تولید و توزیع برق، برای کاهش روزافزون مصرف انرژی در بخش‌های خانگی و صنعتی اقدامات موثری رخ دهد تا با افزایش همکاری‌ها، سرمایه‌های ملی حفظ و مشکلاتی که هرساله پیش می‌آید، ریشه‌کن شود. اکنون تلاش‌هایی که در زمینه فرهنگ‌سازی مصرف برق انجام گرفته، نتوانسته است آن‌طور که باید موفق ظاهر شود، چراکه هرساله با شروع فصل تابستان بسیاری از مصرف‌کنندگان باعث هدررفت انرژی می‌شوند و در ساعات پیک مصرف بدون توجه به ظرفیت‌های تولید برق اقدام به مصرف بیش‌ازحد برق می‌کنند. از طرفی، تجهیزات سرمایشی غیراستاندارد بدون توجه به میزان مصرف برق در بازار وجود دارد و نظارتی بر این موضوع انجام نمی‌گیرد. دولت باید در کنار تلاش‌های خود استفاده از ظرفیت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر را بالا ببرد تا در فصل‌های گرم سال به کمک نیروگاه‌ها بیاید. با این اقدام فشاری که بر دوش وزارت نیرو است، کاهش می‌یابد و منابع آبی ما نیز به‌سرعت مصرف نمی‌شود.

مشکل برق قابل‌حل است و یکی از این اقدامات می‌تواند تسریع در ساخت و بهره‌برداری از نیروگاه‌های جدید باشد. به‌علاوه اینکه، به‌گفته بسیاری از کارشناسان، مشکل کمبود برق بیشتر مربوط به تولیدات برقابی می‌شود، چراکه در حال حاضر ذخیره آبی سدها کاهش یافته و کمبود آب در سدها تبدیل به مشکل جدی شده است. این در حالی است که قسمت زیادی از برق کشور از محل نیروگاه‌های برقابی تامین می‌شود و خشکسالی‌های اخیر مشکلات زیادی را در ناترازی‌های برق به‌وجود آورده است. چنانچه براساس آخرین آمار نیز، حجم آب موجود در سدهای کشور که تا ۱۰ تیر ۳۰ میلیارد و ۱۱۰ میلیون مترمکعب بود، در آخرین روز تیر به ۲۷ میلیارد و ۸۸۰ میلیون مترمکعب کاهش یافت. گزارش تازه مرکز اطلاعات و داده‌های آب کشور نشان می‌دهد که درصد پرشدگی سدها نیز که ۱۰ تیر ۶۱ درصد بوده، در روز ۳۱ تیر به ۵۷ درصد کاهش یافته است. درعین‌حال، حجم آب موجود در سدهای کشور نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته که ۲۳ میلیارد و ۲۹ میلیون مترمکعب بوده است، رشد ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد که ما در کشور از تمام ظرفیت نیروگاه‌ها استفاده نکردیم و در این بخش فرصت‌سوزی‌های بی‌شماری انجام گرفته است. در حال حاضر، در کشورهای همسایه، تاسیس نیروگاه‌های خورشیدی و حرارتی در دستور کار قرار گرفته و در این راستا، موفقیت‌های زیادی نیز حاصل شده است، اما در کشور ما به این بخش توجه نشد و برنامه جایگزین در دستور کار قرار گرفت، بنابراین ضرورت دارد، وزارت نیرو با بکارگیری توان تخصصی و ظرفیت‌های موجود در راستای توسعه انرژی تجدیدپذیر قدم بردارد و ناترازی‌های برق را برطرف کند.

محمد انوشه‌ئی
editor@smtnews.ir

در بررسی صمت از عملکرد دولت در تامین برق پایدار صنایع نمایان شد

چرخه معیوب سیاست‌گذاری انرژی

صنعت کشور بخش زیادی از بار تامین نیازهای ضروری مردم و اشتغال را بر دوش می‌کشد و هم‌اکنون نیز ۴۰ درصد از اشتغال کشور مربوط به حوزه صنعت است. با اینکه سهم صنعت از حوزه اشتغال پایدار قابل‌توجه است، اما سهم مناسبی از منابع انرژی در اختیار ندارد. تامین انرژی برای صنایع همواره یکی از چالش‌های مهم بوده، به‌طوری‌که در برخی مناطق، تامین انرژی به‌دلیل نوسان در تولید و توزیع برق، ناپایدار بوده که ممکن است باعث اختلال در فرآیندهای تولیدی صنایع شود. کشور ما باوجود قابلیت بالا در تولید انرژی، به‌دلیل مشکلات ناشی از قدیمی بودن تجهیزات و عدم‌سرمایه‌گذاری کافی در بخش انرژی، هنوز نتوانسته است که تمام نیازهای خود را از طریق تولید داخلی تامین کند. از طرفی، هزینه‌های تولید انرژی در ایران به‌دلیل مشکلات مربوط به عدم‌بهره‌وری بهینه بالا است و باعث افزایش هزینه‌های تولید صنایع می‌شود. همچنین، صنایع در ایران در برخی موارد به‌دلیل بی‌توجهی به مدیریت مصرف انرژی، با مصرف بیش از حد انرژی مواجهند که ممکن است باعث افزایش هزینه‌های تولید شود. به‌گفته فعالان اقتصادی، باید برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، سرمایه‌گذاری لازم برای نوسازی و بهسازی ماشین‌آلات و تجهیزات خط تولید، اصلاح خطوط انتقال و توزیع انرژی در بخش صنعتی، انجام گیرد. همچنین، استفاده از فناوری‌های پیشرفته و مدیریت مصرف بهینه انرژی نیز می‌تواند بهبود قابل‌توجهی در این زمینه داشته باشد.

صمت در این گزارش سیاست‌های کلی درباره تامین برق پایدار انرژی را از نگاه کارشناسان بررسی کرده است.



عکس: صمت

تقدم تامین برق مشترکان خانگی بر بخش صنعت

در مواجهه با بحران ناترازی برق کشور، دولت سیزدهم سیاست‌هایی مانند اصلاح تعرفه‌های قیمتی مشترکان و سهمیه‌بندی برق واحدهای صنعتی بزرگ را به کار گرفته است. این سیاست‌ها باعث شده‌اند که خاموشی در بخش خانگی به صفر برسد و در رسانه‌های کشور به‌عنوان یک دستاورد بزرگ دولت مطرح شود. این موضوع از آن‌رو می‌تواند وجه مثبتی داشته باشد که فشار کمبود برق را از عرصه افکار عمومی خارج کرده، اما این اقدام نواقصی نیز دارد که غیرقابل‌چشم‌پوشی است. به این ترتیب که سیاست تقدم تامین برق مشترکان بخش خرد و خانگی بر بخش بزرگ و صنعتی، به‌دلیل آسان بودن اجرای آن، در نظر گرفته شده است. با این حال، این سیاست آثار اختلالی در تولید بخش مولد اقتصادی دارد که می‌تواند آثار مخربی بر چرخه اقتصادی داشته باشد. این مسئله البته بدیهی به نظر می‌رسد، اما وزارت نیرو با کاهش بخشی از داده‌ها و برجسته کردن بخشی دیگر، از ارائه سیگنال درستی به جامعه و سیاست‌گذاران، خودداری و چرخه معیوب سیاست‌گذاری انرژی را تشدید می‌کند. البته در کنار ایراداتی که بر عملکرد وزارت نیرو در تامین برق صنایع گرفته می‌شود، اقدامات زیادی در راستای حل مشکل کمبود برق نظیر: افزایش تولید برق از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولید، افزایش بهره‌وری در بخش تولید و توزیع برق، تشویق به استفاده از منابع تجدیدپذیر، توسعه شبکه‌های هوشمند و مدیریت بهینه مصرف انرژی در نظر گرفته است. همچنین، توسعه صنایع برق و تولید تجهیزات برقی داخلی نیز می‌تواند به کاهش وابستگی به واردات تجهیزات و افزایش توانایی در تولید برق کمک کند.

چالش‌های تامین برق در صنایع



حمیدرضا فرصتی، کارشناس بازار انرژی پیرامون موضوع تامین برق صنایع به صمت گفت: تامین برق پایدار برای صنایع از مشکلاتی است که بیشتر کشورهای در حال توسعه و حتی برخی کشورهای پیشرفته با آن مواجهند. مشکلات مختلفی مانند نوسانات و ناپایداری برق، عدم‌توانایی در تامین برق در ساعات پرمصرف، تغییرات در نیاز به برق در فصول مختلف سال، وابستگی به سوخت‌های فسیلی و نداشتن دسترسی به منابع برق پایدار و تجدیدپذیر، مشکلات مهمی هستند که باعث ایجاد چالش‌هایی در تامین برق برای صنایع شده‌اند.

وی افزود: یکی از اصلی‌ترین مشکلات در تامین برق مربوط به صنایع، نوسانات و ناپایداری برق است. این مشکل معمولا در کشورهایی با سیستم برق ناپایدار و قدیمی رخ می‌دهد. این نوسانات و ناپایداری برق می‌تواند زمینه‌ساز تعطیلی و خرابی ماشین‌آلات صنعتی شود و در نتیجه، اختلال در فعالیت صنعتی پدید آورد. برای حل این مشکل، شبکه برق باید به‌گونه‌ای طراحی شود که بتواند نوسانات برق را کنترل و انرژی برق را تامین کند.

این کارشناس در ادامه بیان کرد: عدم‌توانایی در تامین برق در ساعات پرمصرف چالش بزرگی است. در بسیاری از کشورها، ساعاتی که مصرف برق بیشتر است، معمولا با مشکل تامین برق مواجهند. عدم‌توانایی در تامین برق در این ساعات می‌تواند به تعطیلی صنایع و کاهش تولید و در نتیجه خسارت‌های اقتصادی منجر شود. برای حل این مشکل، باید از راهکارهایی مانند افزایش تولید برق، مدیریت بهتر تقاضا، عرضه برق و استفاده از فناوری‌های نوین مانند شبکه برق هوشمند استفاده کرد.

ضرورت استفاده از منابع تجدیدپذیر

وی تصریح کرد: تغییرات در نیاز به برق در فصول مختلف سال نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که در تامین برق برای صنایع موثر است. در فصول مختلف سال، نیاز به برق در صنایع ممکن است تغییر کند. برای مثال، در فصل‌های سرد سال نیاز به گرمایش در صنایع بیشتر و در فصل‌های گرم، نیاز به سرمایش بیشتر است. در این شرایط، تامین برق باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند به تغییرات نیازهای صنایع واکنش نشان دهد. برای حل این مشکل، باید از راهکارهایی مانند استفاده از فناوری‌های پیشرفته در تامین برق مثل شبکه برق هوشمند و استفاده از سیستم‌های تحلیل داده و هوش‌مصنوعی، استفاده کرد.

فرصتی با بیان اینکه وابستگی صنایع به سوخت‌های فسیلی یکی دیگر از مشکلاتی است که در تامین برق برای صنایع موثر است به صمت گفت: این وابستگی باعث می‌شود که تامین برق برای صنایع برای مدت طولانی تضمین نشود و ناپایدار باشد. همچنین، استفاده از سوخت‌های فسیلی باعث آلودگی هوا و تغییرات اقلیمی می‌شود. برای حل این مشکل، باید از راهکارهایی مانند استفاده از فناوری‌های پیشرفته در تولید برق، مثل توربین‌های بادی و پنل‌های خورشیدی، بهره برد.

وی در پایان گفت: دولت‌ها با ایجاد راهکارهای مناسب و توسعه بخش تولید برق از منابع تجدیدپذیر، توسعه شبکه‌های برق هوشمند، تشویق به استفاده از فناوری‌های انرژی پاک و توسعه شبکه‌های انتقال برق می‌توانند به تامین برق پایدار در صنایع کمک کنند. همچنین، باتوجه به اهمیت تامین برق پایدار در جامعه، دولت‌ها باید در تلاش باشند که سیاست‌های مناسبی را در این زمینه اجرا و به بهبود شرایط تامین برق پایدار در کشورهای خود کمک کنند.

> تامین برق پایدار برای صنایع از مشکلاتی است که بیشتر کشورهای در حال توسعه و حتی برخی کشورهای پیشرفته نیز با آن مواجهند

احداث نیروگاه‌های جدید هزینه‌بر است



حسین افضلی، کارشناس انرژی در رابطه با چالش‌های برق صنایع در کشور به صمت توضیح داد: بخشی از تلاش‌های دولت برای حل مشکل ناترازی‌های برق معطوف به طرح‌های تشویقی و تنبیهی بوده و این موضوع باعث شده است تا بسیاری از مصرف‌کنندگان در بخش‌های خانگی مصرف خود را کاهش دهند و در ازای این اقدام، پاداش دریافت کنند. مسلما با کاهش مصرف برق خرد و خانگی این فرصت برای دولت ایجاد می‌شود تا برق صنایع بیشتری را تامین کند و ناترازی را در این بخش مولد و مهم از بین ببرد. از طرفی، ضرورت دارد دولت به همین اقدام اکتفا نکند و در کنار موضوع یادشده، برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برنامه‌ریزی و در کنار افزایش توان نیروگاه‌های برق در سراسر کشور، مشکل ناترازی برق را حل کند.

این کارشناس افزود: احداث نیروگاه‌های جدید می‌تواند به بخش صنایع کشور کمک شایانی کند، اما در بیشتر کشورهای دنیا کنترل مصرف انرژی در ساعات اوج مصرف برق باعث شده است تا احداث نیروگاه‌های جدید در دستور کار قرار نگیرد؛ چراکه در واقعیت، این اقدام بسیار هزینه‌بر است و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلانی در بخش‌های مختلف دارد.

وی در ادامه گفت: احداث نیروگاه برق به ۲ صورت امکان‌پذیر است. در حالت اول، بخش خصوصی متولی احداث نیروگاه می‌شود و دولت مجبور می‌شود با هزینه بسیار بیشتر، برق خریداری کند و در حالت دوم، خود دولت برای احداث نیروگاه دست‌به‌کار می‌شود که هزینه زیادی دارد. به‌هرحال، در هر حالت، چالش‌های زیادی برای دولت به‌همراه دارد، چراکه تمام هزینه‌های اضافی بر دوش دولت و مردم می‌افتد و ممکن است دولت با کسری بودجه روبه‌رو شود.

بهره‌وری انرژی در مصرف برق

افضلی خاطرنشان کرد: تامین انرژی صنایع باید در همه بخش‌ها افزایش یابد و از سرمایه‌های ملی به بهترین نحو استفاده شود. در سال‌های گذشته، تفاهمنامه‌ها و قراردادهای موثری در بخش انرژی برق منعقد شد و اگر این همکاری‌ها در بخش‌های مختلف ادامه‌دار شود، می‌تواند اعداد و ارقام چشمگیری را در رشد تولید صنایع داشته باشد.

افضلی در رابطه با ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر برای حل مشکل ناترازی برق صنایع گفت: استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند پنل‌های خورشیدی که در بسیاری از کشورها نقش بسزایی در تولید برق دارند، بسیار موثر است و می‌تواند مشکل تامین برق صنایع را تا درصد بسیار زیادی حل و فصل کند، اما باید در نظر گرفت که استفاده از این تکنولوژی نیز به هزینه و زمان بسیار زیادی نیاز دارد و در بهترین حالت، ۱۵ سال طول می‌کشد تا پنل‌های خورشیدی در کشور برای تولید انرژی مستقر شوند.

وی در پایان به صمت گفت: در مجموع، فعالیت‌هایی که وزارت نیرو و مردم با مشارکت هم انجام دادند، باعث شده است تا فرهنگ‌سازی برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی انجام گیرد و بسیاری از افرادی که در گذشته جزو پرمصرف‌ها بودند، با تغییر الگوی مصرف به صرفه‌جویی در مصرف انرژی کمک شایانی کنند، به‌طوری‌که استفاده از لوازم‌خانگی پرمصرف در ساعات اوج مصرف تاحدودی کاهشی شده، اما تمام این موضوعات به این معنی نیست که کشور درباره صرفه‌جویی مصرف انرژی به نقطه راضی‌کننده‌ای رسیده است، چراکه هنوز مصرف برق بالا بوده و مصرف بالای برق خانگی باعث سهمیه‌بندی برق صنایع شده است.

> در بیشتر کشورهای دنیا، کنترل مصرف انرژی در ساعات اوج مصرف برق باعث شده احداث نیروگاه‌های جدید در دستور کار قرار نگیرد

سخن پایانی

چرخه معیوب سیاست‌گذاری انرژی در ایران به‌معنای بی‌توجهی به نیازهای کشور در زمینه تولید، توزیع و مصرف انرژی است. این چرخه معمولا به این صورت شکل می‌گیرد که وزارت نیرو در زمینه تولید برق و سوخت‌های فسیلی، سیاست‌هایی را اجرا می‌کند که به‌دلیل بی‌توجهی به نیازهای کشور و نقص در برنامه‌ریزی، آثار منفی بر اقتصاد و مردم کشور دارند.

در کشور ما برای تامین نیازهای برق، بیشتر از سوخت‌های فسیلی استفاده می‌شود که علاوه بر اینکه به زیان محیط‌زیست و سلامت افراد تمام می‌شود، برای کشور هزینه‌بر هستند و وابستگی کشور به واردات سوخت را افزایش می‌دهند. همچنین، بی‌توجهی به توسعه منابع تجدیدپذیر مانند انرژی باد، خورشید و آب نیز از دیگر مشکلات این چرخه معیوب است.

وزارت نیرو به‌عنوان سازمان اصلی مسئول تولید، توزیع و مصرف انرژی در کشور، باید در سیاست‌گذاری انرژی با وزارتخانه‌های دیگر همکاری کند و برنامه‌ریزی‌های مناسبی را برای تامین انرژی در کشور ارائه دهد.

در سیاست‌گذاری انرژی، وزارتخانه‌های مختلفی با همکاری و هماهنگی باید به کار بپردازند. وزارتخانه‌های موردنظر شامل وزارت نیرو، صنعت، معدن و تجارت، علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان محیط‌زیست و.... هستند.

باتوجه به اینکه انرژی یکی از مهم‌ترین مواردی است که برای توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری است، همکاری و هماهنگی بین این وزارتخانه‌ها در سیاست‌گذاری انرژی بسیار مهم است. این همکاری می‌تواند به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، حفظ محیط‌زیست، توسعه فناوری‌های جدید و بهبود وضعیت اقتصادی کشور کمک کند.

گزارش تحلیلی صمت از یک مطالعه درباره وضعیت بازار مسکن، طلا، ارز و سهام

بورس پربازده‌ترین بازار در دهه ۹۰ شد

امیرعباس آذرم‌وند
editor@smtnews.ir



یک تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد که بر اثر وضعیت خاص کشور پس از سال ۸۰، در میان بازار ارز، طلا، مسکن و سرمایه، بازار سرمایه و طلا، سیالیت نقدینگی بیشتری را حس می‌کند و اثر بازده بازار ارز در سایر بازارها مثبت برآورد شده است. همچنین جزئیات نشان می‌دهند که بازار مسکن و سرمایه بر هم اثرگذار هستند. اثر بازده طلا در سایر بازارها مثبت و بازده مسکن در بازار سرمایه و طلا اثر منفی دارد. ضمن اینکه، افزایش سیالیت نقدینگی و تغییرپذیری آن موجب بروز تکانه منفی در بازده بازار سرمایه، مسکن، ارز و طلا می‌شود.

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در بهینه‌سازی انتخاب دارایی موثر باشد، اثر سرریز بازده بازارها در یکدیگر است. سرریز بازده بیانگر انتقال تکانه‌ها به سایر بازارها است. درک نحوه ارتباط میان بازده و نوسانات بازارها می‌تواند در کاهش ریسک سیستماتیک و تخصیص بهینه دارایی، سودمند باشد.

به‌گزارش صمت و به نقل از گزارشی به قلم فرهاد رمضان، دکترای علوم اقتصادی دانشگاه تهران، سازکار سرایت بازده دارایی‌های مختلف مهم است، زیرا سازکار سرایت و اطلاعاتی درباره کارآیی بازار را به‌دست می‌دهند. سرایت میان‌بازده دارایی‌ها می‌تواند وجود یک راهبرد عملیاتی سودآور را نشان دهد که در صورت بالا رفتن میزان سود این راهبرد معاملاتی از هزینه‌های عملیاتی آن، شواهدی از عدم‌کارآیی بازار را نشان دهند.

همچنین سازکارهای سرایت در مدیریت سبد دارایی مهم است، چون داشتن اطلاعات از تاثیر سرایت بازده‌ها در انتخاب دارایی، در کاهش ریسک اثر شگرفی دارد. علاوه بر این، در پیش‌بینی نوسانات می‌توان از اطلاعات درباره سرایت نوسان بازده دارایی‌ها استفاده کرد. در ۲ دهه گذشته، اقتصاد ایران شاهد نوسان شدید بازدهی بازار این ۴ دارایی بوده است.

همچنین، ارتباط میان بازارها بیشتر به انتخاب سبد دارایی فعالان اقتصاد بر می‌گردد. طلا و مسکن از جمله دارایی‌هایی محسوب می‌شوند که ارتباط میان بازده قیمتی آن با دارایی سهام و ارز برای فعالان اقتصادی از منظر پوشش ریسک و تنوع‌سازی در سبد دارایی بسیار مهم است. در ۲ دهه گذشته، با ظهور بانک‌های خصوصی، رقابت میان بانک‌های خصوصی و دولتی ایجاد شد.

بانک‌ها برای افزایش سهم بازار با بهره‌گیری از سیاست‌های تشویقی با اعطای وام و پرداخت نرخ بهره رقابتی، خلق نقدینگی فزاینده‌ای را برعهده گرفتند. فعالان هم برای حفظ ارزش سرمایه خود در دوران تورم، بازده بازار دارایی‌ها را رصد و سبد سرمایه‌گذاری خود را از میان‌شان انتخاب می‌کنند. رابطه میان بازارها به‌گونه‌ای است که نوسانات با انتقال از یک بازار به بازار دیگر با اعمال تاثیرپذیری یا تاثیرگذاری، باعث جابه‌جایی نقدینگی میان بازارها می‌شوند.

با نگاهی به بازده بازارها، متوجه می‌شویم بازده بازارها در دوره‌هایی متاثر از رخدادهایی دچار نوسان می‌شوند. نوسان در یک بازار موجب می‌شود که جامعه ترکیب دارایی‌های خود را براساس بازده بازارها تغییر دهند. این مسئله، آشفتگی در بازارها را تشدید می‌کند و باعث انتقال نوسانات بین بازارها می‌شود. افزایش همگرایی و اثرگذاری بازارها بر یکدیگر، سرعت انتقال اطلاعات میان آنها را افزایش داده است. امروز هر نوسانی در یک بازار، بازارهای دیگر را متاثر می‌کند.

سیالیت نقدینگی یا نسبت حجم پول به شبه‌پول می‌تواند در دورانی که بازدهی بازارها دستخوش نوسان می‌شود، حرکت نوسان بازده بازار دارایی را نمایش دهد. از نخستین نظریه مطرح‌شده که در آن بازده دارایی در بازارهای مورد بررسی قرار گرفت، توسط مکتب شیکاگو در دهه ۶۰ میلادی با عنوان «تابع تقاضای پول» ارائه شد. این نظریه تقاضای پول را معلول درآمد نمی‌داند، بلکه تقاضای پول براساس بازده سایر دارایی‌ها را عامل اصلی می‌داند.

سابقه مطالعه درباره سیالیت نقدینگی

پیش از این نیز، مطالعات متعددی در سطح بین‌المللی در زمینه نرخ نفت خام، دلار و طلا در سال‌های مختلف انجام شده است. از جمله زرادا (۲۰۱۰) این مهم را در دستور کار خود قرار داد. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد رابطه بلندمدتی میان متغیرهای موردبحث وجود ندارد. نتایج نشان از رابطه علیت نرخ نفت خام به‌سوی نرخ طلا و از نرخ دلار به سمت نرخ طلا دارد. او با استفاده از تابع عکس‌العمل، به بررسی آثار تکانه‌های بیرونی در هر یک از بازارها پرداخت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تکانه از سمت نرخ دلار به‌سوی نرخ نفت خام مثبت، اما از سمت نرخ نفت خام بر نرخ دلار منفی است.

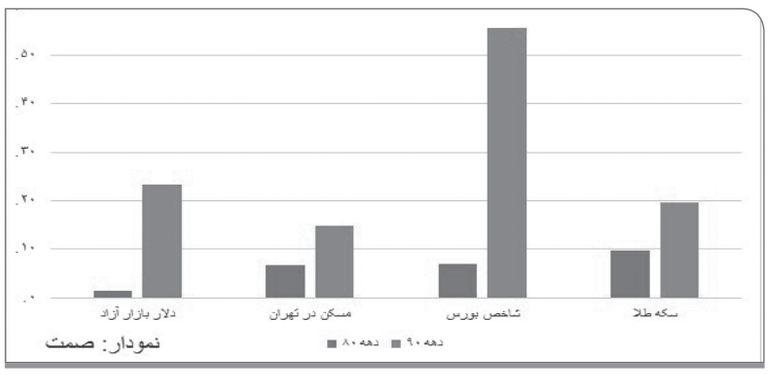
یو و لیاو (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «اثر سرریز میان بازار سرمایه، پول و ارز» اقدام به بررسی اثر این ۳ متغیر بر یکدیگر در بازه سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ در کشور چین داشت. نتایج این مطالعه هم نشان می‌دهد که اثر سرریز یک‌طرفه از بازار ارز به بازار سهام، وجود اثر دوطرفه سرریز بین بازار سرمایه و پول و همچنین بازار و پول دارد.

در ایران نیز، دهقانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به بررسی اثر سرریز بازار نفت، طلا و ارز در ایران در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۱۲ پرداخت. نتیجه بررسی او نشان می‌دهد که رابطه میان بازارهای موردبحث، به‌شدت متاثر از تلاطم در یک بازار است و اثر انتقال ریسک در بازدهی معنا می‌دهد و بخشی از جریان ارتباطی میان بازارهای جهان مفروض را توضیح می‌دهد. مطالعه جهانگیری و حکمتی (۱۳۹۳) به بررسی آثار سرریز تلاطم بازارهای سرمایه، طلا، نفت و ارز در دوره زمانی ۸۰ تا ۹۲ پرداخته است. نتایج این مطالعه هم نشان می‌دهد که در دوره بازدهی پایین بازارها، آثار سرریز بازده قابل‌توجه بین بازارهای موردبررسی وجود ندارد، اما در وضعیت بازدهی بالا، آثار سرریز قابل‌توجه میان بازارهای موردبررسی وجود دارد.

رشد چشمگیر شاخص سهام در دهه ۹۰

تا امروز مطالعات تجربی فراوانی درباره اثر سرریز بازده بازارها بر یکدیگر انجام و در این مطالعات، رفتار و روابط بازدهی دارایی‌ها از جنبه‌های مختلف بررسی شده است. تمرکز تاریخی بر ۲ دهه گذشته، یعنی از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰، سال‌های ظهور بانک‌های خصوصی و رشد فزاینده اعطای تسهیلات بانکی و پدیده رشد مطالبات غیرجاری در نظام بانکی بود که به رشد شتابان نقدینگی دامن زد.

در این ۲ دهه، نرخ بازده ۴ بازار اصلی متفاوت بوده و مشخص است که در دهه ۸۰ شمسی، طلا بیشترین بازدهی و ارز کمترین بازدهی را داشته، این در حالی است که در دهه ۹۰ ، بازار سرمایه بیشترین بازدهی و مسکن کمترین بازدهی را از آن خود کردند.



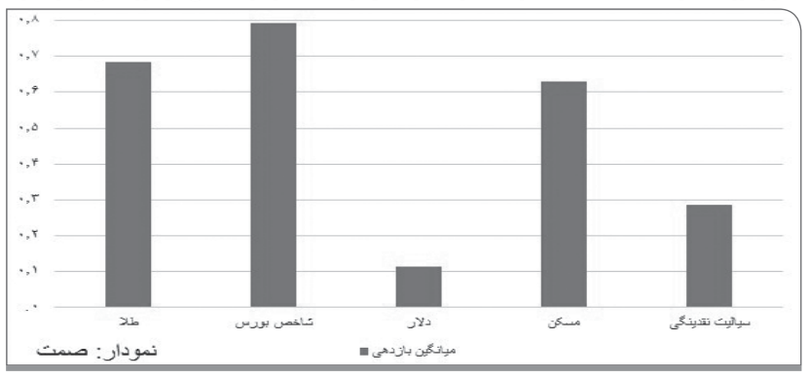
جزئیات بررسی‌شده در این گزارش نشان می‌دهند که با افزایش پول، بازار ارز دچار نوسان می‌شود و پس از افزایش پول و شبه‌پول، نوسان ارز کاهش می‌یابد. به‌عبارت ساده‌تر، با کاهش سیالیت نقدینگی، نوسان نرخ ارز کاهش و در یک روند ثابت قرار می‌گیرد. کاهش ۶۳ درصدی سیالیت نقدینگی در این ۲ دهه، از افزایش پول و شبه‌پول ناشی و این امر به کنترل نرخ مسکن در بازار کشور هم منجر شده است. نقدینگی پس از یک وقفه زمانی که به افزایش نرخ مسکن منجر شد، با افزایش شبه‌پول، با نوسان محدود نرخ مواجه شدیم.

در رابطه با سکه طلا، وضعیت به این گونه رقم خورد که با افزایش نقدینگی و سرازیر شدن پول به بازار طلا، شاهد رشد نرخ سکه طلا بودیم، اما پس از مدتی که از سیالیت نقدینگی کاسته شد، دوباره از شدت نوسانات نیز کاسته می‌شود. به این ترتیب، مشابه وضعیت دیگر بازارها را، در این بازار نیز مشاهده می‌کنیم. در گذشته این شرایط در بازار سرمایه هم حاکم بوده است.

به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد که وقتی سیالیت نقدینگی، اندک است، تغییرپذیری بازده دارایی بیشتر از حالتی است که سیالیت نقدینگی بزرگ باشد. با کاهش سیالیت، تغییرپذیری و نوسان بازارها بیشتر می‌شود. این نسبت برای بازار طلا حدود ۳.۵ و برای بازار سرمایه، مسکن و دلار به‌ترتیب ۱.۸۵، ۱.۳۶ و ۱.۳ است.

بازار سهام، رقیب بخش مسکن

همان‌طوری که در نمودارهای گزارش هم می‌توانیم مشاهده کنیم، متغیرهای تحقیق دارای توزیع عادی نیستند. حداقل و حداکثر متغیرها نشان می‌دهند که پول و شبه‌پول همواره در افزایش بوده و نقدینگی در کشور همواره روند صعودی داشته است: اما برای دیگر متغیرها این‌گونه نیست و بازده منفی در دوره‌هایی وجود دارد.



رابطه علت و معلولی یک‌طرفه میان بازده مسکن و بازار سرمایه، طلا و دلار، مسکن و سیالیت نقدینگی موردقبول هستند و در عمل هم به اثبات رسیده‌اند. این امر نشان می‌دهد که تکانه‌های مثبت سیالیت نقدینگی موجب افزایش بازده بازار مسکن، طلا و ارز می‌شود و کاهش بازده بازار سرمایه هم رخ می‌دهد. به این ترتیب، تنها واکنش بازار سرمایه به سیالیت نقدینگی منفی و دیگر شاخص‌ها مثبت بوده است.

ضمن اینکه تکانه مثبت سیالیت نقدینگی، موجب کاهش بازدهی بیشتر بازارها شده است و اثرات تکانه آن ماندگار نیست. تغییرپذیری بازده مسکن در عمل صفر و تحت‌تاثیر سیالیت نقدینگی قرار نگرفته،اما موجب کاهش معنادار در تغییرپذیری سایر بازارها شده است. همچنین، در بخشی دیگر از این مقاله تحلیلی ثابت شد که تغییرپذیری بازده بازارها به مقدار سیالیت نقدینگی است و به این اعتبار، افزایش در تغییرپذیری بازده بازارها می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، هرگاه سیالیت نقدینگی و تغییرپذیری آن به‌طورمتوسط بیشتر می‌شود، از نوسان بازده بازارها کاسته می‌شود، پس نتیجه می‌گیریم که متغیر پولی سیالیت نقدینگی نقش مهمی در تلاطم بازارها دارد.

به این ترتیب، بازار سهام همواره به‌عنوان یکی از گزینه‌های جذاب برای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود و افراد بسیار زیادی علاقه‌مند به فعالیت در این بازار هستند. نخستین سوالی که معمولا برای افراد پیش می‌آید، این است که سود سرمایه‌گذاری در بورس چقدر است و بلافاصله بازدهی آن را با سایر بازارهای موازی مقایسه می‌کنند. بازار سرمایه ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر بازارها متمایز می‌کند و به‌طورکلی، افراد با سرمایه‌گذاری کردن در بازار سهام می‌توانند از ۲ طریق سود کسب کنند:

۱- سود کردن با افزایش نرخ برگه سهام شرکت

۲-کسب سود نقدی از طریق مجامع شرکت‌های بورسی

بنابراین، سود سرمایه‌گذاری در بورس فقط به افزایش نرخ سهام شرکت خلاصه نمی‌شود و سهامداران هرساله می‌توانند با شرکت کردن در مجامع سالانه از سود تقسیمی نیز استفاده کنند.

سخن پایانی

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بازده بازار مسکن و سرمایه به یکدیگر مرتبط هستند. اثر سرریز از بازار مسکن به بازار سرمایه و اثر سرریز بازده طلا هم بر بازار ارز خواهد بود که برمبنای نتایج بررسی‌شده، اثر سرریز در کوتاه‌مدت در حدود ۳۲ درصد است. بازده بازار مسکن نیز در سیالیت نقدینگی اثر دارد و بر توازن پول و شبه‌پول در کشور نوساناتی را تحمیل می‌کند. برمبنای این مطالعه، اثر سیالیت نقدینگی در بلندمدت در بازار سرمایه و بازار طلا به‌ترتیب ۲ و یک درصد و در بازارهای دیگر کمتر از ۰.۵ درصد است. اثر سرریز بازده بازار دلار در همه متغیرها مثبت و در حدود نیم درصد برآورد شده است. اثر سرریز بازده بازار سرمایه نیز در سیالیت نقدینگی بیش از دیگر متغیرها، در حدود ۱.۸ درصد است. این اثر در بازارهای ارز و مسکن به‌ترتیب ۰.۶ و ۰.۲ درصد است. اثر سرریز بازده بازار طلا در بازار دلار در بلندمدت حدود ۳۷ درصد، در بورس ۱۲ درصد، در بازار مسکن ۸.۶ درصد و در سیالیت نقدینگی ۲.۵ درصد است. به این ترتیب، رشد بازده بازار طلا منجر به رشد بازده سایر بازارها می‌شود. به‌همین‌دلیل، افزایش سیالیت نقدینگی و تلاطم‌های آن، موجب بروز تکانه منفی به بازده بازار دارایی‌ها می‌شود. می‌توان ادعا کرد که متغیر پولی اثرگذار سیالیت نقدینگی تاثیر بزرگی در تلاطم بازده قیمتی بازار دارایی‌ها داشته است.

> سود سرمایه‌گذاری در بورس فقط به افزایش نرخ سهام شرکت خلاصه نمی‌شود و سهامداران هرساله می‌توانند با شرکت کردن در مجامع سالانه از سود تقسیمی نیز استفاده کنند

دریچه

نگاهی به بازارهای موازی در ایران

در کشورهای در حال توسعه‌ای مثل ایران، وجود بازارهای چندگانه مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را منکر شد. این بازارها می‌تواند اثرات قابل‌توجهی بر عملکرد اقتصاد کلان کشور بگذارد که شاید بتوان گفت مهم‌ترین آنها جلوگیری از خالی شدن ذخایر ارزی کشور است.

بازارهای موازی به بازارهایی گفته می‌شوند که می‌توانند بر یکدیگر اثر بگذارند و با هم رقابت کنند. در ایران، بازار بورس، زمین و مسکن، سکه و طلا، خودرو، ارز و سود سپرده‌های بانکی به‌صورت موازی با هم به رقابت می‌پردازند.

بازارهای موازی می‌توانند بر یکدیگر اثر بگذارند و با هم رقابت کنند. برای مثال، کاهش نرخ طلا می‌تواند باعث خروج سرمایه‌گذاران از این بازار و فعالیت در بازار ارز شود.

زیرا آنچه واضح است، این است که سرمایه‌گذاران همیشه به‌دنبال سود هستند و هر بازاری که این شرایط را فراهم کند، با اقبال بیشتری مواجه خواهد شد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که بازار بورس همیشه به‌عنوان یک بازار جذاب و سودآور، موردتوجه سرمایه‌گذاران بوده که هم بر بازارهای دیگر اثر گذاشته و هم از عوامل مختلفی از جمله تورم و ارز تاثیر گرفته است.

در ادامه، به چند مورد از بازارهای موازی که در اقتصاد ایران شکل گرفته‌اند و فعالیت هم دارند، اشاره خواهیم کرد و به اختصار آنها را بررسی می‌کنیم:

بازار سرمایه

سرمایه‌گذاری در بورس و بازارهای مالی در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته است. بسیاری از افراد به این نتیجه رسیده‌اند که این بازار و شناخت آن برای سرمایه‌گذاری، در راستای حفظ ارزش دارایی‌های‌شان در برابر تورم بهترین گزینه است، زیرا می‌توانند با هر میزان سرمایه در شرکت‌های بزرگ و کوچک سرمایه‌گذاری کنند و در سود آنها شریک شوند.

یکی از عواملی که بر بازدهی بازار بورس تاثیر مستقیمی می‌گذارد، بازار موازی دلار و نرخ دلار است، زیرا بسیاری از شرکت‌ها محصولات خود را براساس نرخ دلار می‌فروشند. در نتیجه، بالا رفتن نرخ دلار که یکی از دلایل آن بالا رفتن نقدینگی و تورم در جامعه است، می‌تواند بر میزان سود شرکت‌ها اثر بگذارد.

این نکته برای شرکت‌هایی مثل شرکت‌های پتروشیمی و فلزی بیشتر مشاهده می‌شود. علاوه بر این، تغییرات نرخ ارز بر ارزش دارایی‌های شرکت‌ها (مثل ماشین‌ها، واحدها و ...) تاثیر می‌گذارد که این مسئله هم عاملی دیگر در ارزش سهام شرکت‌ها در بورس است.

بازار ارز

بازار ارز یکی پرنوسان‌ترین بازارها در ایران است که نوسانات نرخ در آن به‌طورمستقیم بر انواع کالاها، خدمات، دارایی‌ها و ... موثر است و دیگر بازارها را هم دچار نوسان می‌کند.

این بازار یک بازار پرریسک است که عوامل زیادی از جمله روابط خارجی، واردات و صادرات، رشد نقدینگی و سیاسیت‌های کلی بانک مرکزی بر آن اثر می‌گذارند.

بازار خودرو

خلاف کشورهای توسعه‌یافته دنیا، خودرو هم در ایران یک سرمایه و کالای سرمایه‌ای محسوب می‌شود. شکل خرید خودرو، سفته‌بازی و نوساناتی که در نرخ آن در ایران اتفاق می‌افتد را نمی‌توان با کشورهای دارای اقتصاد سالم و پویا مقایسه کرد. بازار خودرو نیز به‌دنبال افزایش نرخ ارز گاهی با رشد نرخ مواجه می‌شود که سود خوبی را برای معامله‌کنندگان آن به‌دنبال دارد.

البته عواملی همچون محدودیت در خرید خودرو به نرخ کارخانه، هزینه‌های نگهداری و تعمیرات، هزینه‌های بیمه و عوارض و استهلاک آن باعث شده است این محصول نقدشوندگی کمتری نسبت به بازار طلا و ارز داشته باشد و اولویت نخست افراد برای سرمایه‌گذاری محسوب نشود.

بازار مسکن

بازار مسکن نیز یک بازار موازی پرطرفدار در ایران است. روند تغییرات نرخ در بازار مسکن به‌صورت دوره‌ای است، به این شکل که همراه با تورم رشد می‌کند و بعد از مدتی با رکود مواجه می‌شود.

رشد قابل‌توجه نرخ مسکن در دهه‌های اخیر باعث شده است تا این بازار گزینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری به‌ویژه سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب شود.

با این حال، باید به این نکته توجه کرد که باتوجه به نرخ مسکن و هزینه‌های بالا برای ساخت زمین و همچنین قابلیت نقدشوندگی پایین و نبود شفافیت برای خریدوفروش، این بازار نمی‌تواند موردقبول و مناسب همه سرمایه‌گذاران باشد.

بازار طلا و سکه

بازار طلا و سکه خلاف بازار مسکن و خودرو به سرمایه اولیه زیادی نیاز ندارد. این بازار بیشترین اثر را از بازار ارز می‌گیرد و نخستین حلقه از زنجیره نوسانات نرخ بعد از نوسانات نرخ ارز است. البته علاوه بر نرخ ارز، نرخ جهانی طلا هم بر نرخ طلا در ایران اثر می‌گذارد. طلا و سکه با اینکه قدرت نقدشوندگی بالایی دارند، اما ریسک تقلبی بودن و به‌سرقت رفتن در آن بیشتر از بازارهای دیگر است.

سپرده بانکی

سپرده‌گذاری در بانک و دریافت سود آن یک سرمایه‌گذاری کم‌ریسک و در واقع با ریسک صفر محسوب می‌شود. این بازار در زمان رکود اقتصادی گزینه‌ای مناسب محسوب می‌شود، اما در دوران تورم (که ایران همواره با آن مواجه است)، گزینه‌ای شکست‌خورده است که ضرر و زیان و از بین رفتن ارزش دارایی را برای سرمایه‌گذاران به‌دنبال خواهد داشت.

تاثیر بازارهای موازی بر یکدیگر

بازارهای مالی معمولا بر یکدیگر اثر می‌گذارند و این تاثیر به‌صورت دومینووار به‌دنبال یکدیگر اتفاق می‌افتد. به این صورت که ابتدا بازار ارز دچار نوسان می‌شود و بلافاصله بعد از آن نرخ طلا، خودرو، مسکن و سایر بازارها تغییر نرخ را تجربه می‌کنند. معمولا موج‌سواران بازار موازی از این نوسانات دنباله‌دار برای کسب سود استفاده می‌کنند.

یک کارشناس حوزه پولی در گفت‌وگو با صمت:

رشد ۳۱ درصدی نقدینگی دستاورد نیست



عکس: صمت

مدیرعامل پیشـین بانک صادرات بـا رد اظهارات برخی دولتمردان مبنـی بـر روند کاهنده تورم در کشـور، با اشـاره بـه آمارهای اخیر نقدینگی، می‌گوید: «خبرهایی مبنی بر روند کاهنده تورم در کشـور حقیقت را منعکس نمی‌کند و بیشتر به زیان خود دولت تمام می‌شود. من فکر می‌کنم کاهش تورم یا رشـد نقدینگی اتفاق بدی نیست، اما مطمئنم بـرای اینکه اقتصاد ایران دوباره روزهـای باثبات و پایداری را به خود ببیند، نیازمند بـرای اینکه اقتصاد ایران دوباره روزهـای باثبات و پایداری را به خود ببیند، نیازمند این اسـت که شـاخص‌های خود را به‌نحوی اصلاح کند که واقعا اثرات آن ملموس باشـد. کاهش ۷ یا ۸ درصدی نرخ رشد نقدینگی چنین ظرفیتی ندارد.»

احمد حاتمی‌یزد، کارشـناس حوزه پولی کشـور تاکید می‌کند: «در سالی که برخی مقامات خوشحال هستند که نقدینگی تنها ۳۱ درصد افزایش پیدا کرده، می‌توانیم این‌طور تفسـیر کنیم که پول دست‌کم ۳۱ درصد در مقابل اجناس و خدمات مشـابه در اقتصاد افزایش پیدا کرده اسـت. همین نشـان می‌دهد چقدر شـرایط آماده این است که دوباره درگیر بحران شود و ابراز خوشحالی از این وضعیت چقدر دور از توجیه اسـت. توجه داشته باشـید که وقتی می‌خواهند از افزایش نرمال نقدینگی صحبت کنند، اصولا نسبت آن با رشد اقتصادی و نرخ تورم محل بحث اسـت، اما در کشـور ما توجه چندانی به ظرافت‌های یک مدیریـت اصولی اقتصادی نمی‌شـود و به‌راحتی این مسـائل را نادیده می‌گیرند.»

آنچـه در ادامـه می‌خوانیـد متـن کامـل گفت‌وگـوی صمت با این کارشناس حوزه پولی است.

◉ در روزهـای گذشـته بانک مرکزی دسـت به انتشـار آماری زد که می‌گوید رشـد نقدینگی در کشـور کاهش یافته و به ۳۱ درصد رسـیده اسـت. چنین چیزی یک دسـتاورد برای دولت محسـوب می‌شود که چنین در رسانه‌ها درباره آن را صحبت می‌کند؟

من فکر نمی‌کنم دسـتیابی به این ارقام جای بحثی داشـته باشـد و در حقیقت اگر کشـوری جز ایران بود، چنین ذوق‌زدگی ازسـوی دولتمردان آن قابل پذیرش بود. حقیقت این اسـت که اگـر نقدینگی تنها ۳۱ درصد در پایان اسـفند ۱۴۰۱ رشد کرده باشد و ارقامی که نهادهای رسمی اعلام کرده‌انـد را هم درسـت بدانیم، ایـن رقم فاجعه اسـت. در جهانی که جز در تعدادی معدودی از کشـورها، نرخ تورم کمتر از ۵ درصد اسـت، رشـد نقدینگی در این حجم، نشـان‌دهنده یک ابرتورم در راه اسـت. با این حال مـا عادت کرده‌ایم به اینکه کارهایی را در کشـور خـود انجام دهیم که در کشورهای دیگر معنا ندارد و بیشتر به‌مثابه یک رسوایی است.

◉ اینکـه رشـد نقدینگـی از ۳۹ درصد به ۳۱ درصد برسـد، نوید کاهش تورم را می‌دهد؟

من که این‌گونه فکر نمی‌کنم و هنوز هم متوجه نمی‌شـوم که چرا برخی از مقامات دولتی بر این مسئله پافشاری می‌کنند. اگر عنوان سال را نادیده بگیریم، هیچ منطقی پشـت این اصرار و پافشـاری وجود ندارد؛ مگر اینکه بعضی از مسئولان کشور تصور می‌کنند می‌توان با ارقام شاخص‌های کلان، سیاسـی‌کاری و جناح‌بازی کرد که قطعا نه به سود آنها خواهد بود و نه به سود مردم.

با این همه اگر آقایان این دو را مرتبط به هم می‌دانند، باید توضیح دهند چگونه در بهار امسـال، پس از اینکه در اسـفند ۱۴۰۱ نرخ رشد نقدینگی به ۳۱ درصد رسـیده، تورم همچنان روندی فزاینده داشـت و در کالاهایی مانند خوراکی‌ها به بیش از ۷۵ درصد رسید و تورم میانگین هم حدود ۵۰ درصد شد. این مهم نشان می‌دهد باوجود کاهشی که در شاخص نقدینگی از آن خبر می‌دهند، روند تورم کشور کاهنده نبوده است.

◉ البته در خرداد اعلام کردند تورم کاهش یافت که بیشـتر دلیل آن را هم تخلیه شـوک ارز ۴۲۰۰ تومانی اعـلام کردند. این کاهش تورم نسبت خاصی با کاهش نقدینگی ۳ ماه پیش دارد؟

این دو موضوع نه‌تنها ربطی به هم ندارند که من فکر می‌کنم در توضیحات رسـمی مرکز آمار هم مشخص است که آقایان مسئول جمع‌آوری آمار در کشـور می‌دانند این کاهـش نرخ تورم که البته سـر آن حرف‌های زیادی هم مطرح اسـت، ناشـی از تخلیه آثار سیاسـتی اسـت که همین دولت و تیم اقتصادی آن در بهار سـال گذشـته اجرا کردند. آنها با اعتماد به‌نفس دسـت به حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی زدند و خود آقای رئیسی هم به‌صراحت اعـلام کرده بود این سیاسـت تنهـا نرخ ۵ یا ۶ قلـم کالا را می‌برد، اما در نهایت مشخص شـد تقریبا همه کالاها (احتمالا جز چند قلمی که مدنظر آقای رئیسـی بود) گران شـدند و این افزایش در بخش خوراکی‌ها بیش از هـر زمان دیگری بود. در هر حال این کاهش نرخ ناشـی از عملکرد دولت یا بانک مرکزی نبوده، بلکه نتیجه عملکرد دولت سـیزدهم فشـار تورم به سفره‌های مردم است.

◉ با این حال کاهش میزان رشـد نقدینگی نمی‌تواند اتفاق خوبی باشد؟

در یک سـطحی اتفاق خوبی اسـت، امـا در واقعیت ایـن را نمی‌توانند به‌عنـوان موفقیت یا گذار کشـور از مرحله بحران نـام نهند. چنین چیزی حقیقت را منعکس نمی‌کند و بیشتر به زیان خود دولت تمام می‌شود. من فکر می‌کنم کاهش تورم یا رشـد نقدینگی اتفاق بدی نیست، اما مطمئنم اقتصـاد ایران برای اینکه دوباره روزهای باثبات و پایداری را به خود ببیند، نیازمند این اسـت که شـاخص‌های خود را به‌نحوی اصـلاح کند که واقعا اثرات آن ملموس باشـد. کاهش ۷ یا ۸ درصدی نرخ رشد نقدینگی چنین ظرفیتی ندارد.

در ایـن میـان باید به این نکته هم توجه کنیم کـه آقایان بانک مرکزی در گـزارش اخیـر خود ضریب فزاینـده پولی را حدود ۷.۵ برابر محاسـبه کرده‌اند. این مسـئله نشـان می‌دهد به‌ازای هر یک ریـال نقدینگی ایجاد شـده در اقتصاد کشـور، اثر تورمی آن معادل ۷.۵ ریال خواهد بود. یعنی اگر بانک مرکزی برای تامین کسـری بودجه دست به اقداماتی بزند که به انتشـار پول بدون پشتوانه منجر شود، به‌ازای هر ریال پول چاپ‌شده، ۷.۵ برابر اثر تورمی به اقتصاد کشـور وارد می‌شـود. باید مسئولان به این نکات توجه کنند و واقعا تصور نکنند که از میزان مشـکلات کاسـته شده است، وگرنه ممکن است مشکلات بزرگ‌تری برای کشورمان ایجاد شود که رفع آنها کاری به‌مراتب دشـوارتر از توان فعلی کارشناسـی و اقتصاد کشور باشد.

◉ عـده‌ای از اقتصاددانـان معتقدنـد افزایـش نقدینگی چنانچـه به سـمت تولید هدایت شـود، می‌تواند به سـود اقتصاد هم باشـد. فکر می‌کنید نقدینگی ایجادشـده، چه تبعاتی برای کشور دارد؟

این بحثی نسـبتا قدیمی اسـت کـه اگر به میزان مشـخصی نقدینگی ایجـاد و همه آن صرف حرکت چرخ‌های تولید شـود، اثـرات مثبت آن به‌مراتب بیش از تاثیـرات منفی آن خواهد بود. من فکر نمی‌کنم زیاد لازم باشد در این باره توضیحی بدهیم، زیرا توان بازرسـی و نظارت در کشـور مشخص است و همه می‌دانیم به‌راحتی اقدامات خلاف قانون در کشـور ما انجام می‌شود. ضمن اینکه در توزیع این نقدینگی هم به‌نظر نمی‌رسد مسئولان دغدغه چندانی داشـته باشـند. آنچه موردتوافق بیشتر فعالان اقتصادی قرار دارد این اسـت که به‌نظر نمی‌رسـد چنیـن پول‌هایی صرف تامین مالی تولید شـود که اگر چنین می‌شـد در ۵ سال گذشته نرخ اسـتهلاک صنایع از میزان سـرمایه تشکیل‌شده در آن جلو نمی‌زد.

مشـخص است که این نقدینگی در قالب پولی هنگفت به‌دست عده‌ای می‌رسـد. ایـن افراد جدا از اینکه فرودسـت هسـتند یا فرادسـت، کارگر هستند یا دولتی، با دست یافتن به این منابع با رشـد چشـمگیری در توان خرید و مصرف خود مواجه می‌شوند؛ پـس می‌توانند به بازار بروند و کالاها و خدماتی به‌مراتب بیشـتر از نیـاز خود را تهیه کنند، امـا از آنجایی که اقتصاد ما در مرحله رونق و پیشرفت قرار ندارد، امسال نسبت به سال گذشته خدمات یا کالای بیشـتری در بازار وجود ندارد؛ پس اجناس ثابت می‌مانند و تنها نقدینگی بدون پشتوانه ایجاد شده که به افزایش مصرف هم دامن زده است.

در سالی که برخی مقامات خوشحال هستند که نقدینگی تنها ۳۱ درصد افزایش پیدا کرده، این‌طور می‌توانیم تفسـیر کنیم که پول دسـت‌کم ۳۱ درصد در مقابل اجناس و خدمات مشابه در اقتصاد افزایش پیدا کرده است.

همین امر نشـان می‌دهد چقدر شـرایط ایران آماده این است که دوباره درگیر بحران شـود و ابراز خوشـحالی از این وضعیت چقدر دور از توجیه اسـت. توجه داشته باشـید که وقتی می‌خواهند از افزایش نرمال نقدینگی صحبت کنند، اصولا نسـبت آن با رشـد اقتصادی و نرخ تورم محل بحث اسـت، اما در کشـور ما توجه چندانی به ظرافت‌های یک مدیریت اصولی اقتصادی نمی‌شود و به‌راحتی این مسائل را نادیده می‌گیرند.

> من فکر می‌کنم کاهش تورم یا رشد نقدینگی اتفاق بدی نیست، اما مطمئنم اقتصاد ایران برای اینکه دوباره روزهای باثبات و پایداری را به خود ببیند، نیازمند این است که شاخص‌های خود را به‌نحوی اصلاح کند که واقعا اثرات آن ملموس باشد

◉ عبدالناصر همتی در واکنش به کاهش رشـد نقدینگی در کشور مدعی شـده این نتیجه با کاهش سپرده‌های قانونی بانک‌ها محقق شده است. تبعات این رویکرد چیست؟

واقعیت مهمی که امروز دیگر ازسـوی کسـی کتمان هم نمی‌شـود، این اسـت که نظام بانکی جمهوری اسلامی دچار مشکلات فراوانی است و اگر به‌درستی به آنها توجه نشود ممکن است در هر پیچ ناگهان دچار فروپاشی و ورشکستگی شود.

از این منظر نگاه آقای همتی می‌تواند درسـت باشـد. منطقی نیست که یـک بخش زیانـده و البته دچار مشـکل را به‌جای اینکه ملتـزم به قانون کنیم، دسـتش را بازتر بگذاریم تا همـان اقداماتی را انجام دهد که نتیجه آن وضعیت فعلی اسـت. همان‌طور که در پاسـخ سوالات قبلی هم گفتم نرخ ضریب فزاینده در کشـور ما به حدود ۷.۵ برابر رسیده است. یعنی ۲۶۶ هزار میلیارد تومان نقدینگی که در سـال گذشـته به اقتصاد کشـور تحمیل شـده، باید ضربدر ۷.۵ شـود تا اثر آن بر اقتصاد کشـور را بهتر بفهمیم و درک کنیم. انتظار می‌رفت بانک مرکزی با بانک‌های کشـور رفتاری سختگیرانه در پیش بگیرد و در جایی که لازم اسـت حتی از سرکوب آنها هم نهراسد، چراکه هر اشـتباهی در نظام بانکی به‌معنای فقیرتر شـدن ۸۰ میلیون ایرانی اسـت. این بانک‌هـا اگر بتوانند تمام سـپرده‌های مردم را به بـاد می‌دهند و هیـچ نگرانی هم بـه دل راه نمی‌دهند. نباید فرامـوش کرد که بانـک مرکزی دو وظیفه کلیـدی دارد؛ از یک طرف موظف به حفظ ارزش پول ملی اسـت و از طرف دیگر باید نظام بانکی را در چارچوب قوانین کشـور موردبازرسـی قرار دهد و هر گاه تخلفی صورت گرفت، به‌عنوان سیاسـت‌گذار حوزه پولی وارد عمل می‌شود و مشکل را سریعا رفع و رجوع کند. خلق پول از جمله سیاسـت‌هایی است که هم به تضعیف ارزش ریال منجر می‌شـود و هم با قانون‌شکنی به عموم مردم کشور آسیب می‌زند. بانک‌های فعلی کشـور همان بانک‌هایی هسـتند که تا سپرده‌ای در اختیارشـان می‌گذارید، به‌سـرعت وارد بازار مسکن می‌شوند و ملک می‌خرند. علاوه بـر این، بانک‌ها امروز به‌اصطلاح زرنگ‌تر هم شـده و هر کدام شرکتی تاسـیس کرده‌اند که با منابع بانک به شـرکت‌های خودی تسـهیلات ارزان‌قیمت با دوره بازپرداخت طولانی می‌پردازند و به این ترتیب یا بازار مسـکن کشور را دچار افزایـش نرخ کاذب می‌کننـد یا رقابت را در اقتصـاد غیررقابتی ایران از بین می‌برند. این اقدامات وحشـتناک هسـتند، چون به فجایعی منجر می‌شـوند که جامعه بشـری امـروز چنین مخالف حضور بانک‌ها در اقتصاد است.

◉ رئیس کل بانک مرکزی در روزهای گذشته تاکید کرد در شرایط فعلی باید سیاسـت تثبیت اقتصادی را پیش برد. به‌نظر شـما چند سـال زمان نیاز بود تا چنین رویکردی پس از اینکه چند سال اخیر با بحث حول تعدیل ساختاری گذشته و می‌گذرد، از زبان مسئولان کشور بیان شود؟

فکر نمی‌کنم مسـئله گذر زمان باشـد که به تصمیمـات دیگری منجر شـده و به‌اصطلاح سـطحی از «عقلانیت» را به نظام تصمیم‌گیری کشور بازگردانده است. من این تصویر را به‌شدت مخرب می‌دانم. من فکر می‌کنم آقای فرزین به‌خوبی از دشـواری شرایط مطلع است و می‌داند که ما بدون روابـط آزاد و لغو تحریم‌ها نمی‌توانیم مشـکلات خـود را مرتفع کنیم. ما مجبوریم با جهان به تعامل برسیم و خود و مردم را از این وضعیت خلاص کنیم.

در شـرایطی که امروز اقتصاد ایران قرار دارد، نه تثبیت اقتصادی چندان معجزه می‌کند و نه تعدیل. هیچ کدام از این سیاست‌ها نمی‌توانند موفقیتی به‌همراه داشـته باشـند، زیرا نظام بانکی ایران نه در تحریم امریکا یا غرب که تحت محاصره تمام کشـورها و نظام‌های بانکی است. مادامی‌که شبکه بانکی نتواند از این بن‌بسـت تحمیلی خارج شـود، مشکلات امروز هم رفع نخواهد شد.

ایـران در حالـی با چیـن معاهده ۲۵سـاله امضا کرد کـه تحت تحریم اقتصادی و بانکی بودیم. چینی‌ها حاضر به بسـتن قرارداد شدند و برمبنای ایـن معاهده بناسـت ارقام بالایـی را در ایران سـرمایه‌گذاری کنند، اما تا زمانـی که ایران نتواند مشـکلات خود را با نظام بانکـی جهانی حل کند، امکان ندارد چینی‌ها حتی یک ریال سـرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران انجام دهند، به همین دلیل معتقدم اگر آقای فرزین در روزهای گذشـته بیشتر دربـاره اداره داخلی امور صحبت کرده به این دلیل اسـت که تحریم جای دفاع در عرصه‌های دیگر را نگذاشته و ایشان هم از مسائل آگاه هستند و با بحث‌های داخلی فعلا پیش می‌روند.

◉ رئیس بانک مرکزی از بالاترین مقامات اقتصادی کشـور اسـت. فکر می‌کنید چه انتظاری از این مقام مسئول باید داشت؟

اگر بخواهیم واقعیت را بگوییم، هیچ‌کدام از رؤسـای بانک مرکزی کشور در سـال‌های پس از انقلاب در جایگاهی نبودند که بتوانند سـمت به این مهمی را اشـغال کنند. هرچنـد نباید این را هم نادیـده بگیریم که بانک مرکزی استقلال کافی ندارد و رئیس این نهاد باید منویات مقامات اجرایی کشور را اجرا کند، وگرنه به همان سادگی که آمده، باید تشریف ببرد. این مهم نیز بارهای در کشور ما رخ داده است.

در زمان ریاسـت‌جمهوری آقـای احمدی‌نژاد، سـازمان برنامه و بودجه معاونی به‌نام آقای کمیجانی داشـت که از برجسته‌ترین اقتصاددانان ایرانی هسـتند. ایشـان محاسـبات خاصی برای شـاخص‌های کلان کشور انجام می‌دادنـد. در یکی از سـال‌ها آقای کمیجانی رشـد اقتصادی را ۲ درصد محاسبه کرده بود، اما آقای احمدی‌نژاد حاضر به پذیرش نبودند و می‌گفت رشـد اقتصادی کشور ۶ درصد اسـت. آقای کمیجانی تمام محاسبات خود و تیمـش را برای رئیس وقت دولت آورد، اما باز هم دولت حاضر نبود نظر کارشـناس قدیمی خود را بپذیرد. به هـر روی آقای احمدی‌نژاد کمیجانی را کنار گذاشـت و به جایش فردی را نشـاند که خیلی زود توانست نشان دهد رشـد اقتصادی ۶ درصد بوده اسـت. این یک شمه از واقعیت مدیران اقتصادی کشـور ماست. رؤسای بانک مرکزی نیز مستثنا نیستند و بیش از اینکـه افرادی از نظر علمی حاذق باشـند، به فرموده عمل می‌کنند تا یک موقع سـمت خود را از دسـت ندهند. البته در این زمینه تنها اسـتثنایی کـه داشـتیم مرحوم نوربخـش بودند. بایـد انتقادات و دفاعیـات از او و عملکـردش را کنار بگذاریم تا متوجه شـویم تنها رئیس کل بانک مرکزی که پس از انقلاب سـواد این جایگاه را داشـت و همزمـان به‌دلیل نفوذی که در نظام سیاسـی داشت، می‌توانسـت تا حد زیادی حرف‌هایش را بزند و جهت‌گیری‌هایی که فکر می‌کند درسـت اسـت را در پیش بگیرد، آقای نوربخش بود و غیر از ایشـان دیگر کسـی در این حد و اندازه در کشـور نداشتیم. متاسفانه دیگر رؤسای بانک مرکزی کشور جسارت کافی نداشتند تا دسـت‌کم در جلسات خصوصی‌تر به مسئولان تصمیم‌گیر کشور واقعیات را اطـلاع دهند، به همین دلیل من فکر می‌کنم از این رؤسـا نباید انتظار چندانی داشت، زیرا در توان آنها نیست.

نوبت اول
م الف ۳۶۵

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر

برابـر رای شـماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۴۰۰۲۰۰۰۰۱۷ مورخـه ۱۴۰۲/۰۱/۱۵ هیـات اول موضـوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و سـاختمانهای فاقد سـند رسـمی مسـتقر در واحد ثبتی برازجان تصرفات مالکانه و بلامعارض متعلق به آقای رضا بهزادی فرزند فرهاد به شـماره شناسـنامه ۲۳۶۰۰۷۸۴۵۳ و شـماره ملی ۲۳۶۰۰۷۸۴۵۳ صادره از خشـت و کمارج در دوازده سـهم مشـاع از سیزده سـهم سهام ششدانگ به انضمام یک‌شـانزدهم بهاء عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مسـاحت ۳۴۲۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۹۴۲ اصلی واقع در بخش سـه حوزه ثبت ملک برازجان اراضی روسـتای جمیله خریداری شده از آقای فرهاد بهزادی به ایشان واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشـخاص نسـبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ اولین انتشـار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسـلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم‌وصول اعتراض طبق مقررات سـند مالکیت صادر خواهد شـد. صدور سـند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قانونی (دادگاه) نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸
حمیدرضا باقرپور، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتستان

صمت چالش‌های توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور را بررسی کرد

کاربردهای فناورانه، راهی برای رفع کمبود انرژی

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir



افزایش بی‌رویه مصرف انرژی‌های فسیلی در سال‌های اخیر پیامدهای زیست‌محیطی و تغییر اقلیم گسترده‌ای را در جهان به‌همراه داشته است. فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر و توسعه استفاده از این منابع، راه‌حلی پایدار و موردتوافق در سطح بین‌المللی است. در برخی کشورها دستیابی به این فناوری‌ها منجر به تولید محصولات قابل‌رقابت در جهان شده و آنها را به سرآمدان تولید انرژی‌های تجدیدپذیر تبدیل کرده است. البته این روند موثر، محدود به چند کشور توسعه‌یافته با سطح اراضی اندک می‌شود که نقش جزئی در کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی دارند. ایران کشوری است که در یک سال، بیش از ۲۸۶ روز آفتابی دارد و این امر حاکی از شرایط مطلوب این کشور در تولید انرژی خورشیدی است. براساس مطالعات انجام‌شده، ایران می‌تواند در مساحتی بیش از ۲هزار کیلومترمربع، بیش از ۶۰ هزار مگاوات نیروگاه حرارتی خورشیدی نصب کند. این در حالی است که باوجود بالا بودن ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر هنوز به آن میزان تولید انرژی لازم نرسیدیم؛ شاید این امر به تعدد کم کسب‌وکارهای فناورانه بر می‌گردد. در این رابطه، رئیس گروه انرژی‌های پاک و محیط‌زیست مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست‌جمهوری، دلیل دیگر تاخیر در ایجاد کسب‌وکارهای انرژی‌های تجدیدپذیر را رویکرد مسئولان به این حوزه می‌داند و می‌گوید: تا چند سال گذشته، بسیاری از مسئولان اعتقادی به این نوع انرژی‌ها نداشتند، چراکه معتقد بودند ایران با دارا بودن منابع‌طبیعی نفت و گاز نیازی به توسعه فناوری‌های مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر ندارد و در اصل چنین نیازی را احساس نمی‌کردند. صمت در این گزارش به اصلی‌ترین چالش‌های توسعه انرژی تجدیدپذیر در ایران پرداخته است.

رکود صنایع، ناشی‌از نرخ دستوری انرژی



مهرداد داوری‌فر، فعال حوزه تجدیدپذیر در گفت‌وگو با صمت گفت: تجدیدپذیرها به دسته‌های گوناگونی اعم از انرژی‌های بادی، خورشیدی، زمین‌گرمایی و ... تقسیم می‌شوند، اما انرژی خورشیدی قابلیت بالایی در توسعه تجدیدپذیرها دارد که به ۲ بخش عمده تقسیم می‌شود و شامل پروژه‌های مگاواتی و کیلوواتی است. اگر این ۲ نوع کاربرد انرژی خورشیدی در تولید برق کشور به‌کار گرفته شود، می‌تواند کمک شایانی به چرخیدن چرخ اقتصاد کشور کند، همچنین در این شرایط است که دوام کافی را خواهد داشت. متاسفانه نرخ انرژی در ایران دستوری و این خود تبدیل به عاملی برای رکود صنایع شده است.

وی بااشاره به اینکه بی‌توجهی به توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر دامن صنعت برق را هم گرفته است ، گفت: باتوجه به اینکه برق، صنعتی مهم و استراتژیک در کشور است، اما ارزش واقعی خود را ندارد و این بی‌ارزشی به تمام صنایع وابسته به آن هم منتقل شده است. در حالی که برق به‌عنوان یک رشته محبوب برای نخبگان کشور به‌حساب می‌آید، اما متاسفانه معضل امروز اکوسیستم انرژی در کشور، ناهمگونی سواد مدیران با جایگاهی است که در آن قرار دارند و در صنعت برق، افراد غیرمتخصصی که سررشته‌ای از برق ندارند، زیاد هستند، همین روند باعث می‌شود نخبگان تمایلی برای فعالیت در این رشته نداشته باشند.

به گفته داوری‌فر، متاسفانه باوجود منابع انسانی ماهر، همچنین دانش و فناوری کافی، هنوز بستر لازم برای فعالیت دانش‌بنیان‌ها در زمینه تجدیدپذیرها فراهم نشده است.

ارزان مثل تجدیدپذیرها

وی بااشاره به برخی گفته‌های مسئولان درباره گران بودن انرژی‌های تجدیدپذیر در فرآیند تولید گفت: خوشبختانه جزو کشورهای خوش‌تابش هستیم و همین ویژگی اقلیمی در کشورمان باعث شده است که نیروگاه‌های خورشیدی توانایی تولید میزان انرژی بالا در زمان پیک مصرف داشته باشند؛ این در حالی است که نیروگاه‌های حرارتی با افزایش تولید انرژی به‌دلیل افزایش تقاضا روز به روز فرسوده‌تر می‌شوند. به‌همین‌دلیل، نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و حرارتی در دوران پیک مصرف، دچار افت راندمان و تلفات بسیار هستند و این از امتیازات صنعت تجدیدپذیر است که می‌تواند جایگزین خوبی برای آنها به‌شمار آید و از طرفی هم، انرژی ارزان‌تری هم هست.

داوری‌فر بااشاره به ارزان بودن انرژی در کشور گفت: نرخ تمام‌شده انرژی تجدیدپذیر با در نظر گرفتن تمامی ضعف‌های اقتصاد در کشور نظیر تورم به نسبت فرآیند تولید با انرژی‌های فسیلی انرژی گرانی محسوب نمی‌شود. باید دلیل این نوع پاسخگویی‌ها را در ارزان بودن نفت و انرژی در کشور بدانیم. اینکه بسیاری از صنایع به منابع رایگان انرژی فسیلی دسترسی دارند، دلیل کافی برای روی نیاوردن آنها به انرژی‌ها تجدیدپذیر است؛ اما علت اینکه در سال‌های اخیر برخی نیروگاه‌ها یا کارخانجات و صنایع به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر روی آوردند، این بود که با کمبود انرژی مواجه شده‌اند، نه آنکه دل‌شان به حال محیط‌زیست سوخته باشد.

وی افزود: اگر دولت آن میزان از سوخت‌های فسیلی را که جای خود را به تجدیدپذیرها داده‌اند، بفروشد و انرژی صنایع را با تجدیدپذیرها تولید کند، صرفه اقتصادی بسیار بالاتری عایدش خواهد شد؛ تا زمانی که تمامی انرژی نیروگاه‌ها از سوخت‌های فسیلی تامین شود. گفتنی است، نرخ تمام‌شده برق با این روش بسیار کمتر تمام می‌شود، همچنین مشکل اصلی را باید در تعرفه‌های دستوری نرخ برق بکاویم. در کل، برای کشورهای آفتاب‌خیز، نرخ تمام‌شده برق ارزان‌تر از سوخت فسیلی است. این روال در بیشتر کشورهایی که به انرژی تجدیدپذیر روی خوش نشان دادند، وجود دارد. در اروپا با انرژی باد، برق تولید می‌کنند، اما در ایران یارانه‌های دولتی بلای جان انرژی شده است. امسال قرار است که فولاد مبارکه ۶۰۰ مگاوات برق با انرژی خورشیدی تولید کند و اگر بحث مسئولیت اجتماعی بود، باید یک دهه قبل این کار را می‌کرد، بنابراین سیاست‌های اقتصادی، تعیین کرده فولاد مبارکه دست به چنین اقدامی بزند. به‌اعتقاد من، موتور محرکه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، اقتصاد و دولت سیاست‌گذار اصلی آن است و امروز بیش از هر زمان دیگری شاهد سهل‌انگاری دولت در امر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه خورشیدی هستیم.

کمبود انرژی باعث شد در سال‌های اخیر برخی نیروگاه‌ها و صنایع به استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر روی آورند

کمبود سرمایه از توان فناوران می‌کاهد



مهدی موسوی، فعال دانش‌بنیان در زمینه برق و الکترونیک معتقد است: دانش‌بنیان‌ها می‌توانند در حوزه مدیریت مصرف و تلفات فعالیت کنند. در واقع، فعالیت دانش‌بنیان‌ها بیشتر در حوزه توزیع و مصرف است تا تولید. البته بسیاری از فناوران هم توانایی ساخت و تجهیز نیروگاه را دارند و خدمات ارائه می‌دهند اما در دسته‌بندی دانش‌بنیان‌ها گنجانده نمی‌شوند.

وی در گفت‌وگو با صمت گفت: برای اینکه به حل معضل برق در کشور بپردازیم، ۲ راهکار وجود دارد؛ یکی اینکه تولید را بالا ببریم یا اینکه به مدیریت مصرف بپردازیم. شرکت‌های دانش‌بنیان برای افزایش تولید نیازمند سرمایه هستند و از آنجایی که در زمینه تولید برق،بیشترشان سرمایه کافی ندارند، فعالیت‌شان هم محدود است. این فرآیندً نیازمند تاسیس نیروگاه یا سرمایه‌گذاری برای انرژی‌های نو است که معمولا با سرمایه امکان‌پذیر است. در حوزه مدیریت مصرف، می‌توان روی توان دانش‌بنیان‌ها حساب باز کرد.

وی افزود: امروزه دانش‌بنیان‌ها نیازمند اطلاعات از برق مصرفی ارکان‌های مختلف هستند تا بتوانند دستاوردهای استانداردتری در زمینه پایش مصرف، داشته‌باشند. باتوجه به اینکه شرکت ما در زمینه پایش انرژی فعالیت می‌کند، نیازمند اندازه‌گیری‌های لازم مصرف انرژی در بخش‌های مختلف هستیم. هدف اصلی، مدیریت مصرف و بهبود کیفیت توان است. پایش انرژی منجر به بهره‌وری هم می‌شود.دسترسی به اطلاعات شبکه برق به‌قدری اهمیت دارد که برای پیشبرد هر طرحی در زمینه بهبود کیفیت توان و مدیریت مصرف، باید با استفاده از داده‌ها اقدامات اساسی را انجام داد. منظور از این داده‌ها، ولتاژها و جریان‌هایی است که به مصرف می‌رسد؛ همچنین، پروفایل توان مصرفی و انواع پارامترهایی که در شبکه برق مهم هستند.

موسوی بااشاره به همکاری وزارت نیرو در زمینه توسعه دستاوردهای دانش‌بنیان‌ها در زمینه حل چالش برق در کشور گفت: متاسفانه سیستم‌ها براساس رانت مدیریت می‌شود و این یک واقعیت است. برای مثال، اگر در جایی نیاز به کاربرد یک محصول دانش‌بنیان است، اما با نظارت‌ها و ارزیابی‌ها و البته فشارهایی که افراد بانفوذ انجام می‌دهند، با کاربرد آن محصول مخالفت می‌کنند و محصول تایید نمی‌شود. در نهایت، این فرآیند هزینه زیادی را برای دولت به همراه دارد که دوباره مجبور به تغییر فرآیند می‌شوند.

وی افزود: برای مثال، در ترانس تامین برق برخی از هارمونیک‌ها (مولفه‌هایی با فرکانس بالاتر) هستند که در کد صفر جمع می‌شود؛ حال فکر کنید اگر جریان نول را از سیستم پایش حذف کنیم، ابزاری وجود ندارد که بخواهیم بدانیم این هارمونیک به شبکه قبل از پست هم منتقل می‌شود یا خیر؟ خوشبختانه ما توانستیم این ابزار را تولید کنیم و باتوجه به فشارهای موجود این بازار مورداستفاده قرار نمی‌گیرد. در نهایت، دولت مجبور می‌شود با صرف هزینه بیشتر مشکل خود را حل کند.

امروزه دانش‌بنیان‌ها نیازمند اطلاعات از برق مصرفی ارکان‌های مختلف هستند تا بتوانند دستاوردهای بهتری در پایش مصرف داشته‌باشد

خانه‌ها با محصول «ایران‌ساخت» کارخانه تولید برق شدند

اینورترهای خورشیدی ۵ کیلووات متصل به شبکه با فناوری بومی را نخستین‌بار یک شرکت دانش‌بنیان در کشور تولید کرد. اکنون نیروگاه‌های خورشیدی خانگی با این محصول ایران‌ساخت می‌توانند تولید برق را انجام دهند.

به‌گزارش مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، اینورترها از اجزای اصلی نیروگاه‌های خورشیدی هستند. آنها انرژی خورشید را از پنل‌ها دریافت و به شبکه برق تزریق می‌کنند. نیروگاه‌های فتوولتاییک متشکل از ارائه‌های خورشیدی و اینورتر متصل به شبکه است که ارائه‌های خورشیدی تولید برق را انجام می‌دهد؛ اما این انرژی الکتریکی قابل‌استفاده در شبکه نیست. پس اینورتر متصل به شبکه مبدل پرقدرتی است که برق تولیدشده را مطابق الزامات شبکه به شبکه تزریق می‌کند.

بهزاد سیاه‌کلاه، مدیرعامل این شرکت دانش‌بنیان گفت: چند سالی است که در کشور، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی موردتوجه قرار گرفته. باتوجه به پاک بودن این انرژی سرمایه‌گذاری روی آن افزایش یافته که خود عاملی برای توسعه فناوری‌های مرتبط با این حوزه است.

وی ادامه داد: در کشور ما نیز انرژی خورشیدی در دسترس‌ترین انرژی پاک است و توسعه فناوری‌های مرتبط با احداث نیروگاه‌های خورشیدی اهمیت زیادی دارد. باتوجه به این نکته، محصولی با عنوان «اینورتر خورشیدی ۵ کیلووات متصل به شبکه» را بومی‌سازی کردیم. این محصول برای نیروگاه‌های خانگی کاربرد دارد. با نظر به اینکه وزارت نیرو برق تولیدشده در نیروگاه‌های خانگی را خریداری می‌کند، این محصول بسیار کاربردی است.

سیاه‌کلاه با بیان اینکه در حال حاضر ظرفیت تولید هر تعداد از این محصول باتوجه به نیاز بازار وجود دارد، گفت: این محصول تاییدیه انطباق با استانداردهای فنی (۶ استاندارد فنی) را کسب و نخستین اینورتری است که امتیاز فناوری بومی از وزارت نیرو دریافت کرده است.

وی همچنین بیان کرد: این محصول برای نیروگاه‌های خانگی کاربرد دارد و طراحی آن به‌گونه‌ای است که حداکثر انرژی را به شبکه تزریق می‌کند. همچنین در شرایطی که شبکه برق با افت فشار مواجه شود، این محصول همچنان توانایی تزریق توان ۵ کیلووات را دارد، در حالی که در محصولات خارجی، توان با افت فشار کاهش می‌یابد.

سیاه‌کلاه از آغاز طراحی اینورترهای با توان بالاتر خبر داد و گفت: طراحی را آغاز کردیم و به‌زودی تولید را انجام می‌دهیم تا برای مصارف دیگر مانند مزارع خورشیدی بتوان از این اینورتر استفاده کرد.

سخن پایانی

به‌گفته کارشناسان، امروز شرکت‌های دانش‌بنیان و فناور باید به فکر ایجاد فرمول‌هایی برای استخراج انرژی از میزان تابش آفتاب باشند. حتی در استفاده از گاز ال ان جی نیز غفلت زیادی داشتیم و نتوانستیم بهره‌برداری استانداردی از این ثروت خدادادی داشته باشیم، همچنین به مناطق بینالود و منجیل به‌دلیل شرایط بسیار مساعدی که در بهره‌برداری از انرژی باد دارند، می‌توان به‌عنوان یک بخش مهم تامین انرژی هم توجه کرد. انرژی‌های نو در هر مقیاس قابل‌استفاده است و کشورهایی نظیر هند و دیگر کشورهای اروپایی و افریقایی بسیاری از انرژی خود را از خورشید تامین می‌کنند. بنابراین، می‌توانیم در مقیاسی وسیع از این انرژی‌ها بهره بگیریم و به‌میزانی که سرمایه‌گذاری کنیم، سود ببریم، اما سیاست‌های وزارت نیرو تشویقی نیست و باید با اعمال سیاست‌های تشویقی از این انرژی‌ها نهایت استفاده را برد.

یادداشت

انرژی، بازیچه‌ای برای دولت‌ها



هاشم اورعی، رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی انرژی ایران

انرژی همواره جزو مولفه‌هایی بوده است که هیچ‌گاه سیاست استانداردی در مدیریت آن نداشته و متاسفانه در بخش انرژی به روزمرگی دچار شده‌ایم. یعنی اینکه هر روز مصرف داخلی همه حامل‌های انرژی روزانه رو به افزایش و تنها راهکار دولت برای رفع ناترازی افزایش تولید است. در حالی که این اشتباه‌ترین راهکار ممکن است، چرا که در درجه نخست نمی‌تواند میزان تولید خود را به‌اندازه مصرف برساند. با نگاهی کوتاه به آمارها می‌توان نتیجه گرفت که کشور دچار ناترازی فزاینده شده است که این روزبه‌روز شرایط را به بحران نزدیک‌تر می‌کند. گفتنی است، بنا بر اعلام وزارت نفت در ۷ ماه نخست سال ۱۴۰۱، متوسط مصرف بنزین ۱۰۲.۷ میلیون لیتر و دقیقا در روز ۲۹ اسفند همین سال به ۱۴۴.۳ میلیون لیتر رسید که در مقایسه با ۲۹ اسفند سال گذشته، ۲۸ درصد افزایش و به‌طورمتوسط نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد افزایش مصرف بنزین داشتیم. گفتنی است، درباره گاز و برق هم همین موضوع صادق است.

موثرترین راه در مسئله انرژی و عدم‌ناترازی آن ایجاد سیاست‌های استاندارد دولتی است، برای مثال، در پی جنگ روسیه با اوکراین، بحران انرژی در جهان به‌ویژه در اروپا به‌وجود آمد. به این دلیل که اتحادیه اروپا ۴۰ درصد انرژی خود را از روسیه دریافت می‌کرد و روسیه هم گاز خود را به روی اروپا می‌بست. همان زمان برخی مسئولان کشور دلخوش به این بودند که زمستان سخت اروپا در سال ۲۰۲۲ در راه است و غربی‌ها به‌زودی دست تمنا برای دریافت انرژی به سوی ایران دراز می‌کنند که شاهد بودیم چنین اتفاقی رخ نداد، چراکه در طول تابستان، کشورهای اروپایی به سرکردگی اتحادیه اروپا، برنامه‌ای برای مهار مصرف انرژی تدبیر کردند و در نتیجه، زمستان ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ در مقایسه با سال‌های گذشته مصرف گاز اروپا ۱۶ درصد کاهش پیدا کرد. به‌استناد مجله اکونومیست که به انتشار پژوهشی درباره همین موضوع پرداخته بود، باید گفت تنها ۴ درصد از آن ۱۶ درصد انرژی در اروپا ناشی از سرمای کم زمستان ۲۰۲۲ بود و سیاست‌های درست دولتی موجب کاهش ۱۲ درصدی انرژی شده بود. در واقع، کاهش مصرف انرژی به این دلیل بود. رئیس کل آژانس بین‌المللی انرژی اتحادیه اروپا ثابت کرد که بدون شک مهم‌ترین عامل در شدت مصرف انرژی، سیاست‌های دولتی است. بنابراین، در ایران که انرژی، دولتی است، اگر کسی ادعا کند که سیاست‌های دولتی، مهم‌ترین و تنها عامل موثر در کنترل مصرف انرژی فقط برای پاک کردن صورت‌مسئله است، با صراحت می‌گویم که سیاستی در تراز انرژی به‌کار نگرفته‌ایم و کنترل مصرف انرژی امری رها شده است و دیری نخواهد پایید که توان مقابله با آن را نخواهیم داشت.

برای حل معضلات انرژی، مولفه‌ای به‌عنوان راهکار کوتاه‌مدت وجود ندارد. در اصل نمی‌توانیم چهل و چند سال یک مسیر را اشتباه برویم، بعد بخواهیم یک‌شبه به جاده اصلی برگردیم. برای تراز انرژی، نیازمند یک برنامه ۱۰ساله هستیم. نخست اینکه، بخش انرژی به‌شدت دولتی است، یعنی دولت در تمام بخش‌های انرژی یا دیده می‌شود یا اگر هم در ظاهر آن بخش در اختیار بخشی خصوصی است، تنها نام خصوصی بودن را یدک می‌کشد، نظیر صنعت خودروسازی و دیگر صنایع خصولتی که بهتر است نام آن را حکولتی گذاشت؛ تلفیقی از نام حکومت و دولت. بنابراین، سیستمی که دولتی باشد، در بحران‌ها راه به جایی نمی‌برد و موجب بروز مشکلات عدیده دیگری نیز می‌شود.

در کشوری که دست‌کم ۵۰ درصد، نرخ تورم سالانه آن است، وقتی یک کالا افزایش نرخ نداشته باشد، باوجود این میزان تورم، ارزان شده است. حال در این شرایط، ۴ سال است که نرخ بنزین و گازوئیل، ثابت نگه داشته شده است. زمانی دولت نهم و دهم با دادن انرژی ارزان به مردم برای خود محبوبیت خرید، بعد از یک دهه دولت فعلی انرژی را مجانی به مردم می‌دهد که از عدم‌مشروعیت پرهیز کند. گفتنی است، با این سیاست قیمت‌گذاری، امکان اصلاح ناترازی انرژی ممکن نیست و نباید تمرکزمان را فقط و فقط روی تولید بگذاریم. به‌اعتقاد من، انرژی در کشور ما مصرف نمی‌شود، هدر می‌رود. هدررفت انرژی هم با شدت مصرف انرژی سنجیده می‌شود، به این معنا که با احتساب انرژی مصرف‌شده، چه رقمی عاید کشور شده است. در واقع، اینکه با انرژی چه می‌کنیم، اهمیت دارد. متاسفانه در ایران هرساله مصرف انواع حامل‌های انرژی زیاد می‌شود، بدون افزایش میزان GDP؛ بنابراین، مصرف نمی‌کنیم، هدر می‌دهیم، چرا که در پس مصرف کردن، باید حاصلی داشته باشد.

اگر میزان مصرف انرژی را کنار میزان GDP کشور بگذاریم، می‌توان فهمید که میزان مصرف انرژی ایران برابر با آلمان است، اما GDP ایران ۴۰۰ میلیارد دلار است، در حالی که آلمان ۴ هزار و ۳۰۰ میلیارد دلار سالانه تولید ناخالص ملی دارد. بنابراین، شدت مصرف ایران ۱۰ برابر آلمان است، یعنی میزان مصرف انرژی برای تولید یک کیلو هندوانه در ایران، ۱۰ برابر بیشتر از آلمان است که این فرآیند، تنها به ۲ عامل بر می‌گردد؛ نخست دولتی بودن فرآیند و دوم فقدان سیاست درست.

برخی می‌گویند که واقعی کردن نرخ انرژی منجر به بی‌عدالتی اجتماعی می‌شود، به‌گونه‌ای که هزینه‌های انرژی از توان اقشار کم درآمد خارج است و از طرفی، ثروتمندان با مصرف بیشتر پولش را هم پرداخت می‌کنند؛ درست برعکس. سیستم یارانه‌ای فعلی انرژی منجر به رواج بی‌عدالتی اجتماعی شده است، چرا که وقتی بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که دهک دهم چند برابر دهک اول از انرژی استفاده می‌کنند. برای مثال، وقتی یک خانواده ۴ نفره ثروتمند ۴ خودرو دارند، به‌طورطبیعی انرژی بیشتری هم مصرف می‌کنند و به‌عبارتی، چند برابر دهک اول از یارانه استفاده می‌کنند؛ این یعنی دهک اول، یارانه دهک دهم را پرداخت می‌کند. به اعتقاد من شکاف واقعی کردن نرخ سوخت و انرژی را باید با دادن یارانه بیشتر به دهک‌های آسیب‌پذیر جبران کرد. وقتی نرخ بنزین واقعی باشد، دولت موظف است، پول بیشتری هم به اقشار کم‌درآمد برای تامین انرژی بدهد.

در پرتو

مزایای اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه

در نظـام قوانین و مقررات ایـران، ابزارهای مالیاتی بـرای حمایـت از فعالیت‌های تحقیق و توسـعه‌ای و پژوهشـی به‌صورت پراکنده مورد استفاده قرار گرفته که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به مشـوق مالیاتی در نظـر گرفته شـده در مـاده ۳ قانـون «حمایت از شـرکت‌ها و موسسـات دانش‌بنیان و تجاری‌سـازی نوآوری‌هـا و اختراعات» مصوب سـال ۱۳۸۹ اشـاره نمود که طبـق آن درآمد حاصل از فروش محصولات دانش‌بنیان معاف از مالیات است.

این مشـوق مالیاتی با نگاهی گذشـته‌نگر، صرفا به برندگان مسـیر تحقیق و توسعه که به مرحله فروش و درآمـد رسـیده‌اند را مورد حمایت قـرار می‌دهد و حمایت مسـتقیمی از هزینه کردهـای بالای تحقیق و توسـعه، عدم قطعیت و ریسـک انجـام پروژه‌های تحقیق‌وتوسعه، ندارد.

بنابراین در سـال‌های اخیر اجرای معافیت مالیاتی قانـون دانش‌بنیان در ایران تغییر جهت یافته و توجه به هزینه کرد تحقیق و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان و موضوع اعتبـار مالیاتی در اجرای آن تقویت شـده اسـت. به‌طوری‌که با تصویب در شورای‌عالی عتف در سال ۱۴۰۰، صرف تایید دانش‌بنیانی، معافیت مالیاتی تعلق نمی‌گیرد، بلکه اعطـای معافیت منوط به انجام فعالیت‌های تحقیق‌وتوسعه مداوم می‌باشد.

در ادامه با تصویب قانون جهش تولید دانش‌بنیان در امسال و قرار گرفتن اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسعه در ماده ۱۱ این قانون، این مشوق مالیاتی تحقیق‌وتوسعه به مرحله اجرایی‌سـازی نزدیک شـده اسـت. در این میان به منظور اجرای این مشـوق چالش‌هایی توسط کارشناسـان مطرح می‌شـود که قابل بررسی و تامل است.

به عنوان نمونه در مورد بار مالی آن از محل کاهش درآمدهای دولت سـوالاتی مطرح است که باید گفت اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسعه دارای ابعاد و ویژگی‌های طراحی و اجرایی متفاوتی است که امکان تنظیم‌گری بالایی در تعیین میزان حمایت مالیاتی از شرکت‌ها را به سیاست‌گذار می‌دهد.

بـه طوری که با تمرکز بر ملاک‌هایی همچون اندازه بنگاه، صنعت خاص، سـطح فناوری پروژه‌ها و تعیین سـقف بر روی هزینه‌هـای واجد شـرایط پروژه‌های تحقیق‌وتوسـعه می‌تـوان میزان بار مالـی اجرای این مشـوق به‌ویـژه در سـال‌های ابتدایـی را مدیریـت کرد.

همچنیـن به سـبب اینکـه این مشـوق مالیاتی از پروژه‌های تحقیق‌وتوسـعه‌ای که در راستای توان فنی و تولیدی شرکت است حمایت می‌کند منجر به رونق کسب‌وکار بنگاه‌ها و افزایش تولید و در نهایت افزایش درآمـد بنگاه‌هـا و درآمدهای مالیاتـی دولت خواهد شد.

چالش بعدی نرخ ۱۰۰ درصد اعتبار مالیاتی اسـت کـه در قانون جهـش تولید دانش‌بنیـان وجود دارد، سـوالات و ابهاماتی در خصوص بـالا بودن این نرخ و عدم ریسک‌پذیری بنگاه مطرح می‌شود که در توضیح باید گفت که بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد برخی از کشـورهای توسـعه‌یافته دارای چندین نوع اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسـعه متناسب با اندازه بنگاه، پروژه‌ها و حوزه‌های فناوری سـطح بالا و بعضا با نرخ بالای ۵۰ درصد هستند.

حال باتوجه به اینکه ایران، یک کشور در حال توسعه است و همچنین شرایط تحریمی که در بخش صنعتی نیز وجود دارد، در نظر گرفتن نرخ‌های بالاتر می‌تواند منجر به ترغیب بیشتر صنایع به انجام تحقیق‌وتوسعه و توانمندی‌سازی آنها گردد.

البتـه می‌توان بـا مدیریت پروژه‌هـای اولویت‌دار، تعیین سـقف روی اقلام هزینه تحقیق‌وتوسـعه واجد شـرایط و همچنین اعطـای این مشـوق صرفا برای شـرکت‌های بزرگ و توانمند خلأ موجـود نرخ ۱۰۰ درصد را جبران نمود.

بکارگیـری اعتبـار مالیاتی به‌عنوان ابزار سیاسـت فناوری و نوآوری، می‌تواند منجر به تحریک نوآوری در سطح بنگاه‌های بزرگ و به بلوغ رسیده فعلی از جهت اتصال این بنگاه‌ها به بدنـه واقعی اقتصاد دانش‌بنیان اسـت، به این معنی که با اعمال این سیاست، بنگاه‌ها هم در استراتژی و هم در اهداف راهبردی خود تغییر ایجاد نمایند و برنامه‌های تحقیق و توسعه درون خود را بـا اولویت بالاتری دنبال کنند؛ این در حالی اسـت کـه برای تحقق این هدف عوامـل متعددی تاثیرگذار خواهند بود.

تفاوت میان سـطح بلوغ فناوری در صنایع مختلف، اندازه بنگاه در تشـویق بـه اولویت‌دهـی برنامه‌های تحقیق‌وتوسـعه، چگونگی ارزیابی و تایید هزینه‌های تحقیق‌وتوسـعه در سـطح بنگاه بر موفقیت سیاست اعتبار مالیاتی برای توسـعه فناوری و نوآوری کشـور تاثیرگـذار اسـت. در نهایـت اجرای سیاسـت اعتبار مالیاتـی تحقیق‌وتوسـعه می‌تواند تاثیر بسـزایی در توسعه اقتصاد دانش بنیان داشته باشد.

این سیاسـت می‌تواند به کاهش هزینه فعالیت‌های تحقیق‌وتوسـعه، توسعه حضور اقتصاد دانش بنیان در صنایع، بازاریابی شـرکت‌های دانش بنیان و توسـعه زنجیـره ارزش صنایع کمک کند؛ بنابراین، دولت باید برای توسـعه اقتصاد دانش بنیـان در منطقه، اجرای معافیت‌های مالیاتی برای هزینه‌های تحقیق‌وتوسـعه را نیز در نظر بگیرد.

نمایندگان مجلس در بررسی نقاط تاریک برنامه هفتم توسعه:

حذف مشوق‌های مالیاتی هدفمند به زیان تولید است

گروه اقتصاد
editor@smtnews.ir

براساس برنامه هفتم توسعه وزارت اقتصاد مکلف به حـذف کلیه مشـوق‌های مالیاتی تولید شـده اسـت. این در حالی است که به گفته کارشناسان، بسیاری از مشـوق‌های مالیاتی زمینه شکل‌گیری سـرمایه‌گذاری و راه‌انـدازی یـک کسـب‌وکار را فراهـم کـرده و حـذف ایـن مشـوق‌ها از اقتصاد کشور منجر به کاهش دید سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد خواهد شـد. کاهش سـرمایه‌گذاری در تولیـد نیز به افزایش ریسـک تولید و تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی می‌انجامد. صمت برای بررسی ضرورت حفظ مشوق‌های مالیاتی هدفمند و آسیب‌های ناشی از حذف برخی از این مشوق‌ها در برنامـه هفتم توسـعه بـا دو تـن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به گفت‌وگو پرداخته است.



عکس: صمت

ضرورت حفظ مشوق‌های مالیاتی هدفمند

مشـوق‌های مالیاتـی هدفمند توسـط دولت‌ها برای تشویق انواع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی اسـتفاده می‌شـود. به طور مثال یکـی از اهداف برقراری سیاست مشـوق‌های مالیاتی، حمایت از تولید مولد است. در این بین یکی از ابزارهای موثر در موفقیـت تولید، انجام تحقیـق و پژوهش‌های لازم در مسـیر تولیـد اسـت. اجـرای پژوه‌های تحقیق‌و توسـعه در فرآیند تولید منجر به کسـب نتایج اثرگذار و افزایش بهره‌وری تولید می‌شود. با توجه به هزینه‌های تحقیق و توسعه برای واحدهای تولیدی، حمایت از این بخش الزامی است. با اینهمه مشوق‌های مالیاتی بخش تحقیق‌وتوسعه در برنامه هفتم توسعه حذف شـده و این درحالی است که اعمال این مشـوق‌های مالیاتی هدفمند می‌تواند ابزاری برای تشویق مشـاغل به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق‌وتوسعه نیز قلمداد شود.

مزایای سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق‌وتوسعه

تجربه نشان داده سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق‌وتوسعه که توسط بنگاه‌هـای اقتصادی صورت می‌گیرد، در تولید کالا و خدمات جدید و ارتقاء ارزش‌افزوده کالاهای تولیدی اثرگذار اسـت و موجب رشـد بهره‌وری و رقابت‌پذیری در هر دو سطح خرد بنگاه‌ها و کلان اقتصادی می‌شود. بنابراین باید گفت تحقیق و توسعه بنگاه‌های تجاری به ویژه شـرکت‌های بزرگ از اهمیت بالایی برای کشـورها برخوردار است. علل متنوعـی موجب افزایـش به‌کارگیری این مشـوق مالیاتی در کشـورهای توسـعه یافته شـده که از جمله آن می‌توان به سهولت امکان تغییر نرخ اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسـعه نسبت به تغییر نرخ مالیات بنگاهی، کسر مستقیم اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسعه از بدهی مالیاتی بنگاه و شفافیت مالیاتی و هدف‌گیری و پوشش موثر ریسک هزینه‌کردهای بخش تحقیق‌وتوسعه اشاره کرد.

▣ انگیزه برای سرمایه‌گذاری

از سـوی دیگر در بررسی دلایل اعمال مشوق‌های مالیاتی به ایجاد انگیزه برای تحریک سـرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد می‌رسیم. بازتوزیع مناسـب ثروت یا توسـعه رفاه اجتماعی و همچنین بسـط سـرمایه‌گذاری در اقصی نقاط کشـور یا توسـعه زنجیره ارزش نیز می‌تواند از دلایل دیگر دولت و سیاست‌گذاران برای حمایت از بخش مولد اقتصاد با اعطای مشوق‌های مالیاتی خاص باشد. هر کدام از این مشـوق‌ها نیز دارای اهمیت خاص و همچنین ذی‌نفعان خاص است که با حذف هر یک از آنها بدون شـک بخـش مولد اقتصاد با ضربه جدی مواجه خواهد شـد. همانطور که اشـاره شد یکی از مهم‌ترین مشـوق‌های هدفمنـد تولید، اعطای اعتبار مالیاتی به کسـب‌وکارها برای تشویق به سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق‌وتوسعه است. این نوع مشوق مالیاتی به این دلیل اعطا می‌شود که سرمایه‌گذاری در حوزه تحقیق‌وتوسـعه اغلب پرریسـک بوده و هیچ تضمینی برای موفقیت یک پروژه تحقیق‌و توسـعه خـاص وجود نـدارد و حتی در صورت موفقیت‌آمیز بودن، ممکن است سال‌ها طول بکشد تا سرمایه‌گذاری به نتیجه برسـد. همچنین توجه ویژه به بخش تحقیق‌وتوسعه اغلب برای توسـعه محصـولات و فناوری‌های جدید ضروری اسـت. این محصولات و فناوری‌های جدیـد می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری و رشـد اقتصادی شود. شواهد قابل توجهی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مشـوق‌های مالیاتی می‌تواند در توسـعه این بخش نیز موثر باشـد. مطالعه صورت گرفته در دفتر ملی تحقیقات اقتصادی امریکا نشان داد افزایش یک درصد در اعتبار مالیاتی بخش تحقیق‌وتوسعه منجر به افزایش ۲ درصد در هزینه تحقیق‌وتوسـعه می‌شود. مطالعه دیگری که توسـط OECD انجام شـده نیز حاکی از آن اسـت که مشـوق‌های مالیاتی این بخش می‌تواند هزینه تحقیق‌وتوسعه را بین ۵ تا ۱۰ درصد افزایش دهد. شواهد آماری قوی در کشورهای توسعه یافتـه نیز وجود دارد که نشـان می‌دهد این مشـوق‌ها می‌توانند در پیشـبرد اهداف این بخش موثر باشـند و در نهایت منجر به افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی شوند.

▣ توجه به مزایای اجتماعی

علاوه بر مزایای اقتصادی مشـوق‌های مالیاتی تحقیق‌وتوسعه، این مشوق‌ها دارای مزایای اجتماعی نیز هستند. تحقیق‌وتوسعه می‌تواند منجر به توسـعه محصولات و فناوری‌های جدیدی شود که منجر به بهبود زندگی می‌شـود. به عنوان مثال، «تحقیق‌وتوسـعه» منجر به توسـعه داروهای جدید، دستگاه‌های پزشـکی و فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر شـده و این نوآوری‌ها منجر به بهبود سـلامت، کیفیت زندگی و محیط‌زیسـت شـده اسـت. بنابراین مشـوق‌های مالیاتی تحقیق‌وتوسـعه می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری و رشـد اقتصادی شـود. این مشـوق‌ها همچنین می‌توانند مزایای اجتماعی زیادی داشـته باشند، مانند توسـعه محصولات و فناوری‌های جدید که زندگی ما را بهبود می‌بخشد.

▣ حفظ تولید در شرایط جنگ اقتصادی

بـا توجـه به مـوارد یاد شـده، مشـوق‌های مالیاتی در کشـور ما با انگیزه‌های مختلفی وضع شـده‌اند که تحقق رفاه‌اجتماعی منطقه‌ای، توسـعه صنعتی یا موضوعاتی سیاسـتی نظیر امنیت غذایی از جمله مهم‌ترین آنها هستند.

با وجود مزایای یاد شده، براساس برنامه هفتم توسعه بدون ذکر دلیل و منطقی، وزارت اقتصاد مکلف شده نسبت به حذفل کلیه مشوق‌های مالیاتـی تولید اقدام نماید. در بند (ج) ماده ۲۷ برنامه هفتم توسـعه موضوع حذف کلیه مشـوق‌های مالیاتـی تولید بدون توجه به کارکرد و کارآمدی آنها آمده اسـت و این بند در صدد حذف کلیه مشـوق‌های موجود در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی اسـت. این در حالی است که تا کنون بسـیاری از این مشـوق‌های مالیاتی زمینه شـکل‌گیری سـرمایه‌گذاری و راه‌اندازی یک کسب‌وکار را فراهم کرده و بسیاری از تولیدکنندگان با اسـتفاده از همین مشوق‌ها در شرایط سخت جنگ اقتصادی علیه ایران، موفق به حفظ تولید شده‌اندو به این ترتیب حذف این مشوق‌ها از اقتصاد کشور، منجر به کاهش شدید سرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد، افزایش ریسک تولید و تعطیلی گسترده واحدهای تولیدی استفاده‌کننده از این مشوق‌ها خواهد شد.

▣ ضربه به بخش مولد اقتصاد

در ایـن میان یکـی از مهم‌ترین مشـوق‌های هدفمنـد مالیاتی در جهت توسـعه زنجیره ارزش، بحث اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسعه است کـه با وجـود چنین بند خطرناکی در برنامه هفتم توسـعه در معرض تهدیـد جدی قـرار دارد. این اعتبار مالیاتی با هدف تحریک بنگاه‌های اقتصادی و بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فناوری و تکمیل زنجیره ارزش محصولات صنعتی یا تولید محصولات راهبردی فرآیندهای مختلف صنعت شـکل گرفته و عملا با تصویب بند ج ماده ۲۷ لایحـه برنامه هفتم توسـعه، با حذف یکـی از بندهای مهم قانون جهش تولید دانش‌بنیان مواجه خواهیم شد. در این صورت با عقب‌گرد بسـیار خطرناکی روبه‌رو هسـتیم که تنها به بخش مولد اقتصاد ضربه خواهد زد.

> حذف مشوق‌های مالیاتی هدفمند اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه هفتم توسعه ضربه جبران‌ناپذیری به تولید می‌زند

> باید برای درونی‌سازی فناوری حمایت جدی صورت بگیرد

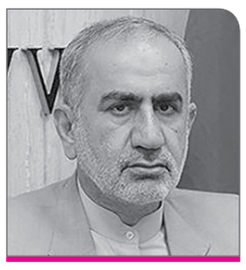
> خروجی یک شرکت دانش‌بنیان معادل ۵۰ تا ۱۰۰ شرکت عادی است

ضرورت مخالفت با حذف مشوق‌های مالیاتی تولید

جعفر قادری عضو کمیسـیون برنامه، بودجه و محاسـبات مجلس در مورد اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسـعه و اهمیت آن برای شـرکت‌های که در حوزه طرح‌های صنعتی کار می‌کنند، گفت: یکی از ابزارهای حمایت از واحدهای تولیدی مشوق‌های مالیاتی تولید است و این موضوع تجربه موفقی در جای جای کشورهای دنیا دارد و به طریق اعطای مشوق‌های مالیاتی امکان توسـعه سـرمایه‌گذاری در بخش مولد اقتصاد و کاهش ریسـک فعالیت در این بخش فراهم خواهد شد. این موضوعی است که در کشـورهای مختلف مورد اسـتفاده قرار گرفته و کارآیی خودش را نشان داده است.

این نماینده مجلس شـورای اسـلامی افزود: در قالب سیاست اعتبار مالیاتی تحقیق‌وتوسـعه قرار است هزینه‌های تحقیق‌وتوسعه صنایع به عنوان اعتبار مالیاتی برای آنها در نظر گرفته شود و به این شکل امکان سـرمایه‌گذاری در بخش‌های فناوری و همچنین توسعه زنجیره ارزش، دارای صرفه اقتصادی خواهد شد.

قـادری افزود: زمان بررسـی این موضـوع در مجلس نیز بحث بر این بـود کـه اگر می‌خواهیم انتقال دانش و تکنولوژی صورت گیرد و فاصله و شـکافی که بین ما و کشـورهای پیشرفته وجود دارد، کم شود باید به شـکل‌های مختلفی از شـرکت‌های دانش‌بنیان حمایت کنیم؛ یکی از این حمایت‌ها استفاده از ابزارها و اهرم‌های مالیاتی بود که باید حمایت کنیـم. عضو کمیسـیون جهش تولید اظهار کرد: در شـرایط تورمی و مشکلات مسیر تولید، باید با انواع و اقسام ابزارها از تولید حمایت کرد. معافیت‌هـای مالیاتـی، در نظر گرفتن مشـوق‌های بیمه‌ای و تضمینی برای خرید تولیدات نیز از دیگر مواردی است که می‌تواند به آنها کمک کند تا این شـرکت‌ها در حوزه‌های مختلف وضعیت مناسـبی داشـته باشـند تـا تولیداتشـان را به بازار عرضه کننـد. وی افزود: یک تصمیم عجیب در برنامه هفتم توسـعه مبنی بر حذف مشوق‌های تولید گرفته شـده اسـت که این موضوع کاملا اشتباه است و در مجلس باید اصلاح شـود. باید از تولید و به خصوص تولید دانش‌بنیان مورد تاکید رهبری حمایـت کـرد. دانش‌بنیان شـدن صنایع بزرگ و حرکت به این سـمت خواسـت مقام معظم رهبری است و بایـد حمایت‌های مختلـف و نه تنها مشوق‌های مالیاتی، بلکه مشوق‌های گمرکی، بیمه‌ای و تسـهیلاتی نیز از مسـیر تکمیل زنجیره ارزش و همچنین توسعه دانش فنی و تکنولوژی صنعتی توسـط شرکت‌های دانش‌بنیان مورد پشـتیبانی قرار گیرد. از همین رو نیز اهمیت دارد که اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه که عمدتا توسط افراد نخبه ما نیز مدیریت می‌شوند باید حمایت شوند.



قادری تاکید کرد؛ در شرایطی که ورود تکنولوژی و فناوری با تحریم مواجه است، باید برای درونی‌سازی فناوری حمایت جدی صورت بگیرد و این امر با مشـوق‌های مالیاتی نظیر اعتبار مالیاتی تحقیق و توسـعه امکان‌پذیر خواهد شد.

حذف اعتبارات مالیاتی تحقیق‌وتوسعه اشتباه است

احسـان ارکانی عضو کمیسـیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شـورای اسـلامی در مورد اعتبار مالیاتی از شـرکت‌های که در حوزه طرح‌های صنعتی کار می‌کنند، گفت: در راسـتای جلوگیری از خروج ارز و به‌روز رسـانی و اسـتفاده بهینه از فناوری و تکنولوژی باید در گام نخسـت مشـکلات شـرکت‌های دانش‌بنیان داخلی که عمدتا ناشی از تامین مالی تولید می‌شـود رفع شـوند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شـورای اسـلامی اظهار کرد: باید با حمایت از این شـرکت‌ها، راه‌هـای بهـره از ظرفیت‌های مختلف حوزه تامین مالی را هموار کرد تا به تقویت آنها و تجاری‌سازی ایده‌ها در حوزه‌های مختلف صنعتی منجر شود. عمده تولیدات این شرکت‌ها نیز تولیداتی است که مشابه داخلی نداشته و برای ادامه تولید باید دستگاه‌های مورد وارد شوند.

وی با اشـاره به ضرورت حمایت از حوزه تحقیق‌و پژوهش بیان کرد: بـرای اجرای این سیاسـت‌های حمایتی الزاما، نیازی نیسـت موضوع مشـوق‌های اعتبار مالیاتی در برنامه هفتم توسعه آورده شود چراکه در این زمینه قانون دائمی وجود دارد. ارکانی افزود: طبق آسـیب شناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شـورای اسلامی از برنامه‌های توسعه، تکرار برخی از قوانین در لوایح است. درحالی‌که نباید موضوعی که تبدیل به قانون شده دوباره در اوایح دیگر تکرار شود. وی با اشاره به سایر بندهای برنامـه هفتم توسـعه گفت: همچنین برخـی حمایت‌های حاکمیت از تولید نیز حذف شده که مغایر با قانون است. وقتی یک حمایت و اعتبار مالیاتی تصویب شده؛ حذف کلی آن کاملا غلط و اشتباه است و این بدان معناسـت که قوانین دائمی قبلی مدنظر قرار نگرفته اسـت. قطعا حذف اعتبارات مالیاتی تحقیق‌و توسـعه که با هدف مشـارکت بیشتر صنعت در تکمیل زنجیره ارزش، ایجاد شده است؛ یک اشتباه بزرگ است.

نماینده مردم نیشـابور در مجلس گفت: نه تنها این حمایت‌ها از این شرکت‌ها و طرح‌ها را لازم می‌دانیم بلکه معتقدیم حمایت‌ها کافی نبوده و باید حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان برای اجرای طرح‌های صنعتی بسیار بیشتر از سقف‌های حمایتی گذشته در اقتصاد ایران افزایش یابد.

ارکان با اشـاره به اینکه محور پیشران توسعه کشور در بحث صنعت، کشـاورزی و حوزه‌هـای مختلـف خدماتی، شـرکت‌های دانش‌بنیان هسـتند،گفت: عمـده تولید ثروت و ارزش‌افزوده کشـورهای توسـعه یافته مبتنی بر حجم کوچکی از شـرکت‌هایی اسـت که آن شـرکت‌ها دانش‌بنیـان هسـتند. خروجی یک شـرکت دانش‌بنیـان معـادل ۵۰ تا ۱۰۰ شـرکت عادی اسـت. بنابراین هرگونه سـرمایه‌گذاری و حمایت از این شـرکت‌ها که اتفاق بیفتد لازم و ضروری است.



سخن پایانی

از همین رو نیز بسـیاری از کارشناسـان اقتصادی و نمایندگان مجلس نسـبت به عواقب مخرب حذف مشوق‌های مالیاتی هشدار داده‌اند و خواسـتار حذف این بند ضدتوسـعه و ضدتولید از برنامه هفتم توسـعه شده‌اند. بااینهمه چند روز پیش نیز معاونت علمی و فناوری ریاسـت‌جمهوری اعلام کرد:«بند ج ماده ۲۷ لایحه برنامه هفتم و کاهش مشـوق‌هایی مالیاتی هدفمند تولیـد مانند اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه از برنامه هفتم توسعه حذف می‌شود.»

طرح‌های انتقال آب فرصتی برای استفاده بهینه از منابع آبی

کشاورزی و صنعت سیراب می‌شوند؟

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir

گسترش خشکسالی، باعث وقوع بحران در تامین آب بخش آشامیدنی، کشاورزی و صنعت در برخی استان‌های کشور شده و با توجه به محدودیت منابع آبی داخل کشور، طرح انتقال آب از دریای عمان و خلیج‌فارس به فلات مرکزی در دستور کار قرار گرفته است. چالش کم‌آبی در کشور به مرحله بحرانی رسیده به‌طوری که علاوه بر بروز مشکل در تامین آب آشامیدنی، برخی فعالیت‌های کشاورزی و فعالیت صنایع متوقف شده و به پدیده مهاجرت از روستا به شهر نیز دامن زده است. برای رفع معضل کم‌آبی و خشکسالی، راهکارهای مختلفی ارائه شده که ویژگی مشترک بیشتر این راهکارها، تمرکز بر استفاده بیشتر از منابع آبی محدود کنونی است که باعث فشار بیشتر بر این ذخایر و تشدید روند خشکی می‌شود. با توجه به کمبود منابع آبی داخلی، در سال‌های اخیر پیشنهادهایی برای انتقال آب دریا به داخل کشور مطرح شده است. ساحل طولانی ایران در خلیج‌فارس و دریای عمان فرصتی را فراهم آورده تا برای استفاده از منابع آبی گسترده در جنوب کشور برنامه‌ریزی شود.


عکس: ایرنا

فرآیند انتقال آب به استان‌های مرکزی

نخستین پروژه انتقال آب خلیج‌فارس به‌عنوان طولانی‌ترین خط انتقال آب در کشور در سال ۱۳۹۹ به طول حدود ۸۰۰ کیلومتر از غرب بندرعباس افتتاح شد که از ۳ استان هرمزگان، کرمان و یزد می‌گذرد.

بر این اساس، مرحله نخست پروژه انتقال آب از خلیج‌فارس به فلات مرکزی ایران به طول ۳۰۵ کیلومتر از بندرعباس به سیرجان با اعتبار ۱۶۳ هزار میلیارد ریال در آبان ۹۹ افتتاح شد. مرحله دوم این طرح نیز به مقصد استان‌های مرکزی کشور، مس سرچشمه کرمان و چادرملو و یزد به طول ۵۲۰ کیلومتر و هزینه هزار و ۲۰۰ هزار میلیارد ریال در ۲۴ اسفند ۹۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بر اساس برنامه پیش‌بینی شده، قرار است همزمان خط دوم نیز به طول هزار و ۵۵۰ کیلومتر از همین مسیر از هرمزگان به استان‌های خراسان جنوبی و خراسان رضوی برود که البته در آینده، اجرایی خواهد شد.

پیشنهاد انتقال آب به ۱۷ استان

بر اساس گزارش‌ها، با توجه به کمبود شدید منابع آبی، پیشنهاد انتقال آب دریا به ۱۷ استان برای تامین نیاز بخش‌های مختلف به‌ویژه صنعت، مطرح شده است.

البته تاکنون برای انتقال آب به ۷استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان‌رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان، تصمیمات نهایی اتخاذ شده و وارد مرحله مطالعات تکمیلی و اجرا شده است.

قطعی شدن انتقال آب به ۷ استان

طرح انتقال آب از دریای عمان و خلیج‌فارس قرار است در گام نهایی، منابع آبی جدید ۷ استان هرمزگان، کرمان، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، یزد، اصفهان و سیستان و بلوچستان را تامین کند برای اجرای این طرح‌ها حدود ۳هزار و ۷۰۰ کیلومتر لوله‌گذاری خواهد شد که آب خلیج‌فارس و دریای عمان را به ۷استان تعیین شده، منتقل می‌کند.

پروژه‌های انتقال آب که از استان هرمزگان و سیستان و بلوچستان آغاز می‌شود قرار است در طول مسیر خود به سوی استان‌های مرکزی و شرقی، علاوه بر توسعه صنایع گلخانه‌ای، آب مورد نیاز واحدهای صنعتی و معدنی بزرگ این استان‌ها را نیز تامین خواهد کرد.

احداث ۴ خط انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان

تاکنون ۴ پروژه احداث خط لوله انتقال آب از سواحل جنوبی کشور، تعریف شده است که مبدا آنها از استان‌های سیستان‌وبلوچستان و هرمزگان خواهد بود.

خط نخست، آب خلیج‌فارس را به استان‌های هرمزگان، کرمان و یزد منتقل می‌کند که در سال ۱۳۹۹ افتتاح شد. این طرح در فازهای یک، دو و سه به طول ۸۲۰ کیلومتر، با ۱۲ ایستگاه پمپاژ، با حجم سرمایه‌گذاری ۲۰ هزار میلیارد تومانی اجرا و افتتاح شده است.

در خط دوم، انتقال آب خلیج‌فارس به استان‌های کرمان، خراسان‌جنوبی و خراسان رضوی پیش‌بینی شده است. این طرح به طول هزار و ۵۵۰ کیلومتر با ۱۸ ایستگاه پمپاژ آب، با سرمایه‌گذاری ۴۷ هزار میلیارد تومانی اجرایی شده و برای ۳۰ هزار نفر اشتغالزایی به دنبال دارد.

تاریخ پایان این طرح سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده بود که باتوجه به عقب‌ماندگی طرح بعید است که در موعد مقرر به بهره‌برداری برسد.

در خط سوم، آب خلیج‌فارس به استان‌های یزد و اصفهان منتقل می‌شود. این طرح به طول ۹۱۰ کیلومتر با ۱۰ باب ایستگاه پمپاژ آب، با سرمایه‌گذاری ۳۵ هزار میلیارد تومانی اجرا شده و برای ۱۴هزار نفر اشتغالزایی به دنبال دارد.

تاریخ پایان این طرح نیز سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده که آن نیز در موعد مقرر به بهره‌برداری نخواهد رسید.

در خط چهارم، انتقال آب دریای عمان به استان سیستان‌وبلوچستان پیش‌بینی شده است. این طرح به طول ۸۲۰ کیلومتر با ۱۱ ایستگاه پمپاژ آب، با سرمایه‌گذاری ۳۹ هزار میلیارد تومانی اجرا شده و برای ۱۰ هزار نفر اشتغال‌زایی به دنبال دارد.

تاریخ پایان این طرح نیز ۱۴۰۴ پیش‌بینی شده که آن نیز با توجه به تاخیر موجود، در زمان پیش‌بینی شد، افتتاح نخواهد شد.

سرمایه‌گذاری صنایع در طرح‌های انتقال آب

برآوردها نشان می‌دهد که بخش صنعت سالانه ۹۵۰ میلیون مترمکعب آب برای مصارف خود کمبود خواهند داشت و به همین دلیل، استفاده از آب دریا یکی از ضرورت‌های بخش صنعت است. به نظر کارشناسان، منابع آبی سطحی و زیرسطحی را باید تنها به مصارف آشامیدنی، کشاورزی و محیط‌زیست اختصاص داد و بهترین راهکار برای تامین آب صنعت، استفاده از آب خاکستری یا منابعی است که تهدید کاهش چشمگیر یا اتمام آن وجود ندارد. در ۳ بخش آشامیدنی، کشاورزی و صنعت که به‌عنوان مصرف‌کنندگان منابع آبی به شمار می‌روند، بیشترین نیاز برای تامین آب دریا به بخش صنعت اختصاص دارد. تامین آب آشامیدنی به دلیل اهمیت، در صدر اولویت‌های تامین آب کشور قرار دارد و بر این اساس، منابع آبی موجود در داخل کشور در درجه اول، به بخش آشامیدنی اختصاص می‌یابند و سپس سایر بخش‌های کشاورزی و صنعتی قرار دارند.

تامین آب مصرفی کارخانه‌های مهم صنعتی در مرکز ایران یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها در سال‌های اخیر بوده و بر این اساس، همانند سایر کشورها، طرح تامین آب از دریا در دستور کار قرار گرفته است. اهمیت منابع آبی جدید برای بخش صنعت به حدی است که برای اجرای طرح‌های انتقال آب خلیج‌فارس به داخل کشور، صنایع بزرگ معدنی و فلزی اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بر این اساس، طرح بزرگ انتقال آب و راه‌اندازی پروژه آب‌شیرین‌کن یک میلیون مترمکعبی بندرعباس به‌عنوان بزرگ‌ترین سایت شیرین‌سازی انتقال آب دریا در کشور با سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ معدنی و فلزی کشور انجام شد.

شرکت‌های معدنی و فلزی (گل‌گهر، مس سرچشمه و چادرملو) که صنایعی آب بر محسوب می‌شوند، به علت کمبود منابع آبی در داخل کشور، برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای دچار مشکل شده بودند، اما دستیابی به منابع آبی دریا، فرصت توسعه این صنایع و سرمایه‌گذاری بیشتر توسط آنها را فراهم می‌کند.

افتتاح فاز یک طرح انتقال آب به کرمان

طرح انتقال آب در استان کرمان در ۲ فاز تعریف شده که فاز نخست آن در سال ۱۳۹۹ افتتاح شد، اما فاز دوم هنوز به بهره‌برداری نرسیده است.

در فاز نخست، آب خلیج‌فارس به صنایع بزرگ استان یعنی شرکت معدنی و صنعتی گل گهر و مس سرچشمه رسید. قطعه اول از فاز یک این طرح شامل تاسیسات نمک‌زدایی در بندرعباس و خط لوله بود که به طول ۳۰۰ کیلومتر تا محدوده مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر آغاز به کار کرد. ظرفیت انتقال آب این طرح ۴.۴ مترمکعب آب در ثانیه است که ۷ ایستگاه پمپاژ و ۹ مخزن با حجم ۱۸۵ هزار متر مکعب برای آن در نظر گرفته شده است، این قطعه در آبان ۱۳۹۹ افتتاح شد. قطعه دوم این خط لوله نیز از مجتمع گهر سیرجان تا صنایع معدنی سرچشمه به طول ۱۵۰ کیلومتر در اسفند ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسید که با ظرفیت ۳ مترمکعب در ثانیه دارای ۴ ایستگاه پمپاژ و ۴ مخزن به حجم ۸۰هزار متر مکعب است. فاز دوم احداث خط انتقال آب برای تامین آب شرب کرمان و برخی شهرهای شمالی استان هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. فاز دوم در مرحله خرید لوله و اجرا قرار دارد. براساس طرح اضطراری تامین آب کوتاه مدت شهرهای کرمان و رفسنجان از سامانه انتقال آب از خلیج‌فارس به صنایع جنوب شرق کشور در قالب طرح آبرسانی به شهرهای شمالی استان کرمان، ظرفیت انتقال یک هزار لیتر بر ثانیه آب، وجود خواهد داشت.

هدف از این طرح، انتقال آب شرب به شهرهای کرمان و رفسنجان از سامانه انتقال آب به صنایع جنوب کشور به میزان ۳۰ میلیون مترمکعب در سال است. طول خط اصلی این طرح، ۱۴۵ کیلومتر است که ۲ واحد ایستگاه پمپاژ و دوم مخزن برای آن پیش‌بینی شده است.

پیشرفت ۵۳ درصدی مطالعات انتقال آب به خراسان جنوبی

استان خراسان جنوبی از استان‌های کم آب کشور به شمار می‌رود که برای اجرای طرح‌های صنعتی و آشامیدنی نیاز به منابع جدید آبی دارد. در سفر آیت الله سید ابراهیم رئیسی به استان خراسان جنوبی نیز وی بر تامین سریع آب مورد نیاز این استان از منابع مختلف از جمله انتقال آب از دریای عمان تاکید کرد. رئیس جمهوری که ۱۹ شهریور پارسال به استان خراسان جنوبی رفت، در بدو ورود به شهرستان طبس در جمع خبرنگاران گفت: مسئله آب مشکل بسیاری از استان‌های کشور است و این موضوع را در دولت به‌صورت ویژه دنبال می کنیم. رئیس دولت سیزدهم در این ارتباط از راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت گفت و افزود: «اقدامات کوتاه‌مدت را می‌توان در استان دنبال کرد، اما راهکارهای بلندمدت از جمله انتقال آب از دریای عمان را می‌توان به صورت بلندمدت پیگیری کرد، البته نه اینکه خیلی طولانی شود که مردم ناامید شوند.» مدیرعامل شرکت تامین آب صنایع و معادن به‌عنوان مجری طرح انتقال آب به خراسان جنوبی در گفت‌وگو با ایرنا درباره آخرین وضعیت اجرای این طرح گفت: مطالعات اجرای خط دوم انتقال آب از خلیج‌فارس به استان‌های خراسان جنوبی و خراسان‌رضوی تاکنون ۵۳ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. محمدحسن اسدی افزود: آخرین وضعیت عملیات اجرایی خط دوم انتقال آب از خلیج‌فارس در محور شریف آباد - تربت حیدریه (خراسان رضوی) ۱۹.۶ درصد پیشرفت فیزیکی و عملیات انشعاب سنگان (خراسان رضوی و بخشی از خراسان جنوبی) ۴درصد پیشرفت فیزیکی تاکنون دارد. وی گفت: نقشه‌برداری کل مسیر خط دوم، ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و عملیات ژئوتکنیک (خراسان‌رضوی) دارای ۱۲ درصد پیشرفت فیزیکی است. اسدی اظهارکرد: طول خط دوم لوله انتقال آب از خلیج‌فارس به استان‌های کرمان، خراسان جنوبی و خراسان‌رضوی حدود هزار و ۳۰۰ کیلومتر است که طبق برنامه زمان‌بندی بناست تا افق ۱۴۰۴، معادل ۲۳۰ میلیون متر مکعب آب را با هدف تامین آب پایدار برای صنایع استان‌های خراسان جنوبی و خراسان رضوی تامین کند که از این مقدار ۶۰ میلیون متر مکعب سهم خراسان جنوبی است.

> با توجه به کمبود شدید منابع آبی، پیشنهاد انتقال آب دریا به ۱۷ استان برای تامین نیاز بخش‌های مختلف به‌ویژه صنعت، مطرح شده است

> طرح انتقال آب به استان کرمان در ۲ فاز تعریف شده که فاز نخست آن در سال ۱۳۹۹ افتتاح شد، اما فاز دوم هنوز به بهره‌برداری نرسیده است

تعطیلی کارخانه بازیافت یاسوج

کارخانه بازیافت شهر یاسوج با ضعف عمل به تعهدات و مشکلات زیرساختی تعطیل شد. به گفته کارشناسان، طلای کثیف سالانه بخش زیادی از درآمدهای شهری و اشتغالزایی را در کشورهای مختلف محقق می کند. با این وجود، کهگیلویه و بویراحمد سال‌ها مشکلات زیرساختی بازیافت را داشته تا هزاران تن زباله در ضعف عدم تفکیک به تلی از خاکستر تبدیل شود. میانگین تولید زباله در شهر یاسوج دو برابر کشور است. در محدوده شهر یاسوج روزانه ۲۵۰ تن زباله تولید شده که بخش زیادی در چرخه تفکیک‌های خیابانی قرار می گیرد. کهگیلویه‌وبویراحمد که ضعفی تاریخی در زیرساخت‌های پسماند داشته، با برنامه‌ریزی و وعده‌های حمایتی به یک سرمایه‌گذار، در مسیر ساخت یک کارخانه بازیافت در شهر یاسوج قرار می گیرد و با تلاش سرمایه‌گذار، پس از فراز و نشیب‌های متعدد فاز اول این کارخانه در شهریور ۱۴۰۱ به بهره‌برداری می‌رسد. به گزارش مهر، بر اساس گفته‌های نستهن مقدم، شهردار یاسوج، کارخانه بازیافت یاسوج ظرفیت تفکیک ۴۰۰ تن زباله در روز را داشته است.

کارخانه بازیافت یاسوج به بهره‌برداری رسید، اما فرجام آن با تعطیلی پیوند خورد. کارخانه چند ماه بعد تعطیل شد تنها چند ماه پس از راه‌اندازی فاز تفکیک، کارخانه بازیافت یاسوج به علت همکاری نکردن دستگاه‌های خدمات‌رسان و عمل نکردن شهرداری به تعهدات تعطیل شد. مهدی عدالت‌خواه، سرمایه گذار در حوزه بازیافت افزود: با توجه به نیاز شهری و با تاکید بر سلامت مردم نسبت به همکاری با متولیان برای ساخت کارخانه بازیافت اقدام کردیم. وی با بیان اینکه حتی در روند ساخت مشکلات زیادی بر سر راه ما قرار داشت، عنوان کرد: برای تامین برق پروژه از ژنراتور اجاره‌ای استفاده کردیم و تعهدات شبکه‌های آب، برق، گاز و... نیز چالش‌های متعددی برای ما ایجاد کرد. عدالت‌خواه گفت: با وجود همه مشکلات، دست از کار نکشیده و با تمام توان فاز اول کارخانه بازیافت یاسوج را آماده بهره‌برداری کردیم.

تعهدات روی کاغذ ماند

عدالت‌خواه مشکلات زیرساختی را پایان ماجرا ندانست و خاطرنشان کرد: در تعهدات شهرداری یاسوج مباحث کنترل تفکیک از مبدأ، جلوگیری از فعالیت انبارهای جمع‌آوری ضایعات و تحویل کامل زباله دیده شده بود که هیچ‌کدام عملیاتی نشد. وی با تاکید بر اینکه عدم تحقق تعهدات درصد بسیار بالایی از زباله‌ها را در شرایط تفکیک شخصی قرار می‌داد، عنوان کرد: به نوعی خروجی و درآمد کارخانه در ضعف عمل به تعهدات شهرداری مغفول ماند و همه اینها در سایه قراردادهایی بود که طرف مقابل به هیچ‌کدام عمل نکرد. عدالت‌خواه با اشاره به اینکه مشکلات زیرساختی، عدم همکاری دستگاه‌ها و ضعف عمل به تعهدات توسط متولیان کارخانه را در فاصله چند ماه پس از افتتاح به تعطیلی کشاند، اظهار کرد: این موضوع به نحوی شکل گرفت که امکان مانور برای بازیافت به پایین‌ترین میزان رسید. مجری کارخانه بازیافت یاسوج گفت: با توجه به عدم همکاری شهرداری یاسوج، در بحث زیرساخت‌ها، بخش زیادی از خطوط انتقال را با هزینه شخصی انجام دادیم، در حالی که این مهم در تعهدات شهرداری با تاکید بر مکلف کردن بخش‌های متولی دیده شده بود. وی ابراز کرد: حتی محیط‌زیست نیز حمایت‌های تسهیلاتی را برای احداث کارخانه‌های بازیافت در نظر گرفته، اما شهرداری پیگیری اثربخشی نیز در این محور نداشت. عدالت‌خواه خاطرنشان کرد: باوجود طی فرآیندهای قانونی و گرفتن مصوبه شورای شهر و صدور رأی مبنی بر نرخ‌گذاری، همچنان شهرداری نسبت به مرحله ذکر شده اقدام نکرده و کارخانه نیز در شرایط تعطیلی به سر می‌برد. عدالت‌خواه خواستار تعیین تکلیف وضعیت کارخانه با حضور کارشناسان قیمت‌گذاری شد و گفت: امید است شهرداری بتواند پس از واگذاری از چنین ظرفیتی برای تحقق اشتغال پایدار استفاده کند. شهر یاسوج که تا سال‌ها از ضعف مدیریت پسماند رنج می‌برد، اکنون با ایجاد زیرساخت و کارخانه بازیافت در مسیری قرار گرفته که عزمی بر مدیریت اصولی این مرکز می‌تواند گره گشای مهمی در اقتصاد شهری شده و کارخانه‌ای را که تنها ۶ ماه بعد از افتتاح تعطیل شده، در مسیر احیا قرار دهد. باید دید شورای شهر یاسوج که انتقادات زیادی را به لحاظ عملکردی بر خود می‌بیند، شهرداری را مکلف به تعیین تکلیف کارخانه بازیافت یاسوج خواهد کرد؟

روی خط خبر

توسعه تجارت دریایی مازندران و روسیه

استاندار مازندران به تشریح دستاوردهای سفر شش روزه هیات اقتصادی و تجاری استان به روسیه پرداخت و گفت: برای تجارت ۱۰ میلیون تنی کالا از طریق دریا با روسیه توافق شده است. به گزارش مهر، سید محمود حسینی پور تعامل با کشورهای مختلف را برای بی‌اثر کردن برای تحریم‌ها مؤثر دانست و گفت: مازندران تاکنون از مزیت‌های مرزی خود هیچ استفاده‌ای نبرده است این در حالی که این استان با ۵ کشور هم مرز است. وی با بیان اینکه از مزیت همسایگی با کشورهای دیگر بسیار محدود بهره بردیم، گفت: با راهبرد دولت سیزدهم راه برای بهره‌وری حداکثری مازندران از این مزیت باز شده است و تعاملات بین‌المللی دولت با روسیه سبب شده تا مازندران لنگرگاه کریدور شمال- جنوب محسوب شود. وی با عنوان اینکه مازندران می‌تواند نقش فعالی را در فعال کردن کریدور شمال - جنوب ایفا کند، گفت: استانداری مازندران در مسیر دولت از یک سال گذشته دیپلماسی اقتصادی خود را با کشورهای همسایه شروع کرده است. استاندار مازندران بااشاره به حضور سفرهای کشورهای مختلف و اکو در استان گفت: همچنین استانداران مختلف حاشیه خزر از مازندران برای سفر به این مناطق دعوت کرده بودند. حسینی‌پور با اشاره به برگزاری نخستین سفر هیات تجاری مقامات اجرایی استان در جلسه کنونی به روسیه افزود: این سفر با حضور بخش خصوصی و فعالان اقتصادی انجام شد تا بتوانیم با گرایش توسعه فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اهداف سفر را دنبال کنیم. وی به دستاوردهای ۶ روزه سفر اشاره کرد و گفت: در این سفر جلسات رسمی با مقامات کشور روسیه و جلسات بی‌تو بی‌با تجار و فعالان اقتصادی روسیه برگزار شد و دستاوردهای خوبی در آن داشتیم. استاندار مازندران با بیانی که در این سفر با استاندار و معاونان و مسئولان استان‌های آستاراخان، ولگاگراد و مسئولان کشوری روسیه ملاقات‌هایی داشتیم، گفت این استان‌ها علاقه‌مند مبادلات و مراودات با مازندران هستند و استاندار سامرا نیز با تیم مدیریتی مازندران نشستی داشته است. وی با اشاره به این برای خرید لیزینگ کشتی مقرر شد از طریق بیزنیس بانک حمایت صورت گیرد، گفت: این بانک متعهد شد نسبت به لیزینگ کشتی اقدام کند. حسینی پور به قابلیت مازندران در تولید موتور کشتی‌ها خبر داد و گفت: روسیه برای تامین موتور کشتی از مازندران اعلام آمادگی کرده است. استاندار مازندران از عقد قرارداد با فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسیه برای تامین مرکبات خبر داد و گفت: باید یکسری اصلاحاتی را در مازندران برای تولید مرکبات داشته باشیم تا بتوانیم نیاز روسیه را تامین کنیم.

دولت به دنبال عادلانه‌سازی یارانه نان

مجری طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان کشور با اشاره به اجرای طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان گفت: دولت به دنبال عادلانه‌سازی این یارانه و توزیع مستقیم آن به مردم است. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور اقتصادی و دارایی یزد، محمد جلال در نشست شورای آرد و نان این استان افزود: سامانه هوشمند یارانه آرد و نان، میزان آرد مورد نیاز هر منطقه، تخصیص آن، تبدیل آرد به نان و محاسبه میزان فروش را به صورت هوشمند محاسبه و تحلیل می‌کند. وی گفت: در فرآیند فروش در صورتی که کارتخوان دچار مشکل شد فروش نان نباید متوقف شود و نانوایان باید در هر شرایطی نان را به مردم عرضه کنند. وی اظهارکرد: در صورت بروز چنین مشکلی، نانواها به هر روشی که مدنظر دارند نان را به مردم عرضه کنند و با شماره تماسی که روی کارتخوان است تماس بگیرند و زمان قطعی و خرابی را اعلام کنند. جلال گفت: سامانه به صورت هوشمند عملکرد نانوایی در فروش نان را در همان ساعات و روز مشابه، محاسبه خواهد کرد و بر مبنای عملکرد قبلی آن روز، کمک هزینه نانوایان پرداخت خواهد شد. وی با بیان اینکه میزان اختلال در کارتخوان‌ها عدد بالایی نیست گفت: به ازای هر ۱۵۰ روز کاری حدود ۶ ساعت اختلال ایجاد می‌شود. مجری طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان کشور ادامه داد: برای ترمیم اقتصاد نانوایان معادل ۴۰ درصد نرخ نان فروخته شده از طریق کارتخوان‌های هوشمند، در پایان هر روز به عنوان کمک هزینه به حساب نانوایان واریز می‌شود. وی با بیان اینکه برای کمک به اقتصاد نانوایان، تسهیلات بیمه‌ای و بانکی هم در نظر گرفته شده است افزود: نانوایان نان سنتی که نظام پخت آن تنوری و غیر مکانیزه و بر پایه نیروی انسانی است، اجازه تعیین نرخ متفاوت‌تری خواهند داشت تا اقتصاد آنها جبران شود. وی گفت: بالاترین مرجع سیاست‌گذاری کارگروه آرد و نان استان است و فرمانداران اختیار ویرایش در میزان سهمیه آرد و نان و اختصاص نان به گروه‌های خاص از جمله هیات‌های مذهبی و بیمارستان‌ها را دارند. وی ادامه داد: با توجه به توزیع خمیرمایه با نرخ مناسب که از اقلام جدی هزینه‌های نانوایان است، مقرر شده است که خمیرمایه در سامانه یکپارچه توزیع آرد و در کنار آرد با نرخ مصوب توزیع شود تا بازارهای واسطه‌ای حذف و هزینه‌های تولید نان کاهش یابد.

سه‌شنبه
۳ مرداد ۱۴۰۲- ۷ محرم۱۴۴۵ - ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۳- شماره ۲۳۶۹-پیاپی۳۶۸۷

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

یادداشت

درک سه بعد جهان هستی



نیما بیات

بشر قادر به درک سه بعد در جهان هستی است که شامل طول، عرض و ارتفاع اجسام می‌شود. با اینکه یک شیء فیزیکی برای درک وجودی به هر سه بعد نیاز دارد؛ اما این ابعاد گاهی می‌توانند جایگزین هم شده و به جای هم استفاده شوند، یعنی برای مثال بعد «طول» در یک «کره» می‌تواند تبدیل به ارتفاع شود! نکته قابل توجه در این تعاریف و عناوین «قراردادی» بودن تعاریف است که به کلمه‌ها بار معنایی می‌بخشد. حتی در تصویرسازی اجسام نیز نمایش سه بعد یک جسم روی یک صفحه مسطح به صورت دو بعدی محقق می‌شود، اما در واقع اگر شیئی فاقد هر سه بعد باشد، موجودیت خود را از دست می‌دهد. هنرهای هفت‌گانه نیز همگی دارای «بعد» هستند. برای مثال مجسمه از همه چیز مادی‌تر است، که هم منجمد است و هم سه بعد کامل مادی دارد. بعد از مجسمه‌سازی حرکات نمایشی، به عنوان یک هنر کلاسیک و تجسمی نیز دارای سه بعد است. این تجسم‌ها درست متناسب با روح و احساس و ادراک انسان بوده و بنابراین می‌تواند تجلی درون انسان و تجرد باشد. موسیقی فقط و فقط یک بعد دارد و آن هم خلق اثر در بعد «زمان» است. شعر تجرد مطلق و محض است و به همین خاطر است که در شعر و موسیقی توانایی بیان مفاهیم در اوج متعالی خودشان ایجاد می‌شود و این توانایی در آثار دیگر قابل مشاهده نیست. در میان هنرهای هفت‌گانه، هنر نقاشی از تکامل بیشتری نسبت به سایر هنر برخوردار است. در اصل تصویرسازی در هنر نقاشی تنها دارای دو بعد بوده برای ارایه و تصویرسازی نیازمند بهره از استعداد و خلاقیت بالاتر هنرمند و مخاطب است و در نهایت خداوند در هیچ بعدی نمی‌گنجد و همیشه برای شاعران و عارفان خاص و متفاوت بوده است، آنچنان که حضرت سنائی می‌فرماید:

- بری از خوردن و خفتن، بری از شبه و شبیهی
- بری از صورت و رنگی، بری از عیب و خطایی
- نتوان وصف تو گفتن که تو در وصف نگنجی
- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی.

بعد از هنرهای هفت‌گانه، از نگاه من هنر هشتم روزنامه‌نگاری است. روزنامه‌نگاری و کار برای مطبوعات هم دارای ابعاد فراوانی است که باعث شده حیطه روزنامه‌نگاری در عین زیبایی‌هایش به دلیل دربرگیری ابعاد متفاوت و متعدد، از یک هنر کامل به یک هنر ناقص بدل شود. روزنامه‌نگاری با وجود مصائب و مشکلات خاص خود مانند کار در معدن سخت و پراسترس بوده و با توجه به محدودیت زمانی برای ارائه کار مشخص روزانه، گاهی با فشارهای روانی بالایی همراه بوده و مجموع عوامل یاد شده و یاد نشده منجر به زیان‌آور شدن این حرفه می‌شود. از معدن طلا، ذخایر قیمتی استخراج می‌کنند و از روزنامه آگاهی و دانش استخراج می‌شود. هر دو این دستاوردها باارزش هستند. و در پایان شاید بتوان اکتشافات معدنی را به شرط صدمه نزدن به طبیعت هنر نهم نام نهاد.

از فضای مجازی

معمار توسعه سنگاپور چگونه می‌اندیشید؟

«لی کوان‌یو» نخست‌وزیر فقید و معمار توسعه پایدار سنگاپور، ۳دهه (از ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۰) بر این کشور حکومت کرد و توانست سنگاپور را از جزیره‌ای متروک و بی‌حاصل به یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی دنیا و کشوری تراز اول مبدل سازد. او به‌نحوی معجزه‌آسا بر مبنای ارزش‌های ملی و اصول آسیایی، با تکیه بر فرهنگ و سنت‌های شرقی، با تأکید بر مشارکت نخبگان و شایسته‌سالاری، با بهره‌گیری از سیاست درهای باز و البته با مشتی آهنین و به سیاقی منحصربه‌فرد پرچم‌دار توسعه سنگاپور شد. مهم‌ترین دیدگاه‌های او عبارتند از:

۱- برای همترازی با ابرقدرت‌ها به تبادل‌نظر و بیان آزادانه عقاید نیازمندیم. تولید ناخالص داخلی چین لاجرم به سطحی از رشد می‌رسد که با تولید ناخالص امریکا برابری می‌کند، اما به‌لحاظ رشد خلاقیت هرگز به پای این کشور نخواهد رسید زیرا فرهنگ سنتی اجازه تبادل نظر آزادانه، رشد خلاقیت و رقابت ایده‌ها را نخواهد داد.

۲- تکنولوژی نحوه عملکرد حاکمیت را تغییر خواهد داد. رشد تکنولوژی سرانجام سیستم حکومتی چین را منسوخ خواهد کرد. تا سال ۲۰۳۰، بالای ۷۰ درصد از جمعیت ساکن شهرهای کوچک و بزرگ خواهند بود و به تلفن‌همراه، اینترنت، تلویزیون و ماهواره دسترسی خواهد داشت. این بدان معنی است که مردم قرار است آگاه شوند و می‌توانند خود را سازماندهی کنند.

۳- سعی نکنید دموکراسی را در کشوری پیاده کنید که قبلا بهره‌ای از آن نبرده است. نمی‌توانید استانداردها و فرهنگ دموکراسی را به کشورهایی تحمیل کنید که با این مفاهیم کاملا بیگانه‌اند.

۴- همیشه از داشتن و آموختن دستاوردهای بشری و یافته‌های جدید جهانی استقبال کنید. امپراتوری‌های موفق در طول تاریخ آن‌هایی بوده‌اند که قادر به تحمل و گردآوری مردم از نژادها، زبان‌ها، مذاهب و فرهنگ‌های متفاوت بوده‌اند.

۵- واقع‌بین باشید. به نتایج اقدامات توجه کنید و دست از وعده و وعید بردارید. برای کسب دموکراسی واقعی چاره‌ای ندارید جز اینکه به صداهای بیشتری مجال حضور بدهید.

۶- دولت‌ها نباید راهکارهای ساده‌ای برای برون‌رفت از مشکلات داشته باشند. دولت‌های امریکا و اروپا بر این باور بودند که می‌توانند تا ابد از فقرا و نیازمندان حمایت کنند. جامعه‌شناسان این مناطق این نظریه را بیان کرده‌اند که سختی و شکست ارتباطی به شخصیت افراد ندارد و تابعی از نقص در سیستم اقتصادی است.

۷- به استانداردهای زیستی و بهبود آنها توجه کنید. استانداردهای زندگی به عوامل اساسی بستگی دارند: نخستین عامل، منابع است که به میزان جمعیت وابسته است. دومین عامل توان تکنولوژیکی و استانداردهای توسعه صنعتی است و استانداردهای تعلیم‌وتربیت و در نهایت فرهنگ، انضباط و انگیزه نیروی کار است.

۸- مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل رقابت‌پذیری ملی، کیفیت منابع نیروی انسانی کشور است. نوآوری، کارآفرینی، روحیه کار تیمی و اخلاق حرفه‌ای سبب می‌شوند که انگیزه‌های لازم برای رقابت‌پذیری در افراد ایجاد شود. نوآوری به خلق محصولات و فرآیندهای جدید منجر می‌شود.

۹- فرهنگ و جایگاه تاریخی‌تان را دریابید. جمعیت هر کشور تنها امتیاز و عامل توفیقش نیست بلکه اراده، انسجام، پایداری، نظم و انضباط ملی و کیفیت عمل رهبران است که جایگاه هر ملت را در تاریخ مشخص می‌کند.

۱۰- فقط ضعیف‌ترین رهبران در پی نتایج نظرسنجی و تبلیغات سیاسی‌اند. هرگز نگران نظرسنجی‌ها و میزان محبوبیت خود نبوده‌ام. رهبری که در پی این جور چیزهاست، شخصیت ضعیفی دارد و از کار اصلی خود غافل است.

۱۱- بشر به‌نحوی بنیادین ستیزه‌جو است و رقابتی عمل می‌کند. انسان‌ها از بدو تولد با یکدیگر برابر نیستند. ما به‌شدت نابرابر و رقابت‌جو خلق شده‌ایم. سیستم‌هایی مثل کمونیسم شوروی و چین شکست خوردند زیرا سعی کردند منافع افراد را یکدست کنند. در این شرایط هیچ‌کس به میزان لازم سختکوش نخواهد بود اما همه می‌خواهند به اندازه دیگری به‌دست آورند.

۱۲- از ارزش تاریخ و اهمیت روندهای تاریخی غافل نشوید. اگر تاریخ را نخوانده باشید، نگاه‌تان به زندگی محدود خواهد بود. دانش تاریخی این حسن را دارد که به ما یاد می‌دهد مبسوط و وسیع بیندیشیم.

۶ برابر پرتغال انرژی مصرف می‌کنیم



وزارت نیرو اعلام کرد: براساس داده‌های بین‌المللی ایران اکنون به لحاظ شدت مصرف انرژی در جایگاه ششمین کشور با شدت مصرف انرژی بالا قرار دارد و این موضوع نشان می‌دهد مصرف انرژی در ایران به‌شدت ناکارآمد است. به گزارش وزارت نیرو، تابستان امسال در حالی وارد دومین ماه خود شد که بر اساس بسیاری از داده‌های هواشناسی، میزان افزایش دمای هوا در ۱۱ سال گذشته بی‌سابقه بوده و همین مسئله سبب شد تا در تیر چندین بار رکورد مصرف برق کشور شکسته شود.

براین‌اساس در تاریخ ۱۹ تیر میزان نیاز مصرف برق به ۷۲ هزار و ۴۸۵ مگاوات رسید و این رکورد در حالی در تاریخ صنعت برق کشور به ثبت رسید که سال گذشته و در همین روزها میزان نیاز مصرف برق بر اساس داده‌های رسمی شرکت مدیریت شبکه برق ۶۰ هزار و ۱۳۹ مگاوات بوده است. اگرچه یکی از دلایل افزایش قابل‌توجه میزان مصرف برق در تابستان امسال به موضوع دمای بالای هوا و افزایش میزان استفاده از سیستم‌های سرمایشی مرتبط است، اما از آن‌سو بررسی‌های تخصصی‌تر نشان می‌دهد به‌طورکلی و تحت‌تاثیر عوامل مختلف شدت مصرف انرژی در ایران به‌مراتب از بسیاری از کشورهای جهان بالاتر است. بالابودن شدت مصرف انرژی در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه و جهان به این معنا است که در ایران و برای رفع میزان مشخصی از نیاز به برق نسبت به کشورهایی که در آنها شدت مصرف انرژی پایین‌تر است، برق به‌مراتب بیشتری مصرف می‌شود.

واقعیتی ناخوشایند که بررسی‌ها نشان می‌دهد ظرف ۳۰ سال گذشته در روندی معکوس در قیاس با دیگر کشورها استمرار داشته و تا سال ۲۰۲۰ میلادی ۷۵ درصد رشدیافته است. بر اساس داده‌های بین‌المللی ایران اکنون به لحاظ شدت مصرف انرژی در جایگاه ششمین کشور با شدت مصرف انرژی بالا قرار دارد و این موضوع نشان می‌دهد مصرف انرژی در ایران به‌شدت ناکارآمد است. بالابودن شدت مصرف انرژی ایران بیانگر این واقعیت است که میزان مصرف انرژی دست‌کم ۶۰ درصد از میانگین جهانی برای تولید کالا و خدمات مشابه بیشتر است.

ناکارآمدی مصرف انرژی در بخش خانگی

بررسی آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد، شاخص مصرف انرژی در بخش خانگی ایران چیزی حدود ۴۶۰ کیلووات‌ساعت در سال به‌ازای هر مترمکعب است که اگر این داده به واحد مگاژول تبدیل و با آمارهای جهانی سایر کشورها مقایسه شود، میزان ناکارآمدی مصرف انرژی در بخش خانگی ایران را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند.

توضیح بیشتر اینکه در حالی مصرف انرژی به‌ازای واحد سطح خانه بر اساس داده‌های ترازنامه هیدروکربوری هزار و ۶۵۰ مگاژول محاسبه می‌شود که در هیچ یک از کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی، میزان مصرف انرژی با وجود آب‌وهوایی به‌مراتب سردتر از ایران از هزار مگاژول تجاوز نمی‌کند. به‌عنوان نمونه میزان مصرف انرژی به‌ازای واحد سطح خانه در کشور پرتغال چیزی حدود ۲۵۰ مگاژول، در کشور یونان ۴۰۰ مگاژول، در کشور ایتالیا ۶۰۰ مگاژول و در جمهوری چک ۸۰۰ مگاژول است. بالابودن شدت مصرف انرژی در کشورمان تابعی از عوامل مختلفی است که نتیجه آن ناکارآمدی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف مصرفی به‌ویژه در بخش خانگی است.

متوسط مصرف برق سالانه مشترکان بخش خانگی در استان هرمزگان چیزی حدود ۱۰ هزار کیلووات‌ساعت است که بررسی‌ها نشان می‌دهد در صورت اجرای برخی راهکارهای مدیریت مصرف می‌توان این میزان مصرف را تا ۶۰ درصد کاهش داد.

شدت مصرف انرژی نسبت به سایر کشورها

همچنین با اصلاح سیستم‌های روشنایی می‌توان ۲۵۰ کیلووات‌ساعت، با تعویض یخچال‌های قدیمی ۶۵۰ کیلووات‌ساعت، با اصلاح سیستم سرمایشی و تعویض ۳ دستگاه کولرگازی رتبه A پلاس، عایق‌بندی و نصب پنجره دوجداره ۴هزار و ۸۵۰ کیلووات‌ساعت و با نصب آبگرمکن خورشیدی نیز ۲۵۰ کیلووات‌ساعت، در مصرف برق سالانه خانوار هرمزگانی ۶ هزار کیلووات‌ساعت صرفه‌جویی کرد.

مجموعه ارقام و آماری که به‌خوبی نشان می‌دهد شدت مصرف انرژی به‌ویژه در حوزه برق به‌شدت نسبت به سایر کشورهای جهان بالاتر است و مهم‌تر از آن اینکه می‌توان با اجرای برخی راهکارهای کاهش مصرف تا ۶۰ درصد از این میزان را کاهش داد و علاوه بر کمک به حفظ محیط‌زیست، نقش موثری در بهبود شاخص‌های اقتصاد انرژی کشور ایفا کرد.

بین‌الملل

«فوود ولی» هلند را دومین صادرکننده غذای جهان کرد

داستان توسعه و پیشرفت کشاورزی هلند پر از درس‌هایی است که جهان باید فراگیرد. هلند، کشوری کوچک، با ۱۷ میلیون جمعیت به دومین صادرکننده محصولات غذایی جهان تبدیل شده است. این کشور تقریبا از تمامی منابع سرزمینی و خاک که برای کشاورزی در مقیاس بزرگ لازم است، محروم است.

امریکا به عنوان نخستین صادرکننده محصولات کشاورزی جهان ۲۷۰ برابر بیشتر از هلند زمین کشاورزی دارد، اما هلند دومین صادرکننده محصولات کشاورزی بعد از امریکا است و درعین حال بزرگ‌ترین صادرکننده گوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز و دومین صادرکننده سبزیجات در دنیا است. یک سوم تجارت جهانی دانه‌های سبزیجات خوراکی از هلند سرچشمه می‌گیرد. این موفقیت‌ها فقط در ۹۴ کیلومترمربع گلخانه به‌دست آمده است. در مقایسه باید گفت؛ مساحت شهر تهران ۷۳۰ کیلومترمربع است.

راز موفقیت چیست؟

راز موفقیت هلند استفاده از تکنولوژی‌های برتر و گلخانه‌های پیشرفته کشاورزی است. این تکنولوژی‌ها برداشت در سطح هکتار را به شدت افزایش داده است.

یکی از نمونه‌های تکنولوژی‌های به کاررفته در بخش کشاورزی هلند، استفاده از سنسورهای حساس، در مصرف آب است که منجر به صرفه‌جویی ۹۰ درصدی در مصرف آب می‌شود. با استفاده از این تکنولوژی در هلند ۱۵ نوع گوجه فرنگی با ارتفاع ۶ متر پرورش داده می‌شوند که ریشه آنها نه در خاک بلکه در محلول‌های مغزی قرار دارد. هلند به طور کامل استفاده از آفت‌کش‌های شیمیایی را کنار گذاشته است. همچنین در عرصه پرورش طیور و از سال ۲۰۰۹، مرغداران و دامداران استفاده از آنتی‌بیوتیک را حدود ۶۰ درصد کاهش داده‌اند.

در این کشور کشاورزان برای تنظیم دمای گلخانه‌ها از انرژی زمین گرمایی (geothermal) استفاده می‌کنند. کشاورزی هیدروپونیک که در آن محصولات بدون خاک و با استفاده از محلول‌های مغذی رشد می‌کنند، مصرف آب و هزینه‌ها را به شدت کاهش داده است.

راز این پیشرفت‌ها نیز در تحقیقاتی است که در دانشگاه واخنینگن (Wageningen) هلند صورت می‌گیرد. شاید بتوان گفت این دانشگاه بهترین موسسه تحقیقاتی جهان در زمینه کشاورزی است. اگر امریکا سیلیکون ولی (Silicon Valley) کالیفرنیا را به عنوان مرکز نوآوری‌های تکنولوژیکی دنیا در اختیار دارد، هلند نیز مرکز تحقیقات کشاورزی غذایی فوود ولی (Food Valley) را به کشاورزی جهان معرفی می‌کند.

اگر دانشگاه کالیفرنیا مرکز ثقل سیلیکون ولی امریکاست، دانشگاه واخنینگن نیز مرکز ثقل «فوود ولی» هلند است.

کشاورزی در هلند؛ وقتی فناوری جای خالی خاک را پر می‌کند

هلند کشوری کوچک است که رتبه دوم صادرات محصولات کشاورزی و عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده سیب‌زمینی در جهان را در اختیار دارد؛ اما چگونه این کشور کوچک کم خاک به چنین جایگاه بالایی دست پیداکرده است؟

همان‌طوری که گفته شد، مساحت امریکا ۲۷۰ برابر هلند است یعنی امریکا ۹ میلیون و ۸۴۳ هزار کیلومترمربع وسعت دارد درحالی‌که مساحت هلند ۴۱ هزار و ۵۴۳ کیلومترمربع است و به‌طبع این پرسش مطرح می‌شود که هلند چگونه توانست در یک رقابت جهانی این‌گونه به مقامی برتر از دیگر کشورها دست یابد؟

صاحبنظران می‌گویند این جایگاه هلند حاصل ترکیبی کارآمد از همکاری و همفکری میان مراکز علمی شرکت‌های تولیدکننده و کشاورزان است. البته رابطه بلاواسطه و سازماندهی‌شده میان این ۳ نهاد شرط لازم بوده است. تحقیقات و نتایج آن در قفسه‌ها و گنجه‌های موسسات تحقیقاتی و علمی باقی نمی‌ماند و بلافاصله به‌دست کشاورزان می‌رسد و چه‌بسا در فرآیند تحقیق، خود کشاورزان به نوعی حضور دارند.

هلند آخرین کشور غربی است که دچار قحطی شدید شده است؛ در واپسین سال جنگ جهانی دوم، کمبود مواد غذایی موجب شد ۱۰ الی ۲۰ هزار هلندی جان خود را از دست بدهند. این تجربه تلخ، توأم با پیش‌بینی‌های نه چندان روشن در رابطه با آینده تامین مواد غذایی در جهان، هلندی‌ها را بر آن داشت تا به دنبال راهکارهایی برای حل معضل کمبود مواد غذایی باشند. حدود ۳ دهه پیش، دولت هلند برنامه‌ای ملی و جامع را برای توسعه کشاورزی پایدار در این کشور در برنامه توسعه خود قرارداد. هدف این برنامه، دو برابر شدن تولیدات کشاورزی و کاهش استفاده از منابع به یک‌دوم بود.